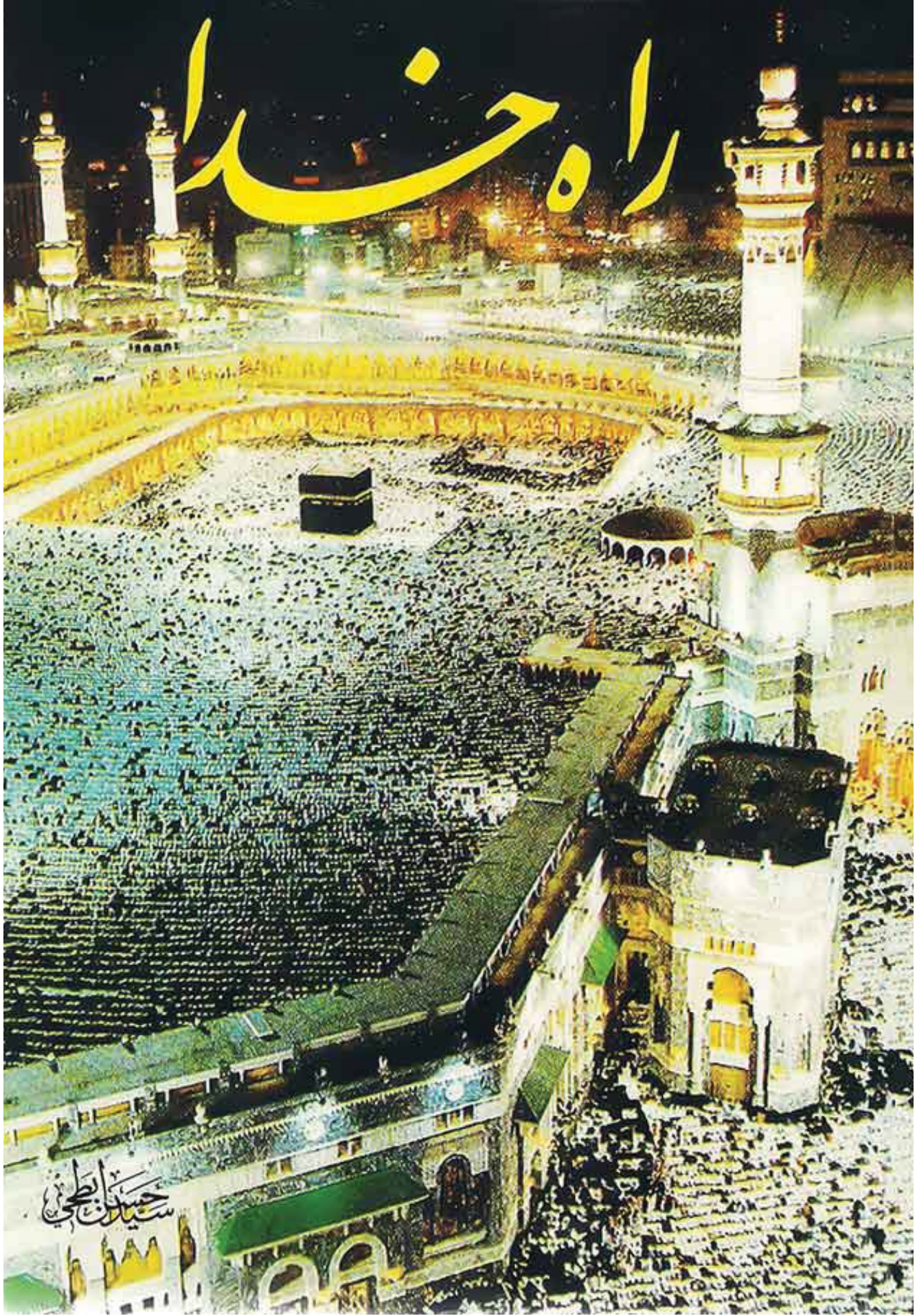


# راه خدا



حیدر اعظمی

# راه خدا

در مسائل اخلاقی و اجتماعی و اماکن مقدسه مکه و مدینه

مؤلف

سید حسن ابطحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

ووصلني الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

سماواتهم والارضين والرحمن الرحيم المنظر المهدي

## شناسنامه

نام کتاب: ..... راه خدا

مؤلف: ..... مؤلف سید حسن ابطحی

ناشر: ..... بطحاء

تعداد صفحات: ..... ۲۳۲

تاریخ چاپ: ..... ۱۳۸۰

چاپخانه: ..... افق

شمارگان: ..... ۵۰۰۰

قطع: ..... رقعی



«مقدمه»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

الحمد لله و صلى الله على رسول الله و على آله آل الله لا سيما  
على بقية الله عليه و اصحابه صلوات الله

کتاب «راه خدا» که از سالها قبل در اختیار حجّاج محترم واقع  
می شده اینبار با اضافاتی به چاپ می رسد که ان شاء الله بیشتر مورد  
استفاده کلیه ی حجّاج بخصوص سالکین الی الله قرار گیرد.

لذا این چاپ از کتاب دارای سه بخش است:

اول: مسائل اخلاقی و اجتماعی عمره و حج.

دوم: معرفی و آداب اماکن مقدّسه ی مکه و مدینه.

سوم: مسائل عمره و احکام حج.

امید است خدای تعالی ما را از یاران خوب حضرت بقية الله

روحي له الفداء قرار دهد.

### «پیشگفتار»

همه می‌دانیم که منظور از سفر حج تنها یک عمل عبادی خشک نبوده و بلکه یکی از اهداف پروردگار متعال از این سفر مقدّس، تزکیه نفس و بکار بستن اخلاقیات فردی و اجتماعی بوده است. شما می‌دانید که اولین شرط و جوب حج، استطاعت یعنی تمکن مالی و بدنی است. کسی که مستطیع نباشد و به زحمت خود را به مکه برساند، حجّش قبول نیست حتّی باید ثروتی داشته باشد که برای اهل بیتش در وطن بگذارد. این اولین شرط حج است از این شرط، اسلام می‌خواهد تنها افرادی که اهل کار و کوشش‌اند و یا به اصطلاح دستشان به دهانشان می‌رسد، انتخاب کند.

توضیح آنکه: اکثریت مردم با استطاعت مالی خود به مکه می‌روند کمتر کسی است که تنبل باشد و بدون کار و کوشش ثروتمند گردد و استطاعت پیدا کند، بنابراین اسلام با این شرط خود به خود افراد فعّال اجتماع را انتخاب کرده و به خانه خدا دعوت نموده است.

دومین شرط استطاعت و زیارت خانه خدا این است که باید کسی که به سفر حج می‌رود، بدن سالمی داشته باشد که بدون هیچگونه ناراحتی برود و باز گردد. و افراد مریض و ناتوانی که نمی‌توانند اعمال حج را صحیح انجام دهند و خلاصه استطاعت بدنی ندارند نباید به حج بروند.

ملاحظه می‌کنید اسلام با این شرط باز حتی المقدور افراد سالم اجتماع را برای سفر حج انتخاب کرده، زیرا افراد مریض و کم‌حوصله برای هدفی که پروردگار از زیارت خانه‌اش دارد، زیاد مفید نیستند. و بالأخره چون اسلام عمل حج را در اولین سال استطاعت واجب فوری قرار داده و از طرفی کار و کوشش بر هر فرد مسلمان واجب است طبعاً اگر به دستورات اسلام عمل شود، انسان در سنین جوانی مستطیع شده و به مکه خواهد رفت.

توضیح آنکه در اسلام کار و کوشش برای زندگی بهتر لازم و جزء عبادات پر اجر است و اگر حاکمیت و استقلال اسلامی در مملکتی مستقر شود، طبعاً جوانان فعال مسلمان به دستور اسلام به کار و کوشش بیشتری وادار شده و هر که مسلمان‌تر است فعالیت و حرکتش بیشتر است و طبعاً یک فرد مسلمان واقعی در همان سنین جوانی مستطیع خواهد شد.



که ملاحظه می‌کنید در اینجا هم اگر حاکمیت اسلام در ممالک اسلامی وجود داشته باشد خود بخود برای سفر حج بیشتر از جوانان هر کشوری انتخاب می‌شوند.

بنابراین افرادی که برای حج انتخاب شده‌اند، غالباً مردمان مسلمان، جوان پولدار و سالمی هستند که اکثراً در ممالک اسلامی که حکومت اسلامی نیز در آنها برقرار شده قدرتها را بدست می‌گیرند و باید سرنوشت مسلمانان ضعیف را تعیین کنند.

بنابراین اسلام باید این افراد را تربیت کند، غرور و طغیانی که در آنان ممکن است در اثر قدرت و ثروت بوجود آید از بین ببرد، (زیرا در قرآن فرمود: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ»<sup>(۱)</sup> انسان سرکشی و طغیان می‌کند وقتی بی‌نیاز شود) و او را مهیا برای خدمت به خلق بنماید. و از اینجا است که او را به سفر حج می‌خواند و بر او واجب کرده که باید در اولین فرصت به زیارت خانه خدا برود.

از خانه‌اش که حرکت می‌کند جواب دعوت الهی را می‌دهد.

برای تزکیه روح و خودسازی می‌رود.

برای انجام امر الهی و ایجاد حقیقت بندگی و عبودیت رهسپار

۱- سوره علق، آیه ۷.

می شود.

و خلاصه خانه خود را برای سفری که با ریاضت‌های گوناگون می‌خواهند او را بسازند، ترک می‌کند.

لذا اسلام برنامه حج را چنین تنظیم می‌کند.

یک فرد مسلمان از میقاتگاه که لااقل حدود صد کیلومتر راه است، باید مُحرم شود.

بخش اول:

«مسائل اخلاقی و اجتماعی حج»

### قسمت اول: «احرام چیست؟»

احرام: حرام کردن ۲۴ چیز بر نفس است که هر یک از آنها غرور و خودخواهی ظاهری و وسائل تفوق طلبی را از بین می‌برد.

اگر انسان توجه داشته باشد بوسیله احرام و چند روزی که در سفر حج مُحرم است، لذت ترک لذت را می‌چشد، معنی ریاضت نفس را مزمه می‌کند، خود را برای ترک هوای نفس آزمایش می‌نماید.

طبعاً متوجه می‌شود که او هم مثل همه مردان با عظمت و اولیاء خدا می‌تواند یک انسان با اراده باشد، یک رجل الهی باشد، یک مرد مبارز علیه شیاطین و نفس اماره باشد. لذا ابتداء باید به واجبات احرام توجه کند.

واجبات احرام سه چیز است که هر یک از آنها انسان را برای اهداف عالیہ اسلامی آماده می‌کند.

## اول: لباس احرام

لباس احرام عبارت از دو قطعه پارچه‌ای است که انسان یکی را به دوش و دیگری را به کمر می‌بندد.

این لباس به قدری ساده و بی‌آلایش است که انسان نمی‌تواند به هیچ وجه برای خود امتیازی قائل بشود.

آری انسان باید تمام علائق و تفوقی که بوسیله لباس که اهمّ وسائل زینت است، از خود دور کند تا به این وسیله فقیر و غنی، عالم و جاهل، قدرتمند و ضعیف همه با هم متحدالشکل شوند و تفوقهای ظاهری و علائق مادی به کناری گذاشته شود.

زیرا تا وقتی درجه و نشان بر دوش یک افسر و لباسهای گران قیمت به تن یک تاجر و ثروتمند و عبا و عمامه بر دوش و سر یک روحانی وجود دارد، محال است که آنها بتوانند در کنار یک فرد مسلمان معمولی قرار گیرند تا نوبت به حلّ مشکلات اساسی اسلامی برسد.

لذا اول بوسیله لباس احرام، اتحاد شکل و یک نواختی بین مسلمانان بوجود می‌آورد و این تفوقها و علائق و عناوین مادی را از بین می‌برد. و نمی‌گذارد شیطان و هوای نفس بر او حکم فرما باشند و او را به خاطر موهومات از برادران مسلمانش جدا کنند. و یا او را در صف طاغوتها قرار دهند.

## «شرائط لباس احرام»

لباس احرام باید پاک باشد.

پاک بودن لباس احرام حاکی از رعایت نظافت اسلامی است لذا نباید یک فرد مسلمان ولو لباس فاخر نداشته باشد، کثیف باشد زیرا نظافت از ایمان است.

وقتی یک نفر مسلمان توانست در مسافرت آن هم در میان آن ازدهام جمعیت با آن آلودگیها و رفتن به مسلخ و سائر اعمالی که در مکه انجام می شود که اکثرش کثافت‌زا است، لباس احرامش را پاک نگه دارد و نظافت اسلامی را رعایت کند، می تواند بفهمد که چگونه در وطن و تمام عمر این مستحب مذهبی را باید عملی کند.

لباس احرام باید غصبی نباشد.

غصبی نبودن لباس احرام دلیل بر لزوم عدم تجاوز و بیدادگری مرد حاجی است.

او نباید به فکر غصب مال مردم باشد و این کار را در آنجا باید تمرین کند.

لباس احرام دوخته و گره خورده نباشد تا نتواند کوچکترین مزیتی



بوجود آورد و با اخلاص و بی‌آلایش قدم به وادی اتحاد و دوستی  
اسلامی بگذارد.

### دوم: «نیت خود را خالص قرار دهد»

یعنی باید نیت کند که احرام را برای انجام فرمان خدا بر خود قرار  
می‌دهد.

که در این مرحله دل و روح خود را از علائق پاک می‌کند و آنچنان که  
پاکان جهان تمام کارهایشان به منظور فرمان خدا است، او هم در این  
مقام و در این مدّت به منظور فرمان خدا مُحرم می‌شود و در نتیجه از نظر  
روح و روان با کلیه حجّاج مساوی می‌گردد و شوون و اغراض دیگر  
یک‌باره به کناری ریخته می‌شود.

توضیح آنکه وقتی عمل انسان آن هم عملی که چند روز طول  
می‌کشد برای خدا خالص شد و انسان توانست نیت خالص و پاک خود  
را در این مدّت ادامه دهد، طبعاً موفق به فوائد زیر می‌گردد:

یک: بعدها انجام دادن عمل بی‌ریا برایش آسان می‌شود او از این به  
بعد می‌تواند بقیه کارهایش را با خلوص انجام دهد، زیرا هیچ کاری و یا  
عمل عبادی از نظر زمانی بیشتر از عمل حج طول نمی‌کشد و اخلاصش  
مشکل‌تر نیست.

دو: آنکه بزرگترین شرط استجاب دعا را که در این سفر زیاد به آن نیازمند است، انجام داده است.

سه: آنکه چشمه‌های معارف و حقایق از قلبش جاری می‌شود و می‌تواند کاملاً از سفر حج بهره بردارد زیرا در روایات یکی از بزرگترین فوائد خلوص را باز شدن دریچه‌های قلب به نور حکمت می‌دانند.

چهار: اگر در حقیقت بتواند نیتش را پاک کند به حقیقت عبودیت رسیده که لازمه قبولی عبادت است.

### سوم: «گفتن لبیک است»

یعنی همه با یک دل پاسخ پروردگار را بدهند و نفی شرک و طاغوت پرستی و کلیه علائق مادی را بنمایند.

که وقتی مرد حاجی پس از پوشیدن لباس احرام و نیت آنکه این عمل را برای خدا انجام می‌دهد، می‌گوید:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

معنی و مفهومش این است که خدای عزیز تو مرا دعوت کردی. من جواب می‌دهم: بله، ای خدای بزرگ بله، بله تو شریکی نداری



من تا به امروز به هر چه غیر تو متکی بودم و از هر که غیر از تو اطاعت می‌کردم، اشتباه بود، کسی نمی‌تواند در مقابل تو خود را کسی بداند. خدایا اگر در گذشته از نفس، از شیطان، از قدرت، از طاغوتها اطاعت کردم، نمی‌دانستم؛ دیگر از این لحظه که متوجه شدم تو شریکی نداری، همه آنها را به دور می‌ریزم و تنها تو را در نظر می‌گیرم و از تو اطاعت می‌کنم.

بله، ای خدا آمدم. تمام ستایشها، شکرها، تواضع و خضوعها مال تو است، باید برای تو باشد زیرا همه نعمتها، همه آسایشها همه سعادتها و همه خوبیهای که به من رسیده است از ناحیه تو بوده است. خدایا جانم، مالم و همه جانها و همه ملکها مال تو است و متعلق به تو است باید همه در راه تو صرف شود، در هیچ یک از اینها تو شریکی نداری.

بله، آمده‌ام که هر چه دارم به تو تقدیم کنم و در راه تو قرار دهم تو خدا و صاحب اختیار منی.

وقتی که حاجی تلبیه را با این توجه بگوید و جان و هر چه دارد در راه خدا تقدیم کند و با این سه مطلب یعنی واجبات احرام توحید خود را کامل نماید یعنی توحید زبانی بوسیله گفتن تلبیه و توحید قلبی بوسیله نیت احرام که تمام کارها را تنها برای خدا انجام دهد و توحید ظاهری

یعنی در لباس خود ایجاد کند و همه مردم مسلمان هم چنین باشند، یعنی همه زبان و دل و لباسشان یکی باشد دیگر چیزی برای تفرقه و دوئیت بین آنها باقی نمی ماند.

در اینجا است که مقدمات احرام بوجود آمده و طبعاً نباید در پی لذائذ مادی برود. تا امروز اگر ممکن بود با زن خود همبستر شود عقد و ازدواج کند، بوی خوش استعمال نماید، زینت کند، موی زائد را از بدن کم کند و خلاصه تا بیست و چهار چیز را که همه آنها با خواسته های نفسانی موافقت دارد، چه حلال و چه حرام، اگر انجام دهد، خلاف احرام است و حق انجام آنها را ندارد، باید ریاضت بکشد، نفس و خواسته های خود را کنار بگذارد، شیطان را طرد کند

زمینه دل و قلب خود را برای اطاعت پروردگار و اسلام واقعی که تسلیم دل و روح و جسم است آماده کند تا بتواند با پاکان، اولیاء خدا در راه اهداف مقدس اسلامی هم گام شود.

اسلام با دستور احرام آن چنان روحیه تجاوز را در یک مسلمان می کشد که گیاه حرم را نمی تواند در حال احرام از جا بکند چه رسد که به شکار حیوانات و یا تجاوز به خود انسانها پردازد.

مسلمانی که دستور دارد به حیوانات بلکه به گیاه تجاوز نکند کجا به خود اجازه می دهد که بر مردم مسلمان و حقوق آنها تجاوز کند و مردم

آزاری نماید؟!

مسلمانی که در حال احرام نمی‌تواند زبان به فحش و بدگویی باز کند، کجا دروغ می‌گوید؟ و یا غیبت می‌کند؟ و یا حقیقت را در اجتماع مسلمانها نمی‌گوید؟!

شما اگر دقتی در سائر اعمال حج بکنید، متوجه خواهید شد که اسلام بوسیله برنامه حج می‌خواسته قدرتمندان و ثروتمندان و متکبران از مسلمانان را در هر سال یک مرتبه دور هم جمع کند و با احرام که مقدمه حج است تمام علائق و خودخواهی‌ها و تفوق طلبیها و تفرقه‌ها را از بین آنها ببرد و سپس با اعمالی که هیچ فلسفه‌اش را نمی‌داند، از قبیل هفت شوط طواف دور خانه کعبه و سعی بین صفا و مروه و تقصیر و وقوف در عرفات و مشعر و منی روحیه تعبّد و بندگی را در او ایجاد کند.

رمی جمرات نماید تا با دل و عمل از شیطان دور شود و وسوسه او را در خود راه ندهد.

قربانی کند تا نمودار کشتن تمام صفات و روحيات حیوانی در خود باشد و آنچه در این موقع باقی می‌ماند، انسانیت انسان واقعیت انسان و حقیقت انسان است.

در مقام حضرت ابراهیم بایستد و نماز بخواند تا چون او مسلمان

واقعی باشد او را الگو قرار دهد یعنی مثل او در تمام شدائد صابر، مجاهد، بت شکن، موحد و دل به غیر خدا نبندد، حتی جبرئیل خدا را هم همچون ابراهیم به استمداد نطلبد.

و خلاصه سر را هم بترشد و این جزئی وسیله زینت را از خود دور کند تا کاملاً در اختیار پروردگارش باشد و علاوه مبادا آن را وسیله تفوق بر کسانی که فاقد این زینت اند، قرار دهد.

حال که اسلام هزارها مسلمان قدرتمند را از هر فج عمیقی یعنی از همه ممالک از دور و نزدیک دور هم جمع کرده و این چنین آنها را یکسان ساخته، قلب آنها را پاک، شیطان آنها را مطرود صفات حیوانی آنها را معزول و تمام وسائل تفوق طلبی را از دست آنها گرفته و حتی نگذاشته از موی سر هم برای این مقصود استفاده کنند، متصور است که چند منظور از این مقدمات و این ریاضت چند روزه برای آنها در نظر داشته است.

۱ - به آنها بگوید مسلمانان همه در پیشگاه الهی با هم مساوی هستند و هر که از این برنامه بهتر استفاده کند یعنی برای همیشه در ظاهر و باطن تفوق، تجاوز، علو و برتری را بر سایر مسلمانها کنار بگذارد و تقوی داشته باشد نزد خدا گرامی تر است.

۲ - پس از این تربیت حال که آنها را دور هم جمع کرده کنفرانس

بزرگ اسلامی را تشکیل دهند تا مردم مسلمان به فکر حل مشکلات سایر مسلمانها باشند و ممالک اسلامی را از زیر بار استعارگران نجات دهند.

سالی یک بار قدرتمندان مسلمان دنیا، مستطیعان، علماء و دانشمندان همدیگر را ببینند و از افکار یکدیگر با کمال صفا و صمیمیت استفاده کنند و تجربیات عقلاء جهان را برای پیشبرد مقاصد اسلامی در ممالک خود پیاده نمایند.

اگر اسلام هم آنها را مانند سران کشورهای مختلف عربی دنیا در کنفرانسهائی که تشکیل می دهند و ادار به احرام و اعمال حج نمی کرد و با همان تفوق طلبی ها آنها را در مکه دور هم جمع می نمود همان گونه که هیچ یک از آن کنفرانسهها به نتیجه نرسیده مردم مسلمان هم به هیچ نتیجه ای نمی رسیدند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی می خواهد بزرگترین مسئله حیاتی اسلامی یعنی خلافت و امامت را (که خداوند در قرآن اسمش را «نبأ عظیم» یعنی خبر پر اهمیت و بزرگ گذاشته) عنوان کند و می داند که این مردم همه چشم به خلافت دوخته و نزاعها درباره آن خواهند کرد (زیرا خدا در قرآن فرموده: «الذی هم فیه مختلفون») آنها درباره مسئله خلافت که همان نباء عظیم است، اختلاف دارند) ابلاغ کند، تمام مردم مسلمان را

اول به حج دعوت می‌کند تا بتواند آنها را تا حدی از آن تعصبات جاهلانه، دوئیته‌ها، اختلافها و تجاوزها پاک کند، سپس حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام را به خلافت نصب نماید والا اگر آنها اعمال حج را انجام نداده بودند مگر ممکن بود با علی علیه السلام بیعت کنند؟!

اینجا است که باید مردم مسلمان بدانند فلسفه حج در مرحله اول تزکیه نفس و نفی هرگونه خودخواهی و تفوق‌طلبی است و سپس اگر استعمار بگذارد باید به فکر چاره‌جویی برای مشکلات مسلمانان باشند. به هر حال مسلمانها باید بدانند که خدا برای هیچ کس فقر و پستی نخواست و همه را مساوی خلق کرده است.

ضمناً مردم مسلمان در سفر حج باید اخلاقیات اجتماعی و کیفیت معاشرت با قبائل و مذاهب و نژادهای مختلف مسلمین را قبل از این سفر پر اهمیت از مکتب خاندان وحی تعلیم بگیرند و در ضمن راه بکار ببندند، بخصوص بعد از انقلاب ایران که شیعه و روحانی‌شان در دنیا بیشتر معرفی شده و مردم مسلمان جهان در آن مجتمع اسلامی چشمها را به اعمال و رفتار آنها دوخته‌اند.

لذا اگر دانشمندان؛ و علماء و مربیان گروههای حج یادشان باشد در کتاب وسائل الشیعه که دائرةالمعارف احکام مذهب تشیع و اسلام است وقتی به بحث احکام حج از لسان اهل بیت عصمت علیهم السلام می‌رسد تمام

ابواب احکام معاشرت را در آنجا عنوان می‌کند.

شاید صاحب وسائل الشیعه می‌خواهد بگوید که اگر کسی قصد سفر بیت الله را دارد، باید بداند که در این سفر به نژادهای مختلف به عقائد مختلف، به افکار گوناگون و خلاصه به مردمی که در آب و هواها و محیطها و تربیتهای مختلف بوده‌اند، برخورد می‌کند و اگر آداب معاشرت و دستورات اسلام را در این خصوص نداند، ممکن است مایه سرافکنگی برای پیشوایان شیعه و ائمه معصومین علیهم‌السلام گردد.

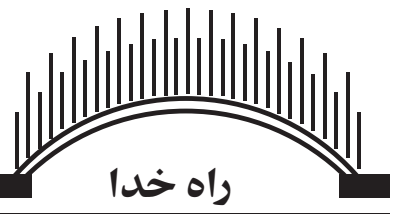
امام صادق علیه‌السلام فرمود: شما ای شیعیان در مجامع بین‌المللی برای ما مایه آبرو و زینت باشید نه آنکه کاری کنید که ما را خجالت‌زده و سرافکننده نمائید.

شاید منظور مرحوم شیخ حرّ عاملی (صاحب کتاب وسائل الشیعه) از نقل احادیث ابواب احکام معاشرت در مقدمه آداب حج، این بوده که به مردم مسلمان هشدار دهد که مبادا در راه حج، در این سفر عظیم در مجتمع بزرگی که نمونه‌ای از همه مردم دنیا گرد هم آمده‌اند، شما مردم شیعه کاری کنید که مزیت علمی و تربیتی خود را بدست فراموشی بسپارید و در این لحظات سرنوشت‌ساز، یعنی دوران انقلاب رژیم طاغوت به رژیم اسلامی و شیعی، آبروی شیعه و روحانیت آن را ببرید و

دیگران را عملاً دعوت به مذهبتان نکنید.

بنابراین من هم به حکم وظیفه بر خود لازم می‌دانم که چند موضوع را در این جزوه به نحو اختصار بخصوص به آنهایی که زمام اختیار حجّاج را اعم از روحانی و حمله‌دار و گروه تبلیغ به عهده دارند، تذکر دهم شاید قدری از نابسامانی‌هایی که در اثر بی‌بندوباری در رژیم گذشته و عدم لیاقت بعضی از عهده‌داران امور حج بوجود آمده بود کاسته شود و آبروی از دست رفته‌مان در آن رژیم باز گردد...





### «دعوت نامه الهی»

حجاج باید بدانند که وقتی برای سفر بیت الله استطاعت پیدا می کنند در حقیقت از طرف پروردگار دعوتنامه ای برای آنها آمده که آنها را به سوی خانه خود خوانده است.

بنابراین در مرحله اول باید لباس تقوی یعنی لا اقل ترک محرّمات و انجام واجبات را بر قامت روح خود بپوشانند و از هرگونه کثافات و صفات حیوانی و رزائل اخلاقی مبرا گردند.

### «لباس تقوی چیست؟»

در قرآن مجید پروردگار متعال فرموده: لباس تقوی برای یک مسلمان بهتر است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مرحله اول تقوی ترک محرّمات و انجام

واجبات است.

مرحله دوّم تقوی، ترک مکروهات و انجام مستحبات به قدر امکان است.

مرحله سوّم تقوی، این است که انسان هر کاری را که می‌کند برای خدا انجام دهد و در اعمالش اخلاص داشته باشد.

و بدون تردید برای انسان طی مراحل تقوی و اینکه اگر بخواهد همیشه لباس تقوی برای او باقی بماند، بدون تمرینات ولو کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست.

بنابراین باید قبل از سفر حج لااقل به مدّت چهل روز اعمال خود را برای خدا خالص کند یعنی لااقل گناهان را ترک نماید و واجبات را انجام دهد.

زیرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسی که اعمال خود را برای خدا چهل روز خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلبش به زبانش جاری می‌گردد.

(یعنی از آن به بعد در حقیقت دیگر خودکار اعمال خالصانه‌ای برای خدا انجام می‌دهد).

و شاید هم که پروردگار قبل از ماههای حج ماه رمضان را قرار داده، به همین منظور بوده است.

و خلاصه اگر یک مسلمان بخواهد موفق به این عمل بشود، یعنی لباس تقوی را بپوشد، ابتداء باید خود را از گناهان پاک کند یعنی از اعمال گذشته توبه کرده و قلب خود را شستشو داده و از جمیع پلیدیها قلبش را پاک نماید.

حقوق مردم را به آنها بازگرداند که اگر یک درهم از حق الناس بر ذمه اش باشد و صدها هزار بار استغفار کند تا آن یک درهم را به صاحبش برنگرداند، توبه اش قبول نخواهد شد.

عباداتی که از او فوت شده و قابل جبران است مانند نماز و روزه را جبران کند که اگر یک رکعت از نمازش را نخواند و یا یک روز از روزه هایش را نگیرد، توبه و استغفارش در این خصوص قبول نخواهد بود.

اما برای بقیه گناهان بوسیله ندامت و استغفار و اظهار محبت به اهل بیت عصمت علیهم السلام به هر نحوی که برایش میسر است و تضرع در خانه خدا و خلاصه به هر عنوان که وجدان و قلبش گواهی دهد و یا متوجه شود که مورد عفو پروردگار واقع شده، باید عمل توبه را انجام دهد.

در اینجا اگر موفق به چنین توبه ای شد و خود را پاک از هرگونه گناه

یافت، باید مسئله اخلاص را چهل روز قبل از حرکت برای سفر حج تمرین کند و در حقیقت خود را برای حضور در پیشگاه پروردگار، در خانه مخصوص او، در ضیافت بزرگ او آماده نماید.

یعنی طبق تجربه و تحقیق در علم روانشناسی ثابت است که اگر کسی با استقامت کامل در مدّت چهل روز عملی را هر چند مشکل هم باشد، ادامه دهد کم‌کم برای او آن کار عادت شده و مشکلات آن رفع می‌گردد.

ضمناً ناگفته پیدا است که اگر برای توفیق یافتن بر توبه و اخلاص، متوسّل به حضرات معصومین علیهم‌السلام بخصوص، حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بگردد، سریعتر به مقصد می‌رسند.

بنابراین حجاج و آنهایی که عازم بیت الله الحرام اند باید بکوشند تا از این نعمت الهی یعنی ولایت و توسّل به اهل بیت عصمت علیهم‌السلام در همه حال کمال استفاده را بکنند و صفات آنها را میزان اخلاق حمیده انسانی خود قرار دهند و در مدّت چهل روز که قبل از سفر حج به تزکیه نفس می‌پردازد خود را با اعمال و افکار و رفتار آنها تطبیق دهد و متخلّق به اخلاق آنها که همان اخلاق خدائی است، گردد.

### «مثالی برای راه یابی»

سال قبل که هنوز چند روزی بیشتر از ماه مبارک رمضان نگذشته بود و حجاج به فکر سفر حج بودند، مردی که شاید حدود چهل سال از عمرش می گذشت، به منزل ما آمد و گفت: من عازم سفر حجّم. شما توصیه ای در این خصوص ندارید؟

من او را می شناختم تا حدّی گناهان او را می دانستم، فساد اخلاقیش را برای من نقل کرده بودند و یقین داشتم که اگر او با همین حالات به مکه برود، حجّش قبول نخواهد بود، شاید هم دیگر نتواند لباس تقوی را پس از سفر مکه به هیچ وجه بپوشد.

در ظرف چند دقیقه مطالبی را که در این قسمت از کتاب نوشته ام برای او گفتم. او سرش را پائین انداخته بود و گوش می داد، کم کم اشکش جاری شد.

گفت: من چه کنم؟ چهل سال گناه کرده ام، به گناه عادت کرده ام، یک روز اگر گناهمانی را که مرتکب می شوم نکنم مثل این است که چیزی گم کرده ام.

چگونه قبل از سفر حج خود را به خلاف آنچه عادت کرده و ادار کنم. گفتم: من یک راه برای توفیق تو پیشنهاد می کنم. اگر حاضری قبول

کنی باید خوب گوش بدهی تا برایت بگویم؟

گفت: آن راه چیست؟

گفتم: تا قدرت داری گناه نکن و واجبات را انجام بده ولی بقیه آن را از این پیشنهادی که به تو می‌دهم استمداد کن.

و آن این است که هر روز صبح لااقل نیم ساعت شش دانگ توجّهت را به امام زمان علیه السلام معطوف کن، آن آقا زنده است، تو را می‌بیند، حتی نور مقدّسش بر تو احاطه دارد.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله او را تشبیه به خورشید پس ابر کرده است.

یعنی همان گونه که اگر جرم خورشید در آسمان است و تو او را نمی‌بینی ولی نورش بر تو احاطه دارد و سخن تو را می‌شنود به او هر روز نیم ساعت متوسّل شو، یقین بدان که توفیق تزکیه نفس و پوشیدن لباس تقوی را به تو مرحمت می‌فرماید.

سؤال کرد: چگونه به آن حضرت متوجّه شوم؟

گفتم: اوّل زیارت «آل یس» که در مفاتیح هست می‌خوانی و سپس با زبان خودت مکرّر با حال التجاء، توفیقات را از آن حضرت می‌خواهی ولی مقید باش کمتر از نیم ساعت با آن حضرت مناجات نکنی. قبول کرد و رفت.



هنوز یک ماه نگذشته بود که یک روز او را دیدم از من تشکر می‌کرد  
و گفت: بحمدالله پس از انجام دستور شما و دیدن خوابی که (برای من  
شرح داد) توفیق پیدا کردم گناہانی را که سالها به آن معتاد شده بودم،  
ترک کنم و کاملاً محسوسم بود که هر کس به حضرت بقیة اللہ  
ارواحنافداه متوسل شود، توفیقاتش زیاد می‌گردد.

## قسمت دوم: «آداب معاشرت در سفر»

حال که انسان قبل از سفر حج موفق به توبه و اخلاص و تزکیه نفس گردید، نوبت به بزرگترین مسئله حیاتی در سفر حج می‌رسد و آن کیفیت معاشرت با مردمی است که انسان در طول سفر به آنها برخورد می‌کند و اینها سه دسته‌اند:

اول: جمعی که با انسان همسفرند، آنها غالباً اهل یک مذهب یک مملکت، بلکه اکثراً اهل یک شهر و یا یک قریه می‌باشند.

اینها باید بدانند که خاطره سفر همیشه در اذهان همسفران باقی می‌ماند.

خوبیها، بدیها، خوشرفتاریها، بدرفتاریها و خلاصه تمام حرکات و سکنات انسان دقیقاً تحت کنترل همسفران قرار می‌گیرد و طبعاً انسان را بعدها و همیشه به همان صفات می‌شناسند و درباره او دائماً همان طور که او را در سفر شناخته‌اند، قضاوت می‌کنند.



بنابراین اگر انسان می‌خواهد خدا را از خود راضی کند و یا لااقل آبروی آینده خود را حفظ نماید، باید به این دستورات عمل کند.

### یکم: «انتخاب دوستان خوب»

با همسفران در همان برخوردهای اولیه طرح دوستی و آشنائی و رفاقت را بریزید، زیرا امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «استکثروا من الاخوان» یعنی هر چه می‌توانید برای خود دوستانی را که مانند برادر برای شما باشند، زیاد کنید.

پس یک مسافر باید از این موقعیت کمال استفاده را بکند و از میان همسفران افراد نخبه اجتماع را پیدا کند و با آنها طرح دوستی و رفاقت را بریزد و آنها را برای همیشه به عنوان دوست و رفیق برای خود انتخاب کند.

علی علیه السلام در نهج البلاغه فرموده: «اعجز الناس من عجز عن اكتساب الاخوان و اعجز منه من ضيع من ظفر به منهم» یعنی ناتوان‌ترین مردم کسی است که نتواند برای خود دوستانی که مثل برادر باشند، انتخاب نماید و ناتوان‌تر از آن کسی است که دوستان انتخاب شده را از دست بدهد.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «المؤمن مألوف و لا خیر فیمن لا یألف و

لا یؤلف» یعنی شخص با ایمان کسی است که اهل الفت و انس با مردم باشد، کسی که نه الفت می‌گیرد و نه انس و الفت و محبت مردم را می‌پذیرد در وجود او خیری نخواهد بود.

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: «خالطوا الناس مخالطة ان متم معهم بکوا علیکم و ان عثتم حنوا الیکم» یعنی آنچنان با مردم آمیزش و رفاقت کنید که در وقت فقدانتان بر شما گریه کنند و اگر زنده ماندید از دیدنتان خوشنود گردند.

### دوم: «سوء ظن به همسفران نداشته باشید»

کوشش کنید که بدبینی و سوء ظن نسبت به همسفران تا جائی که ممکن است نداشته باشید و این برنامه زندگی را از امام سجّاد علیه السلام تعلیم بگیرید.

پیشوای چهارم مسلمین حضرت سجّاد علیه السلام به محمّد بن مسلم زهری فرمود: هیچگاه گمان مبر که تو بر افراد دیگر اجتماع فضیلت و برتری داری، همه مردم را به منزله خویشاوندان خود فرض کن، پیرمردان و پیرزنان را بجای پدر و مادر و خوردسالان را بجای فرزندان و افرادی که با تو در سنّ مساوی می‌باشند، به منزله برادران خود به حساب آور و همه آنان را به همان اندازه دوست بدار که آن سه دسته را



دوست می‌داری و اگر شیطان اعمالت را در نظرت جلوه داد و به تو گفت که تو بر مسلمانان دیگر فضیلتی داری، با خود بگو:

امّا آنکه از من بزرگتر است در ایمان به خدا و اعمال نیک بر من پیشی گرفته است و من حتماً باید او را مانند پدر دوست بدارم چون او از من با فضیلت تر است و امّا آنکه از من کوچکتر به نظر می‌آید مسلماً من در اثر زندگانی بیشتری در دنیا زیادتر از او دست به جنایت و گناه زده‌ام. پس او از من بهتر است و من باید شدیداً به او علاقه‌مند باشم و امّا کسی که در سن با من مساوی است درباره او باید معتقد شوم که او بر من شرف و مزیت دارد، چون یقین به گناه و نواقص خود دارم ولی درباره برادر مسلمان خود این موضوع را تردید دارم و کجا می‌توان گناهکار واقعی را بر کسی که معصیتش قطعی نیست، فضیلت داد؟ پس باید همه افراد اجتماع را سخت دوست بدارد.

ای محمد بن مسلم اگر به آنچه گفتم عمل نمودی، دیگر با استراحت کامل زندگی خواهی کرد دوستانت زیاد می‌شوند دشمنانت بسیار کم می‌گردند.

و باز فرمود: محمد بن مسلم، بدان محترم‌ترین افراد نزد مردم آن کسی است که نفعش به آنان برسد ولی اذیت و آزارش را به آنها روا ندارد...

### سوّم: «نام همسفران را به خاطر بسپارید»

نام همسفران را سؤال کنید و آنها را به بهترین القاب صدا بزنید. زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: وقتی یکی از شما برادر مسلمانش را دوست بدارد باید ابتدا از اسم او و اسم پدرش و نام فامیلش و قوم عشیره‌اش سؤال کند.

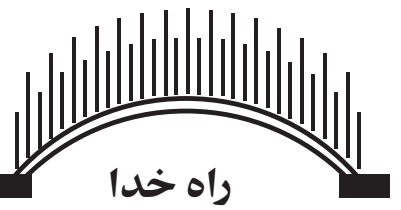
و در کلام دیگرش فرموده: سه چیز است که اگر کسی به آن عمل نکند به خود و دیگران جفا کرده:

اوّل: آنکه با شخصی رفاقت کند و از اسم و کنیه‌اش سؤال نکند.  
و در کلام دیگری فرمود: سه چیز است که حاکی از علاقه یک فرد به دیگری است:

اوّل: در ملاقات با او صورتی باز و لبانی متبسم داشته باشد.  
دوّم: اگر در مجلسی او جا خواست، فوراً به او جا بدهد.  
سوّم: با بهترین نامهایی که او دوست دارد، او را صدا بزند.

### چهارم: «کمک کردن به همسفران»

یکی از کارهایی که در سفر باید افراد مسلمان نسبت به یکدیگر



انجام دهند، کمکهای فکری و عملی و مادی است که پروردگار متعال در قرآن تمام آنها را در یک جمله خلاصه کرده و می فرماید:

«و احسنوا انّ الله يحبّ المحسنين» یعنی نیکی کنید زیرا خدا نیکوکاران را دوست می دارد.

مثلاً اگر یکی از همسفران متوجه نبوده و احکام و عباداتش را تعلیم نگرفته بود به او یاد دهید، اگر خودش نمی تواند بعضی از اعمالش را انجام دهد، از او نیابت کنید.

و اگر احتیاجی به پول پیدا کرد، به قرضش دهید که اگر این اعمال را انجام دادید، خدا شما را به صریح آیه شریفه قبل دوست خواهد داشت و چقدر لازم است که انسان کاری کند که محبوب پروردگار باشد...

### پنجم: «با همسفران لبانی متبسم داشته باشید»

بدون تردید یکی از علائم مؤمن چنانکه احادیث و روایات متعدده‌ای بر آن گواه است، قیافه باز و لبان متبسم داشتن است.

این عمل بخصوص در مسافرتها در وقت روبرو شدن با همسفران لازم است.

امام باقر علیه السلام فرمود: تبسم کردن یک فرد مؤمن در مقابل برادر

مؤمنش ثواب دارد و یکی از کارهای بسیار خوب است.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: کسی که در مقابل برادر مؤمنش تبسم کند، خدا برای او ثواب می نویسد و کسی که خدا برایش ثواب بنویسد، دیگر عذابش نمی کند.

در عوض بداخلاقی و ترش روئی مردم را منجر می کند و چه بسا یک بداخلاقی و ترش روئی محفلی را ناراحت کند.

مؤمن اساساً باید قیافه بشاش و باز داشته باشد و یکی از علائم مؤمن این است که حتی اگر حزنی در قلب دارد در صورتش ظاهر نشود که فرمود: «المؤمن من بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» یعنی یک فرد با ایمان خوشحالیش را در صورت ظاهر می کند و حزنش را در دل مخفی نگه می دارد.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «حسن البشر یذهب بالسخیمه» یعنی خوشروئی و تبسم کینه تیزی را از بین می برد.

بنابراین مسلمانان در مسافرت باید حتماً در مقابل همسفران این اخلاق اسلامی را رعایت کنند و حتی یک لحظه ترش روئی و بداخلاقی با آنها نکنند.

ششم: «با همسفران نیکو سخن بگوئید»

در قرآن مجید پروردگار متعال می‌فرماید: «و قولوا للناس حسنا»  
یعنی با مردم نیکو سخن بگوئید.

علی علیه السلام فرمود: کسی که نیکو سخن بگوید و در کلام ملاطفت  
داشته باشد، واجب است که او را مردم دوست داشته باشند.

مسافر و کسی که می‌خواهد محبوبیت داشته باشد باید با  
همسفرانش با ادب سخن بگوید و از کلمات رکیک و سبک و نادرست  
خودداری کند.

و چه می‌شود برای آنکه همه شما را دوست داشته باشند کلماتی از  
این قبیل در ضمن گفتارتان زیاد داشته باشید:

«آقای عزیز، قربانت گردم، جانم، ببخشید شما را زحمت دادم، بله  
قربان، به دیده منت دارم، اگر میل دارید و زحمت نیست این کار را انجام  
دهید، متشکرم و و و».

اگر این نمونه از کلمات را در ضمن سخن گفتن با همسفران  
استخدام کردید محبت شما در دل‌های دیگران قرار می‌گیرد.

### هفتم: «در مقابل همسفران تواضع کنید»

یکی از دستورات اسلام این است که مردم مسلمان باید در مقابل یکدیگر تواضع و فروتنی کنند.

علی علیه السلام فرمود: «مفتاح الشرف التواضع» یعنی کلید شرافت و عظمت برای یک انسان تواضع است.

پروردگار متعال به رسولش می‌فرماید: تواضع و فروتنی در مقابل کسانی که از تو پیروی کرده‌اند، داشته باش.

بنابراین شما در هر پست و مقامی که باشید بخصوص در سفری که خدای تعالی آن را برای از بین بردن غرورها، خودخواهیها، امتیازها، کبرها و عبرتها دستور فرموده باید در مقابل همسفرانتان تواضع کنید و به این وسیله محبت خود را در قلوب دیگران جای دهید.

### هشتم: «با همسفران وفای به عهد کنید»

یکی دیگر از وظائف حجّاج با همسفران این است که وفای به عهد کنند.

پروردگار متعال می‌فرماید: «انّ العهد کان مسؤلاً» وفای به عهد کنید که روز قیامت از عهد سؤال می‌شود.





پیغمبر اسلام ﷺ فرمود: کسی که برای عهدش ارزشی قائل نیست دین ندارد.

امام هشتم علیه السلام فرمود: ما اهل بیتی هستیم که قراردادهای و عهد و پیمانمان را برای خود به منزله دین فرض می‌کنیم آن چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عمل می‌نمود.

زیاد دیده شده که بعضی از مسافری طبق قراردادهای کاروان و تورها و وعده‌هایی که با همسفران می‌گذارند، عمل نمی‌کنند و این خود علاوه بر آنکه موجب اذیت و انتظار دیگران می‌شود، انسان هم مورد تنفر همسفران قرار می‌گیرد و اعتبارش را از دست می‌دهد.

بنابراین مسافری محترم باید بکوشند که به این وظیفه اسلامی دقیقاً عمل کنند و هیچگاه از تعهداتی که در کاروان و تورها هست و یا با همسفران دارند، تخلف نکنند تا مورد لطف پروردگار قرار گیرند.

### نهم: «با همسفران عدالت اجتماعی را رعایت کنید»

مهم‌ترین موضوعی که تقریباً میزان برای زندگی صحیح با همسفران است، عمل کردن به دستوری است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره عدالت اجتماعی فرموده، به این شرح: «اعدل الناس من رضی للناس ما یرضی لنفسه و کره لهم ما یکره لنفسه».

یعنی عادل‌ترین مردم کسی است که آنچه برای خود می‌خواهد برای دیگران هم بخواهد و آنچه برای خود نمی‌خواهد برای دیگران هم نخواهد.

در سفر باید انسان این حدیث را نصب‌العین خود قرار دهد و جدّاً به آن عمل کند. پس حتماً جمله زیر را حفظ کنید و با خود در طول سفر تکرار نمایید.

«بر کس می‌پسند آنچه تو را نیست پسند.»

قطعاً شما دوست ندارید که پشت سرتان بدگوئی کنند. به شما دروغ بگویند. با شما پیمان ببندند و تخلف کنند. شما هم این کارها را نسبت به دیگران انجام ندهید.

و همچنین قطعاً شما دوست دارید کمکتان کنند. بهترین غذا را در مقابل شما بگذارند. با شما خوش‌خلقی کنند. با زبان خوش و محترمانه با شما حرف بزنند. احترامات شما را حفظ کنند. پس شما هم این کارها را نسبت به دیگران انجام دهید.

### دهم: «شرائط امر به معروف را رعایت کنید»

یکی از دستورات پر اهمیت اسلام امر به معروف و نهی از منکر است و چون انسان طبعاً در مسافرت بیشتر از احوال دوستان آگاه می شود، لذا ممکن است مجبور باشد که به این واجب شرعی و اخلاقی بیشتر عمل کند.

ولی انسان باید شرائط آن را کاملاً در نظر بگیرد تا مبادا عملی بر خلاف اخلاق اسلامی از او سر بزند.

یعنی اگر وظیفه‌ای پیش آمد که لازم شد امر به معروف یا نهی از منکر کند بکوشد که در حضور جمع نباشد، او را در خلوت بخواهد و با کمال مهربانی و محبت به او تذکر دهد.

پروردگار متعال وقتی حضرت موسی و هارون علیهم‌السلام را برای تبلیغ به سوی فرعون می فرستد، به آنها سفارش می کند که با فرعون با زبان نرم و ملایم سخن بگوئید.

شما دوستان عزیز با خود بیندیشید که اگر هر چه دارای قدس و تقوی باشید قطعاً مقامتان از حضرت موسی بالاتر نیست و همسفرتان هر مقدار گناهکار باشد، از فرعون بدتر نیست. پس شما هم با زبان نرم و اخلاق خوب آنها را راهنمایی کنید و بخصوص در مسافرت برای آنکه

به خیال خود می‌خواهید وظیفه‌ای را انجام دهید، مبتلا به گناه دیگری نگردید و یا از نظر اخلاقی کدورت در میان خود و همسفرانتان بوجود نیاورید.

### یازدهم: «مَنْتَ نَکْذَارِید»

اگر شما فردی هستید که مکرر موفق به سفر حج شده‌اید و زیارتگاهها و امکنه متبرکه را بیشتر از دیگران می‌شناسید؛ اگر شما تحصیلاتی کرده‌اید که مسائل حج را بهتر از سائرین می‌دانید و خلاصه اگر شما بطور کلی امتیازاتی بر سائرین دارید کوشش کنید که از آن به نفع همسفران عزیزتان استفاده کنید و آن را وسیله امتیاز بر دیگران قرار ندهید که کبر و نخوتتان را ولو ناخودآگاه زیاد کند و یا بر آنها به خاطر راهنمائیهایتان مَنْتَ بگذارید تا اعمالتان باطل شود.

زیرا پروردگار متعال می‌فرماید: باطل نکنید خدمات و راهنمائیها و اعمال و صدقات خود را به مَنْتَ گذاشتن و اذیت کردن.

بلکه چه بهتر آنکه انسان خدمات خود را بدون آنکه مردم حتی متوجه شوند که از ناحیه که انجام شده در اختیار دیگران بگذارد و از مردم هم ممنون باشد که به راهنمائیهایش توجه کرده‌اند.

### دوازدهم: «عفو و اغماض داشته باشید»

چه بسا در میان جمعیت و همسفرانتان کسانی باشند که رعایت حقوق شما را نکنند، اهمیت ندهید. عمر سفر کوتاه است، چند روزی بیشتر طول نمی کشد عفو کنید.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عفو کردن عزت شما را زیاد می کند پس یکدیگر را عفو کنید، خدا شما را عظیم و بزرگ قرار می دهد.

هیچگاه با خود نگوئید اگر او را عفو کنم شخصیت من له می شود، بلکه بدانید که شخصیت در این است که انسان در راه دوستان و همکیشان خود از حقوق خود بگذرد.

بلکه اگر می خواست عفو و اغماض شخصیت انسان را از بین ببرد هیچگاه خدای بزرگ کسی را عفو نمی کرد و یا نام خود را «عفو» که معنایش بسیار عفو کننده است، نمی گذاشت.

پس اگر می خواهید خدا شما را عفو کند، عزت و عظمت در میان مردم پیدا کنید و متّصف به یکی از صفات الهی شوید، اگر کوتاهی و یا تقصیری از همسفرانتان مشاهده فرمودید، آنها را عفو کنید.

### سیزدهم: «جاه طلبی نکنید»

در یکی از سفرها دوستی همراهمان بود که متأسفانه خود را برای سفر حج و زیارت خانه خدا نساخته بود.

او زیاد ریاست طلب بود. کسی حق نداشت بگوید بالای چشمت ابرو است. فکر می‌کرد باید تمام همسفرانش خدمتگزار او باشند. در اوائل قدری بعضی از افراد او را احترام می‌کردند کم‌کم فکر کرد که اینها وظیفه دارند که او را احترام کنند.

ولی رفته رفته آن چنان مردم از او متنفر شدند که دیگر کسی حاضر نبود حتی احترامات معمولی را برای او انجام دهد.

پروردگار متعال می‌فرماید: این خانه آخرت را برای کسانی که شخصیت و بزرگی را در زمین قصد نکرده‌اند، قرار داده‌ایم.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: حبّ ریاست و مقام و مال دنیا تخم نفاق را در دل آبیاری می‌کند و می‌رویاند آنچنان که آب گیاهان را می‌رویاند.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا لعنت کند کسی را که خود را رئیس جمعیت بداند و خدا لعنت کند کسی را که برای بدست آوردن ریاست همّت گمارد و خدا لعنت کند کسی را که به نفس خود وعده ریاست بدهد.

بنابراین بکوشیم تا از صفات خودخواهی و جاه و ریاست‌طلبی دوری کنیم و بلکه خود را خدمتگزار مردم بدانیم تا به اخلاق اسلامی برسیم و مردم ما را دوست بدانند.

### چهاردهم: «در مسافرت سخی باشید»

در مسافرت‌هایی که معمولاً همه با هم هم‌خرجند زیاد اتفاق می‌افتد که افرادی بخیل و نظرتنگ و بی‌گذشت در میان آنها پیدا می‌شوند که حتی سر یک لقمه غذا اوقات تلخی و ناراحتی بوجود می‌آورند.

این دسته باید بدانند که یکی از امتیازات انسان بر حیوانات جود و سخاوت و گذشت است، از سابق گفته‌اند شکم به انسان «بارک الله» نمی‌گوید.

حال فرض کن بهترین غذاها را در لحظه اول در مقابل تو گذاشتند، تو را ملاحظه کردند، تو را یک مرد ضعیف و بخیل هم تصور نمودند، آیا تو بیشتر از آنچه باید بخوری از غذا استفاده می‌کنی؟

جز آنکه همه تو را بی‌گذشت و بخیل هم شناخته‌اند. پس گذشت داشته باش، خود را بساز، صفت حمیده جود و سخاوت را که از امتیازات انسان است، در خود ایجاد کن و خصلت زشت و حیوانی بخل و تنگ‌نظری را از خود دور کن.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سخی در آسمان و زمین محبوبیت دارد و همه او را دوست می‌دارند.

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: پروردگار متعال هیچ یک از انبیاء و اوصیاء را مبعوث نکرده مگر آنکه او را سخی قرار داده و هیچ یک از صالحین نبوده‌اند مگر آنکه سخی بوده‌اند و پدرم دائماً به سخاوت توصیه می‌فرمود تا از دنیا رفت.

بنابراین یکی از وظائف حجّاج محترم این است که: سر خوراک و غذا و سائر چیزها ولو آنکه حقّی از آنها ضایع شده باشد، ناراحت نشوند تا چه رسد به آنکه خدای نکرده بر سر این گونه از چیزها نزاعها و دلخوریهای طولانی بوجود آورند.

### پانزدهم: «با خوبان همسفر شوید»

از علی بن ابیطالب علیه السلام نقل شده که فرمود: یکی از خواصّ مسافرت، هم‌نشینی با خوبان و دانشمندان است.

اگر انسان اهل تحقیق باشد، اکثراً در هر کاروانی یک یا چند نفر اهل علم و یا اهل حال و تقوی وجود دارد، که جداً ممکن است انسان در طول مسافرت از وجود آنها کسب کمالات کند، پس چه بهتر که قبل از حرکت و یا لااقل در همان روزهای اوّل مسافرت، انسان بتواند با آنها





طرح دوستی و رفاقت را بریزد و از محضر آنها استفاده‌های علمی و عملی نماید.

پیغمبر اسلام ﷺ فرمود: خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با محترم‌ترین مردم از نظر علم و تقوی معاشرت داشته باشد.

در حدیث دیگر پیغمبر اسلام ﷺ فرمود: سؤال کنید از علماء و دانشمندان و معاشرت کنید با حکماء و اندیشمندان.

در چند سال قبل به دیدن یکی از حجّاج که از سفر برگشته بود رفتم، او از معاشرتش با یکی از فقهاء برای من نقل می‌کرد و می‌گفت: اگر به آنچه در این مدّت کوتاه از این مرد بزرگ یاد گرفته‌ام عمل کنم، قطعاً سعادت دنیا و آخرتم تأمین است و برای من این مدّت کوتاه، همچون دانشگاهی بود که سالها در تربیتم کوشیده باشد.

### شانزدهم: «با همسفران همدردی کنید»

یکی از چیزهایی که تأثیر عمیقی در روحیه افراد می‌گذارد همدردی با مردم است و ضمناً در مسافرتهاى دسته جمعی زیاد اتفاق می‌افتد که افرادی مریض و یا دلتنگ و یا دارای غم و غصّه‌ای هستند، اگر شما طبق یک دستور اسلامی و وجدانی خود را عضو وجود آن اجتماع بدانید، باید با این فرد و یا با این افراد خود را هم‌درد تصوّر کنید.

پیغمبر اسلام ﷺ فرمود: مثل افراد با ایمان در دوستی و رحم و عطف به یکدیگر مثل جسد واحدی است که:

**چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار**

این همدردی در تمام حالات برای وجدان بیدار و زنده یک انسان مؤمن وجود دارد و بدون تردید اثرات مفیدی هم در روحیه شخص بیمار و یا محزون که با او همدردی می‌کند، می‌گذارد.

ولی در مسافرت که انسان از آشنایان و اقوام دور است و صدیق همفکر و دوستی در اطراف خود نمی‌بیند، اگر شما مانند یک برادر و رفیق قدیمی با او همدردی کردید و به او رسیدید و غم و غصه را از دل بیرون نمودید، هر چه بی‌عاطفه هم باشد، هیچگاه این محبت را فراموش نمی‌کند و آنچنان اثر عمیق در روحیه او خواهد گذاشت که در تمام عمر شما را از یاد نخواهد برد.

بنابراین با مریضها، دلتنگها، غمگین‌های همسفر خود همدردی کنید و نگذارید در مسافرت از این جهت به آنها سخت بگذرد.

### هفدهم: «دوستان همسفر را مسرور کنید»

یکی از اعمال پر اجر و ثواب بخصوص در مسافرت، مسرور کردن برادران مسلمان است.

امام باقر علیه السلام فرمود: محبوبتر از مسرور نمودن بندگان خدا نزد پروردگار، عبادتی نیست.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر مسلمانی که با مسلمانی ملاقات کند و او را مسرور نماید خدا در روز قیامت او را مسرور خواهد کرد.

پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: کار خوب این است که تبسمی از سرور در چهره دیگری ایجاد کنی.

بنابراین بر همسفران لازم است که همدیگر را با دستوراتی که اسلام تعیین کرده مسرور کنند و نگذارند کام آنان تلخی سفر را بچشد.

### هجدهم: «نظافت را رعایت کنید»

غالباً در میان همسفران افرادی وجود دارند که بددل هستند، طبعشان نیم خورده دیگران را قبول نمی‌کند، از بعضی حرکات خوششان نمی‌آید و بعضی هم در اثر ایمان از کثافت متنفرند.

در مقابل، جمعی هستند که بسیار خوشدل اند طبعشان همه چیز را

قبول می‌کند و بعضی در اثر بی‌بند و باری کثیف و غیر نظیف‌اند.

دسته دوم باید رعایت دسته اول را بخصوص در مسافرت که یک زندگی اجتماعی است، بکنند یعنی در مرحله اول رعایت نظافت را که جزئی از ایمان است، بنمایند.

و آداب غذا خوردن را طبق برنامه‌ای که انسان در مقابل یک فرد حسّاس و بددل نشسته و غذا می‌خورد بکند و از اعمالی که دیگران متنفر می‌شوند پرهیزد.

و الاً ممکن است عده‌ای را با اعمالش اذیت کند که طبعاً اذیت برادران مؤمن گناه است.

### نوزدهم: «با همسفران در کارها مشورت کنید»

معمولاً در مسافرت‌های دسته جمعی کارهای عادی و معمولی پیش می‌آید که باید رأی همه همسفران در آن دخالت داشته باشد. در این صورت اگر یک فرد بخواهد تنها به رأی خود عمل کند، از دو حال خارج نیست:

یا باید همه از او پیروی کنند که قطعاً عده‌ای بخصوص در موارد اختلاف با او موافقت ندارند و اگر به آنها تحمیل شود طبعاً به جمعی ظلم می‌گردد.

و یا باید تکروی کند که طبعاً این عمل هم سبب تفرقه می شود. پس بهتر این است که از یک دستور مهمّ اسلامی در این موارد پیروی کنیم و برنامه ها را با تمام افراد در میان بگذاریم و با آنها مشورت کنیم.

زیرا علی علیه السلام فرمود: کسی که مستبدّ به رأی خود است، هلاک می شود و کسی که با دیگران مشورت کند با آنها در عقلشان شریک می گردد.

بنابراین یکی دیگر از احکام سفر این است که همسفران را در جریان کارها قرار دهیم و از آنها مشورت کنیم و تا می توانیم رضایت آنها را در هر کار جلب نمائیم.

ضمناً پر واضح است که اصل شوری (همچنان که در همه جا گفته شده و برای هیچ مسلمانی تردیدی وجود ندارد) فقط در مواردی است که از طرف خدا و اسلام و عقل و فتوای مجتهدین حکمش معلوم نباشد و الاً باید به دستورات اسلام عمل شود ولو آنکه تمام اهل کاروان مخالف باشند.

ولی در موضوعات عادی و کارهای اجتماعی بوسیله رأی اکثریت که باز طبق حکم عقل و شرع در مسائل عادی بهترین راه وصول به عدالت است، باید عمل شود.

به هر حال مشورت در کارها علاوه بر آنکه آن کارها صحیح تر انجام

می‌گیرد، طبعاً یک نوع همبستگی و اتحاد و محبت هم بوجود می‌آورد.  
پس در کارها با یکدیگر مشورت کنید.

### بیستم: «مزاح در سفر مستحب است»

با آنکه در احادیث از کثرت شوخی و مزاح نهی شده و پیغمبر اسلام ﷺ می‌فرماید: شوخی زیاد آبرو را می‌برد در عین حال در مسافرت آن را از جوانمردی و بزرگواری انسان می‌دانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن خالی از مزاح و شوخی نمی‌شود.

و لذا یکی از آداب سفر این است که انسان با همسفران مزاح کند ولی بکوشد دروغ نگوید، تهمت نزند، به حیثیت کسی لطمه وارد نکند، افراد را اذیت نکند، غیبت ننماید، وقت مردم را ضایع نکند، حال عبادت را از آنها نگیرد و چون سفر بیت‌الله، سفر معنوی است از لغو هم اعراض کند و بکوشد پروردگار را از خود راضی نماید.

### بیست و یکم: «اصلاح ذات‌البین کنید»

اکثراً در مسافرتها افراد بداخلاق و عصبانی مزاجی در بین جمعیت پیدا می‌شوند که گاهی نزاعهای عمیقی بوجود می‌آورند.

باید نقش یک مسلمان در این اوقات اصلاح ذات‌البین باشد. نگوید به من چه، زیرا پروردگار متعال در قرآن فرموده: مؤمنین با یکدیگر برادرند پس بین آنها را اصلاح کنید.

شما می‌دانید که وقتی در میان جمعیت نشستیم نباید سر به گوشی کنیم، زیرا خدای تعالی می‌فرماید: سر به گوشی از شیطان است و این کار را برای آنکه مردم با ایمان را محزون کند، می‌کند.

در عین حال در خصوص اصلاح ذات‌البین این عمل زشت بی‌مانع می‌شود.

و خدای تعالی می‌فرماید: در بیشتر سر به گوشی شما خیری نیست مگر برای کسی که امر به صدقه می‌کند و یا امر به معروف و یا اصلاح ذات‌البین می‌نماید.

بنابراین بهترین خدمات که ایجاد محبت بین شما و افراد می‌کند این است که اگر دیدید در بین مسافری نزاعی پیش آمده در اولین فرصت آن را اصلاح کنید و نگذارید حتی بین دو فرد از همسفران کدورت ایجاد شود.

### قسمت سوم: «چگونه با مردم دنیا برخورد کنیم؟»

ایرانیها که اکثرأ شیعه و پیرو خاندان عصمت و طهارت‌اند باید بدانند

که مردم دنیا اکثراً می‌خواهند ببینند روش اخلاقی شیعیان و مردم ایران بخصوص بعد از انقلاب اسلامی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی چگونه است؟

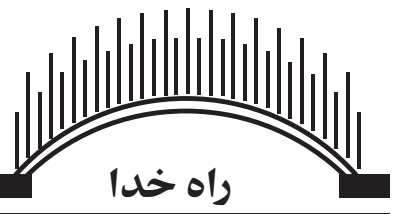
آنها می‌خواهند پس از این به قضاوت بنشینند و اگر خدای نکرده عمل خلاف اخلاقی از آنها سر زده باشد، تمام شیعیان جهان را بر آن روش تصوّر کنند.

بنابراین باید شیعیان به خاطر حفظ آبروی مذهب تشیع و رهبران معصوم آن و یا لاقلاً برای حفظ آبروی مملکتشان علاوه بر آنچه در بالا تذکر داده شد که اکثر آنها را می‌توان درباره سائر مردم دنیا هم انجام داد، مسائل زیر را نیز دقیقاً بکار ببندند و نگذارند مردم جهان بر آنها خورده بگیرند.

### ۱ - «جا باز کنید و محبت نمائید»

در میان ازدحام جمعیت به دیگران راه بدهید و برای آنها در صفوف جماعت و یا زیارتگاهها جا باز کنید زیرا پروردگار متعال در قرآن مجید می‌فرماید: وقتی به شما گفته می‌شود که در مجالس جا باز کنید این کار را بکنید زیرا خدا در قیامت برای شما جا باز می‌کند.





## ۲ - «با عجله به نماز جماعت بروید»

به مجرد آنکه صدای اذان بلند شد، هر کجا هستید با عجله به سوی نماز جماعت و مسجد بروید و نگذارید وهابیه‌ها شما را مردمان بی‌اعتنا به نماز در نزد مسلمانان جهان معرفی کنند.

من خود مکرر دیده‌ام که وقتی یکی از حجّاج ایرانی در وقت نماز مشغول خرید و یا در خیابان راه می‌رود، سائر مسلمانها می‌گویند: شیعیان به نماز اهمیت نمی‌دهند و بلکه بعضی از آنها معتقدند که شیعیان نماز نمی‌خوانند.

بخصوص که مراجع تقلید برای حفظ اتحاد اجازه می‌دهند که شیعیان نمازشان را با جماعت آنها بخوانند.

## ۳ - «مهربانی و خوش خلقی کنید»

حجّاج محترم ایرانی باید اخلاق اسلامی را در برخوردهای با مردم مسلمان سائر ممالک رعایت کنند، تقدّم بر سلام جویند با آنها با کمال مهربانی و خوش خلقی روبرو شوند و از اعمالی که آنها از آن بدشان می‌آید دوری کنند.

#### ۴ - «سلام نماز را بلند بگوئید»

بعضی از مغرضین به مسلمانان سنی مذهب گفته‌اند که شیعه نمازش را با گفتن سه مرتبه «خان الامین» و دستها را نزدیک گوش آوردن پایان می‌دهند.

آنها می‌خواسته‌اند اذهان مسلمانان جهان را علیه شیعیان این گونه تحریف کنند که بگویند آنها معتقدند که جبرئیل امین خیانت کرد، زیرا دستور داشت که وحی را نزد علی بن ابیطالب علیه السلام ببرد، ولی این کار را نکرد و به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل نمود.

بنابراین باید شیعیان به هر نحوی که شده این تهمت را از خود پاک کنند و با بلند گفتن: «السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ» به آنها بفهمانند که شیعه مانند اهل سنت معتقد است که نماز اولش تکبیر و آخرش تسلیم است و هیچ مانعی ندارد آن سه مرتبه تکبیر را که به عنوان تعقیب، شیعیان می‌گویند، در میان اهل سنت ترک کنند و یا لااقل آن را قدری بلند بگویند تا افرادی که اطراف آنها هستند، فکر نکنند که آنها کلمه «خان الامین» را با حرکات دست و زبان تکرار می‌کنند.

## ۵ - «اتهام به شرک»

دشمنان اسلام که همیشه می‌کوشیده‌اند شکاف بین مسلمانها را هر چه بیشتر عمیق‌تر کنند، شیعیان موحد را به عنوان مشرک و بت پرست در بین مسلمانان جهان معرفی کرده‌اند و به آنها گفته‌اند که شیعیان در حال نماز باید حتماً به مُهر که بت آنها است سجده کنند.

و لذا توصیه می‌شود که حتماً از گذاشتن مُهر بخصوص در مسجدالحرام و مسجدالنبی که تمام مفروش به سنگهای قابل سجده است خودداری کنند و این تهمت عجیب را از دامن خود پاک نمایند.

## ۶ - «احترام مساجد»

از عادات بدی که متأسفانه شیعیان به آن مبتلا هستند، این است که مساجد را گاهی به صورت قهوه‌خانه و یا مطعم در آورده‌اند، در آن سیگار و قلیان می‌کشند، چائی و قهوه می‌خورند، سفره غذا پهن می‌کنند و بی‌احترامی‌هایی از این قبیل می‌نمایند که امید است این عادات زشت از میان ما شیعیان برداشته شود و ما هم مسجد را فقط محل ارتباط با خدا و عبادت و تزکیه روح و خدمات فردی و اجتماعی بدانیم.

و اما بدتر از این آنکه گاهی طبق عادت، شیعیان در مسجدالحرام و

مسجدالنبی و یا سائر مساجد اهل سنت سیگار دود می‌کنند، غافل از آنکه چقدر در افکار آنها تأثیر بدی دارد.

آنها می‌گویند شیعیان برای خانه خدا ارزشی قائل نیستند و مساجد را از حریمهای ائمه علیهم‌السلام کمتر می‌دانند زیرا در آن امکنه مقدسه سیگار نمی‌کشند ولی در مسجدالحرام که قبله مسلمانان جهان است، این کار را می‌کنند.

فراموش نمی‌کنم شبی در فضای آزاد مسجدالنبی یک پیرمرد ایرانی سیگار می‌کشید، فوراً یک نفر که بعداً معلوم شد از مبلغین اهل سنت است او را گرفت و بدست پلیس داد و سپس در میان جمعیت ایستاد و علیه شیعیان مشغول تبلیغ شد که من جمله می‌گفت: اگر اینها مسلمان باشند تا این حد نسبت به خانه خدا بی‌احترامی نمی‌کنند.

بنابراین باید حجاج محترم ایرانی مواظبت کنند که این گونه اعمال از آنها در مساجد سر نزنند و سوژه‌ای بدست مخالفین داده نشود.



## ۷- «احترام به قرآن»

مسلمانان دنیا به قرآن احترام زیادی می‌گذارند، شیعیان هم آن چنان که حق قرآن است، نسبت به آن ادای احترام می‌کنند ولی چون بعضی از ایرانیان عوام ممکن است نسبت به احترامات ظاهری قرآن کوتاهی کنند، بدانند در آنجا این کوتاهی سبب اتهام تمامی شیعیان به بی‌احترامی قرآن می‌گردد، لذا باید تمام حجّاج طبق وظیفه بخصوص در سفر حج از احترامات کامل قرآن کوتاهی نکنند.

### قسمت چهارم: «معشرت با وهابیها»

حجاج محترم ایرانی باید بدانند که مذهب وهابیت که فعلاً بر محیط جزیره العرب حاکم است در بسیاری از مسائل و معارف با مذهب تشیع اختلاف قابل توجهی دارد و لذا بخاطر آنکه علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده: وقتی در مملکتی یا در بلده‌ای بودید به آداب مرسوم آن محل عمل کنید و به خاطر آنکه درگیریهائی با آنها پیش نیاید و به خاطر آنکه آنها علیه شیعیان تبلیغات سوء نکنند باید به نکات زیر توجه کاملی داشته باشید:

## ۱ - «احترام به قبور پیشوایان»

هر مقدار شیعیان به قبول اولیاء خدا و بخصوص به مرقد مطهر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام احترام می گذارند، مذهب و هابیت به همان مقدار به این موضوع و به این امر مقدسه بی اعتنا است.

ما در اینجا نمی خواهیم بگوئیم که چون در محیط آنها قرار گرفته ایم، ما هم باید به آنها بی اعتنا باشیم ولی می توان بعضی از کارهایی را که بدست آنها سوژه می دهد، ترک کنیم.

مثلاً می توانیم تمام احترامات قلبی و عملی خود را نسبت به مرقد مطهر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام دهیم ولی آن را نبوسیم و یا دست بر آن نکشیم و حساسیت آنها را به این وسیله تحریک نکنیم.

من در قبرستان بقیع زیاد دیده ام که بعضی از حجّاج با کفش تا نزدیک قبور ائمه علیهم السلام می روند و آب دهان به زمین پاک آن محل می اندازند ولی دیوار قبرستان بقیع را هم در مقابل چشم پلیس آنجا می بوسند.

زیارت و احترام از خاندان عصمت این است که طبق آدابی که از طرف پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده عمل کنیم و سپس وارد حرم و یا به محل قبور ائمه علیهم السلام بشویم و با کمال خضوع و خشوع به طرف مرقد

مطهر با تائی برویم و به همان دستوراتی که در کتب زیارات نوشته شده، عمل نمائیم.

## ۲ - «نماز در قبرستان»

وهابیت نماز در قبرستان را حرام می‌داند و فرقی بین قبور ائمه و اولیاء خدا و قبرهای عادی نمی‌گذارد و مکرر بین آنها و بعضی از شیعیان که این جهت را رعایت نمی‌کنند، درگیری‌هایی اتفاق افتاده که منجر به بدبینی و بلکه اتهام بر اینکه شیعیان مرده‌ها را می‌پرستند، شده است لذا بهتر این است که در کنار قبور ائمه و اولیاء خدا اگر چه در بعضی از امکنه از نظر شیعه ثوابهای زیادی دارد، نماز را ترک کنند و یا طوری با اشاره نمازهای مستحبّه را بخوانند که آنها متوجّه نشوند.

## ۳ - «نماز بعد از عصر»

وهابیت نماز خواندن بعد از نماز عصر تا مغرب را جائز نمی‌داند زیرا حدیثی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که فرموده: «لا صلاة بعد العصر» یعنی نمازی بعد از نماز عصر تا وقت مغرب نیست.

بنابراین شیعیان در غیر مسجد الحرام که به عنوان نماز طواف در مقام حضرت ابراهیم می‌توان نماز خواند در سائر مساجد نمازهای مستحبّی





را نخوانند تا آنها پیروان علی بن ابیطالب علیه السلام را به خیال خود تارک سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نشناسند.

#### ۴ - «ورود زنها به قبرستان»

وهابیت ورود زنها را به قبرستان حرام می دانند لذا بهتر این است که اصرار نداشته باشیم زنها در قبرستانهایی که محافظ هم ندارد، وارد شوند.

#### ۵ - «ریختن پول در ضریح»

وهابیت ریختن پول را در ضریح و روی قبور اولیاء خدا و ائمه اطهار علیهم السلام و غیر هم حرام می دانند و در حقیقت این عمل در قبرستان بقیع و سائر قبرستانهای عربستان سعودی که رعایت احترام قبور اولیاء خدا را کاملاً نمی کنند، کار خوبی نیست.

فراموش نمی کنم در یکی از سفرهای حج در هتلی بودم که مسلط به قبرستان بقیع بود، می دیدم پس از بستن درب قبرستان، مأمورین برای جمع آوری پولهایی که زوار روی قبور ریخته اند به روی قبرهای مقدسه می رفتند که بدون تردید باعث این توهین، در حقیقت آنهایی بودند که این پولها را روی قبرها ریخته بودند.

بنابراین حجاج محترم ایرانی از این عمل خودداری کنند و نگذارند آنها نسبت به شیعیان بدبین شوند و به قبور اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام توهین کنند.

### ۶- «تبرک از غبار ضریح»

وهابیت معتقد است که اگر کسی از غبار ضریح و خاک قبرستان بقیع تبرک جوید، مشرک است و ما شیعیان حتی اگر مهلت صحبت هم با آنها را داشته باشیم، نمی‌توانیم در مدّت کوتاهی که با آنها برخورد می‌کنیم، حقیقت این مطلب را به آنها بفهمانیم.

بنابراین بهتر است از این کار هم صرف نظر کنیم و از ارواح مقدّسه اولیاء خدا و پیشوایان دین استمداد جوئیم و روح خود را از معنویت آنها متبرک کنیم.

### قسمت پنجم: «بعد معنوی حج»

بدون تردید باید حجاج محترم قبل از هر چیز در سفر پر برکت حج  
توجه به بعد معنوی آن داشته باشند و نکات زیر را دقیقاً مراقبت نمایند:  
اول: انسان وقتی وارد مسجدالحرام می شود قبل از هر چیز باید توجه  
داشته باشد اینجا محلی است که حدود یک میلیارد مسلمان جهان در  
وقت نماز به آن رو می کنند و با پروردگار متعال ارتباط برقرار می نمایند.  
خدای تعالی این مکان مقدس را برای مسلمانان جهان قبله قرار داده  
و تمام مردم موظفند در شبانه روز پنج نوبت رو به این مکان مقدس  
نمایند و از این طریق کسب معنویت کنند و با ذات اقدس متعال مناجات  
نمایند.

خدای تعالی در قرآن مجید مکرر از این مکان مقدس به عظمت یاد  
کرده و نام این خانه با عظمت، «بیت الله» شده یعنی به خاطر شرف و

عظمتی که دارد صد در صد متعلق به خدای تعالی است.  
و لذا در حقیقت کسی می‌تواند در بُعد معنوی در آن مکان قدم  
بگذارد که او هم صد در صد وجودش و اعمال و نیتش مال خدا باشد.  
حجاج محترم باید توجه داشته باشند که در و دیوار این خانه درس  
صفا و معنویت و اخلاص به انسان می‌دهد.

زیرا روزی که حضرت ابراهیم خلیل و حضرت اسماعیل دیوارهای  
این خانه محترم را بالا می‌بردند با کمال اخلاص گفتند، خدایا این عمل  
را از ما قبول کن تو شنوا و دانائی.

پروردگار متعال هم آن را قبول کرد و به آن این عظمت را داد که تا  
روز قیامت قبله گاه مردم مسلمان دنیا باشد.

حضرت ابراهیم علیه السلام این خانه را با اخلاص کامل ساخت و خدا هم  
آن را از او قبول کرد و کسی که از این خلوص درس بگیرد، پروردگار  
اعمالش را قبول می‌کند.

بنابراین، این مکان مقدس فوق العاده نزد خدای تعالی اهمیت دارد  
و یک فرد حاجی باید کمال بهره را از آن بردارد.

دوم: انسان وقتی چشمش به خانه کعبه می‌افتد، باید بداند این  
خانه‌ای که از سنگ و گل با کمال سادگی ساخته شده آن قدر عظمت  
دارد که وجود مقدس علی بن ابیطالب علیه السلام در آن متولد شده و توحید با

ولایت که دو رکن اساسی دین است در این خانه با هم توأم گردیده و در حقیقت تولّد حضرت امیرالمؤمنین در این خانه‌ی توحید به ما می‌گوید: اگر توحید با ولایت نباشد قبول نیست.

آن چنانکه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام وقتی حدیث سلسله الذهب را برای مردم نیشابور بیان کرد و از قول اجدادش از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و او از جبرئیل و او از خدای تعالی نقل نمود که فرموده: «کلمة لا اله الا الله فمن دخل حصنی امن من عذابی». یعنی کلمه لا اله الا الله حصار من است و کسی که در این حصار در آید از عذاب من ایمن است.

علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «بشرطها و انا من شرطها» یعنی آن وقتی انسان توحیدش قبول و از عذاب الهی در امان است که از طریق ولایت و معرفّی خاندان عصمت خدا را بشناسد و من و گفتارم از شروط قبولی توحید است.

سوّم: انسان وقتی دور خانه کعبه طواف می‌کند باید متوجّه باشد که در محلی راه می‌رود که انبیاء و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و لا اقل در هر سال حضرت بقیة الله ارواحنفاذ مکرّر در این قسمت از زمین قدم گذاشته و طواف کرده‌اند.

و شاید در هر طوافی چند مرتبه کف پای انسان در جای پای این

قلبهای عالم امکان گذاشته شود و به این وسیله انسان به عوج افتخار می‌رسد.

**چهارم:** وقتی حجّاج محترم، حجرالاسود را استلام می‌کنند و یا می‌بوسند تنها به فکر اینکه این عمل مستحبی است و یا انسان را ثروتمند می‌کند و یا سبب طول عمر می‌شود نباشند.

بلکه اگر می‌خواهند از آن لذّت غیرقابل وصفی ببرند، متوجّه باشند که لبهایشان را جای لبهای حضرت بقیة الله ارواحنافداه و جای لبهای پیغمبر اکرم ﷺ و انبیاء و ائمه اطهار علیهم السلام می‌گذارند و یا به جائی که آنها دست کشیده‌اند، دست می‌کشند.

اگر با این توجّه حجرالاسود را استلام و یا ببوسید، روحتان پرواز می‌کند و آن چنان لذّتی از این عمل مستحب اسلامی می‌برید که آن را با ثروت و عمر دنیا عوض نمی‌کنید.

**پنجم:** وقتی در مقام حضرت ابراهیم در نماز طواف می‌ایستید، بدانید در جائی ایستاده‌اید علاوه بر آنکه از حضرت ابراهیم تا حضرت بقیة الله ﷺ از سلمان و ابوذر تا سائر اولیاء خدا اینجا نماز خوانده‌اند و ایستاده‌اند.

نام این مکان مقدّس را مکرّر پروردگار متعال در قرآن به عظمت ذکر کرده و آن را یکی از آیات خود معرفی کرده است.

**ششم:** وقتی کنار چاه زمزم و آب زمزم قرار گرفتی در نظر داشته باش که این آب به خاطر حضرت اسماعیل و با دعاء و اضطرار حضرت هاجر علیه السلام بوجود آمده و وجودش معجزه‌ای است که مستقیماً با دست قدرت الهی ایجاد شده است و تمام انبیاء و ائمه اطهار و اولیاء خدا از این آب نوشیده‌اند و امروز تو هم ردیف آنها از آن آب می‌نوشی که با این توجّه نوشیدن آن آب لذت فوق‌العاده‌ای دارد.

**هفتم:** شخص با ذوقی می‌گفت: روزی در حال سعی صفا و مروه به فلسفه این عمل فکر می‌کردم و با خود می‌گفتم که حضرت هاجر علیه السلام به خاطر بدست آوردن آب برای آنکه فرزندش از تشنگی نمیرد، این سعی را می‌کرده پس من چرا این کار را بکنم!

ناگهان ملهم شدم که چقدر خوب است ما هم به نیت بدست آوردن آب حیات محبت و ولایت برای خود و فرزندانمان که روح انسان بوسیله آن زنده است سعی کنم تا آنچنان که از زیر پای حضرت اسماعیل آب زمزم جوشید، از قلوب ما و فرزندانمان هم آب حیاتبخش ولایت و محبت حضرت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و اهل بیتش بخصوص حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بجوشد.

این کار را با همین نیت کردم، پس از اتمام سعی بالعیان دیدم که آن چنان قلبم و بعدها قلب فرزندانم از محبت اهل بیت عصمت علیهم السلام

سرشار گردیده که نمی‌توانم آن را وصف کنم.

در حال سعی صفا و مروه به انسان روحانیتی دست می‌دهد که فکر می‌کند در راه بهشت قدم بر می‌دارد و می‌خواهد خود را به لقاء اولیاء خدا برساند و چه خوب می‌شد زمانی که روی کوه صفا می‌ایستد و اشاره به خانه کعبه می‌کند و مانند هاجر که محبوبش حضرت اسماعیل را می‌دید ما هم می‌توانستیم محبوب خود حضرت بقیه الله عَلَيْهِ السَّلَام را می‌دیدیم و زمانی که با پای برهنه هروله کنان به طرف مروه می‌دویدیم کسب حقیقت و محبت و معنویت می‌نمودیم و بالاخره همه علماء و مراجع تقلید گفته‌اند:

در حال سعی بین صفا و مروه باید انسان کوشش کند که حال دعاء و گریه داشته باشد و بهتر از هر دعائی صلوات بر محمد و آل محمد و دعا برای تعجیل در فرج حضرت بقیه الله ارواحنفاذ است.

هشتم: در روز عرفه مطمئن باش که حضرت بقیه الله ارواحنفاذ در صحرای عرفات حضور دارند زیرا بعید است که آن حضرت در هر سال در اعمال حج حضور نداشته باشند و بدون تردید یکی از واجبات حج وقوف بعد از ظهر روز عرفه در صحرای عرفات است.

بنابراین برای مسلمان معتقد تردیدی نیست که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در روز عرفه در آن صحرای محدود عرفات تشریف دارند.



لذا با این توجّه باید بیشتر از هر چیز به آن حضرت فکر کند و او را در حوائجش واسطه قرار دهد و برای فرج آن حضرت مکرّر دعا نماید و خوشا به حالش اگر توفیق ملاقات با آن وجود مقدّس را پیدا کند که مکرّر اولیاء خدا و علاقه‌مندان به آن وجود مقدّس در این صحراء خدمت آن حضرت رسیده‌اند.

تا یار که را خواهد و میلش به که باشد.

**نهم:** مردی از اولیاء خدا در صبح روز عید قربان قبل از طلوع آفتاب در حال وقوف در مشعرالحرام به من رسید و گفت: در این ساعت به خواب نروی که هر چه در مدّت نصف روز در عرفات از فیوضات و حضور انوار الهی و وقوف حضرت بقیة الله وجود دارد در این یک ساعت و نیم بین الطلوعین مشعر هم هست و علاوه که این ساعت خودش هم از ساعات بهشت و پر برکت است.

بنابراین مرد حاجی باید کوشش کند که هر طوری هست بین الطلوعین را در مشعر نخواست و از فیوضات فوق العاده این مکان مقدّس بهره‌بردار و اگر گمشده خود را در عرفات پیدا نکرده در اینجا از او جستجو کند که بیشتر احتمال موفقیت دارد.

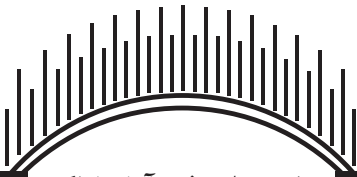
**دهم:** برای وقوف در منی که معمولاً انسان سه شبانه روز در آن صحرا می‌ماند، برکات زیادی است.

بعضی از اولیاء خدا برای این سه روز اهمیت فوق‌العاده‌ای قائلند، انسان وقت و فرصت زیادی برای جستجو از امام زمانش دارد. در یکی از سفرهای حج عاشق دلباخته‌ای را دیدم که این ایام قراری نداشت و بیشتر اوقات خود را در مسجد خیف می‌گذراند و عاقبت هم می‌گفت که در همان مسجد به خیمه‌ای که وجود مقدّس حضرت بقیة الله علیه السلام در آن تشریف داشتند، راهنمایی شدم.

بنابراین حجّاح محترم نباید در سفر حج بخصوص در موقوفها از ارتباط با ولی الله الاعظم امام زمان علیه السلام مأیوس باشند و کوشش کنند که رضایت آن حضرت را در ضمن توفیق ملاقاتش بدست آورند که گفته‌اند: «کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود».

بخش دوم:

«معرفی و آداب اماکن مقدّسه مکه و مدینه»



## قسمت اول: «مسجد النبی و قبرستان بقیع»

### اول: (آداب مسجد النبی)

حرم مطهر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که تنها در فضیلت مسجدش فرموده: تحمل مشقات سفر را برای سه مسجد بکنید مسجد الحرام و مسجد الاقصی و این مسجد، و در بعضی از روایات برای چهار مسجد که مسجد کوفه را هم ضمیمه فرموده‌اند. نماز در این مسجد هر رکعتش معادل صد هزار رکعت است.

در زیارت حضرت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله مستحب است این آداب رعایت شود.

اول: آنکه غسل کند.

دوم: لباس پاکیزه بپوشد.

سوم: از باب جبرئیل وارد شود.

چهارم: اذن دخول بگیرد و بکوشد که با خضوع و خشوع و اشک جاری (ولو به مقدار بال پشه‌ای) وارد حرم مطهر گردد.

در این حرم اول حاجتی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله باید بخواهد، بخشش

گناهانش باشد، زیرا خدای تعالی در قرآن مجید می‌فرماید:  
 «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ  
 الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا».

یعنی اگر گناهکاران و آنهایی که به خود ظلم کرده‌اند نزد تو ای  
 پیغمبر آمدند و از خدا طلب بخشش کردند و پیامبر هم برای آنها از خدا  
 طلب آمرزش کرد، خدا را می‌یابند که بخشنده و مهربان است.

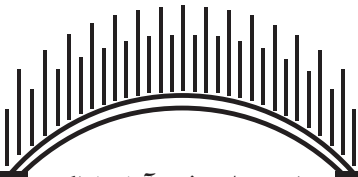
بنابراین باید از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در حرم مقدّسش درخواست واسطه  
 شدنش را در خانه خدا برای آمرزش گناهان کرد.

دوّمین چیزی که باید انسان در حرم مطهّر حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله  
 عمل کند تبریّ از دشمنان اسلام و کسانی که نگذاشتند حقایق اسلام به  
 گوش مردم جهان برسد، باشد.

آنها اهل بیت آن حضرت را اذیت کردند و درب خانه آنها را بستند و  
 حقوق حقّه آنها را غصب نمودند.

خدا آنها را به عذاب دردناکش بیش از پیش معذب نماید.

سوّمین چیزی که در حرم مطهّر رسول اکرم صلی الله علیه و آله باید زیاد مورد توجه  
 زائرین محترم قرار بگیرد، تعهد بر تسلیم در مقابل دستوراتی که آن  
 حضرت از جانب خدا آورده است، باشد و کوشش کند که از مدینه  
 بیرون نرود مگر آنکه خود را از مسلمانان واقعی قرار داده باشد.



چهارمین چیزی که هر فرد زائر باید به آن توجه داشته باشد این است که آن حضرت را با آدابی که دستور داده شده زیارت کند که در روایات برای زیارت آن حضرت اجر زیادی ذکر شده است و بهتر این است که با این الفاظ آن وجود مقدس زیارت گردد.

### «اذن دخول حرم مطهر پیغمبر اکرم ﷺ»

اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ بِرُؤْنِ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْكَ حَجَبْتَ عَنِّي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ الْحُجَّةَ بِنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

سپس بگوید: وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكِّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلُ

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا حُجَّةَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ  
فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ  
أَوْلِيَائِكَ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ. (۱)

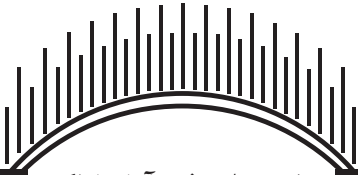
پس ببوس عتبه مبارکه را و داخل شو و بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ  
ارْحَمْنِي وَ تَبَّ عَلَى إِيَّاكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

و از درب جبرئیل وارد می شوی و صد مرتبه «اللَّهُ اکبر» می گوئی  
بعد دو رکعت نماز تحیت مسجد می خوانی و می روی نزد قبر مطهر  
حضرت رسول ﷺ و می گوئی:

### زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت اول)

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ  
الرِّسَالَةَ وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ  
الْمُنْكَرِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَصَلِّواتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ  
رَحْمَتُهُ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

پس بایست نزد ستون پیش که از جانب راست قبر است رو به قبله



که دوش چپ به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر که آن موضع سر رسول خدا ﷺ است و بگو:

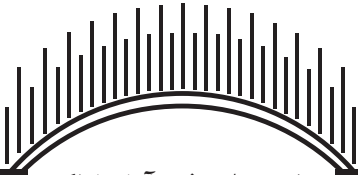
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ - وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَغْتَ رَسُولَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ دَاعِيًا إِلَى طَاعَتِهِ زَاجِرًا عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَأَنَّكَ لَمْ تَزَلْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفًا رَحِيمًا وَعَلَى الْكَافِرِينَ غَلِيظًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ مِمَّنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ - وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيكَ مُسْتَغْفِراً تَائِباً مِنْ ذُنُوبِي وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيُغْفِرَ لِي ذُنُوبِي. (۱)



و بخوان صلوات خاصه حضرت رسول اکرم ﷺ را:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيِكَ وَ بَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَ صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ كَمَا أَحَلَّ حَلَالَكَ وَ حَرَّمَ حَرَامَكَ وَ عَلَّمَ كِتَابَكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 كَمَا أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ أَدَّى الزَّكَاةَ وَ دَعَا إِلَى دِينِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا  
 صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَ أَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ بِهِ  
 الذُّنُوبَ وَ سَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَ فَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا  
 دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَ كَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَ أَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَ نَجَّيْتَ بِهِ مِنَ  
 الْبَلَاءِ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَ أَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَ قَصَمْتَ  
 بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَ أَهْلَكَتَ بِهِ الْفِرَاعِنَةَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَضَعْتَ بِهِ  
 الْأَمْوَالَ وَ حَذَرْتَ بِهِ مِنَ الْأَهْوَالِ وَ كَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَ رَحِمْتَ بِهِ الْأَنَامَ  
 وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَ أَعَزَّزْتَ بِهِ الْإِيْمَانَ وَ بَتَرْتَ بِهِ  
 الْأَوْثَانَ وَ عَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ  
 الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا. (۱)

اگر تو را حاجتی باشد بگردان قبر مطهر را در پشت کتف خود و رو  
 به قبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را بطلب بدرستی که سزاوار  
 است که برآورده شود ان شاء الله تعالی.



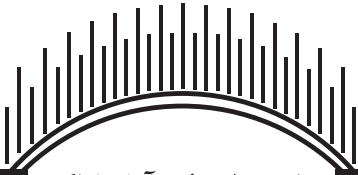
## زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت دوّم)

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ، السَّلَامُ  
عَلَیْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا رَحْمَةَ  
اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ  
عَلَیْكَ يَا نَجِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ  
الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا قَائِمًا بِالْقِسْطِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ،  
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَ التَّنْزِيلِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ،  
السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُبَشِّرُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ  
يَا مُنْذِرُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَسْتَضَاءُ بِهِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ وَ  
عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمُهْدِيِّينَ. السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ  
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ عَلَى أَبِيكَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ،  
السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ عَبَّاسِ بْنِ  
عَبْدِ الْمُطَّلِبِ السَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ وَ كَفِيلِكَ أَبِيطَالِبِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ  
عَمِّكَ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي جَنَّاتِ الْخُلْدِ. السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُحَمَّدُ، السَّلَامُ  
عَلَیْكَ يَا أَحْمَدُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ، وَ  
السَّابِقَ فِي طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَ  
نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ، وَ صَدَعْتَ بِأَمْرِهِ وَ احْتَمَلْتَ

الَّذِي فِي جَنبِهِ، وَ دَعَوْتُ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ  
الْجَمِيلَةِ، وَ أَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ وَ أَنْكَ قَدْ رَوَّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ  
غَلَّظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ. يَا أَبَى أَنْتَ  
وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَ لَدِي أَنَا أَصَلَّى عَلَيْكَ كَمَا صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْكَ وَ صَلَّى عَلَيْكَ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَآؤُهُ وَ رُسُلُهُ، صَلَاةً مُتَتَابِعَةً وَافِرَةً  
مُتَوَاصِلَةً، لَّا انْقِطَاعَ لَهَا وَ لَا أَمَدَ وَ لَا أَجَلَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ  
بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ. (١)

بعد دستهای خود را بلند کن و بگو با خضوع و خشوع:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ وَ فَوَاضِلَ خَيْرَاتِكَ وَ  
شَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَ تَسْلِيمَاتِكَ وَ كَرَامَاتِكَ وَ رَحْمَاتِكَ وَ صَلَوَاتِ  
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَ أئِمَّتِكَ الْمُتَجَبِّينَ وَ عِبَادِكَ  
الصَّالِحِينَ وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ مَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ  
مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ شَاهِدِكَ وَ نَبِيِّكَ  
وَ نَذِيرِكَ وَ أَمِينِكَ وَ مَكِينِكَ وَ نَجِيْبِكَ وَ نَجِيْبِكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ خَلِيلِكَ وَ  
صَفِيْكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ خَاصَّتِكَ وَ خَالِصَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ وَ خَيْرِ خَيْرَتِكَ  
مِنْ خَلْقِكَ نَبِي الرَّحْمَةِ وَ خَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ الْبَرَكَاتِ وَ مُنْقِذِ  
الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَاكِهٖ بِإِذْنِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَ



أَتْبَاعِهِ، صَلَاةَ تَرْضَاهَا لَهُمْ وَ بَلَّغُهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلَامًا، وَ آتِنَا مِنْ  
لَدُنْكَ فِي مُوَالَاتِهِمْ فَضْلًا وَ إِحْسَانًا وَ رَحْمَةً وَ غُفْرَانًا، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ  
الْعَظِيمِ.

### زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت سوّم)

می ایستی در نزد ستوان امامیه طرف راست قبر مطهر بالای سر  
مبارک و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا  
الْقَاسِمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ  
الْقِيَامَةِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَ رَسُولُهُ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ وَ نَصَحْتَ أُمَّتَكَ وَ جَاهَدْتَ فِي  
سَبِيلِ رَبِّكَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ طِبْتَ  
حَيًّا وَ طِبْتَ مَيِّتًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَخِيكَ وَ وَصِيِّكَ وَ ابْنِ عَمِّكَ  
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ عَلَى ابْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ عَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ  
وَ الْحُسَيْنِ أَفْضَلَ السَّلَامِ وَ أَطْيَبَ التَّحِيَّةِ وَ أَطْهَرَ الصَّلَاةِ وَ عَلَيْنَا مِنْكُمْ  
السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)



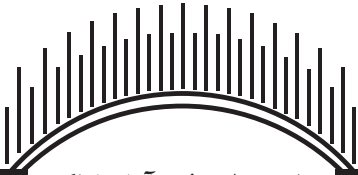
و مستحب است آنکه دست خود را به دیوار حجره مطهره بچسبانی  
و بگوئی:

أَتَيْتَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُهَاجِرًا إِلَيْكَ قَاضِيًا لِمَا أَوْجَبَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْ  
قَضِيكَ وَإِذْ لَمْ أَلْحَقْكَ حَيًّا فَقَدْ قَصَدْتُكَ بَعْدَ مَوْتِكَ عَالِمًا أَنَّ حُرْمَتَكَ  
مِثْلًا كَحُرْمَتِكَ حَيًّا فَكُنْ لِي بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ شَاهِدًا.

و مستحب است آنکه دست خود را به صورت بکشی و بگوئی:  
اللَّهُمَّ اجْعَلْ ذَلِكَ بِيَعَةً مَرْضِيَةً لَدَيْكَ وَ عَهْدًا مُؤَكَّدًا عِنْدَكَ تُخَيِّنِي  
مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَ عَلَى الْوَفَاءِ بِشَرَائِطِهِ وَ حُدُودِهِ وَ حُقُوقِهِ وَ أَحْكَامِهِ وَ  
تُمِيتُنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَيْهِ وَ تَبْعُنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ.

### زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت چهارم)

آن است که رو به قبر مطهر می ایستی پشت به قبله و می گوئی:  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَسُوْلَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ وَ  
خَيْرَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ وَ حُجَّتَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّلَامُ  
عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ وَ السَّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ  
بَيْتِكَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا  
رَسُولَ اللَّهِ أَتَيْتَ بِالْحَقِّ وَ قُلْتَ بِالصِّدْقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَفَّقَنِي لِلْإِيْمَانِ وَ



التَّصَدِيقِ، وَ مَنْ عَلَى بِطَاعَتِكَ وَ اتِّبَاعِ سَبِيلِكَ، وَ جَعَلَنِي مِنْ أُمَّتِكَ وَ  
الْمُجِيبِينَ لِدَعْوَتِكَ، وَ هَدَانِي إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَ مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ،  
أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَا يَرْضِيكَ، وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِمَّا يَسْخِطُكَ، مُوَالِيًا  
لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ. جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ زَائِرًا، وَ قَصَدْتُكَ  
رَاغِبًا، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَ أَنْتَ صَاحِبُ الْوَسِيلَةِ، وَ الْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ،  
وَ الشَّفَاعَةِ الْمَقْبُولَةِ، وَ الدَّعْوَةِ الْمَسْمُوعَةِ، فَاشْفَعْ لِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي  
الْغُفْرَانِ وَ الرَّحْمَةِ، وَ التَّوْفِيقِ وَ الْعِصْمَةِ، فَقَدْ غَمَرَتِ الذُّنُوبُ، وَ شَمِلَتِ  
الْعُيُوبُ، وَ أَثْقَلَ الظَّهْرُ، وَ تَضَاعَفَ الْوِزْرُ وَ قَدْ أَخْبَرْتَنَا وَ خَبَرَكَ الصِّدْقُ  
أَنَّهُ تَعَالَى قَالَ وَ قَوْلُهُ الْحَقُّ: «وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ  
فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا» وَ قَدْ  
جِئْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مُسْتَعْفِرًا مِنْ ذُنُوبِي، تَائِبًا مِنْ مَعَاصِي وَ سَيِّئَاتِي، وَ  
إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَ رَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، فَاشْفَعْ لِي يَا شَفِيعَ  
الْأُمَّةِ، وَ أَجْرِنِي يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِكَ  
الطَّاهِرِينَ. (١)

و بعد از زیارت تکیه می دهی به ضریح مبارک و می خوانی دعائی را

که امام زین العابدین علیه السلام بعد از زیارت می خواند.

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ أَمْرِي وَ إِلَى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

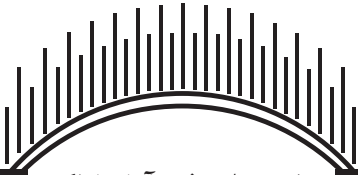
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ أَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَاقْبَلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ لَأَأْمَلِكَ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا أَرْجُو لَهَا وَ لَأَأَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا أَخْذَرُ عَلَيْهَا وَ أَصْبَحْتَ الْأُمُورَ بِيَدِكَ وَ لَأَفْقِرَ أَفْقَرُ مِنِّي إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ اللَّهُمَّ أَرِدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي أَوْ أَنْ تُغَيِّرَ جِسْمِي أَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اللَّهُمَّ زَيِّنِي بِالتَّقْوَى وَ جَمِّلْنِي بِالنُّعْمِ وَ اعْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَ ارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ.

و مستحب است خواندن یازده مرتبه سوره قدر و سؤال نمودن حاجات خود و خواندن دو رکعت نماز زیارت و هدیه نمودن ثواب آن به روح آن حضرت و می گوئی بعد از فراغ از نماز:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لَأَشْرِيكَ لَكَ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ لَأَيُّكَ لَأَيُّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَأَيُّكَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ وَ هَاتَانِ الرَّكَعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَتَقَبَّلْهَا مِنِّي اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَ أَجْرِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ وَ فِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

و می خوانی بعد از زیارت و نماز این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ



تَوَّاباً رَحِيماً»، وَ لَمْ أَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ.  
اللَّهُمَّ وَ قَدْ زُرْتُهُ رَاغِباً، تَائِباً مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي، وَ مُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ  
ذُنُوبِي، وَ مُقِرّاً لَكَ بِهَا، وَ أَنْتَ اعْلَمُ بِهَا مِنِّي، وَ مُتَوَجِّهاً إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ  
الرَّحْمَةِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ  
وَ جِيهاً فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ.

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ يَا أَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا نَبِيَّ اللَّهِ، يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللَّهِ،  
أَنْتَ أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَ يَتَقَبَّلَ مِنِّي  
عَمَلِي، وَ يَقْضِي لِي حَوَائِجِي، فَكُنْ لِي شَفِيعاً عِنْدَ رَبِّكَ وَ رَبِّي، فَنِعْمَ  
الْمَسْئُولُ رَبِّي وَ نِعْمَ الشَّفِيعُ أَنْتَ. يَا مُحَمَّدُ، عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ  
السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ وَ أَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَ الرَّحْمَةَ وَ الرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ  
النَّافِعَ، كَمَا أَوْجِبْتَ لِمَنْ أَتَى نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ هُوَ  
حَيٌّ، فَأَقْرَ لَهُ بِذُنُوبِهِ، وَ اسْتَغْفَرَ لَهُ رَسُولُكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَغَفَرْتَ لَهُ،  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. (۱)



## دوم: (خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام)

در ضریح مقدّس رسول اکرم صلی الله علیه و آله قسمت پشت سر آن حضرت خانه علی بن ابیطالب و فاطمه زهرا علیهما السلام است. (توضیح آنکه وقتی زائر از باب جبرئیل وارد حرم مطهر می شود در طرف دست راست، پائین ضریح پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله محلی است مجزاً از محلّ قبر مطهر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله که مطمئناً آن خانه علی و فاطمه علیهما السلام بوده است.

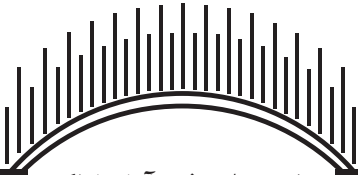
در وسط این خانه ضریحی دیده می شود که به احتمال قوی، آن مرقد مطهر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و بهتر این است که در همین جا آن حضرت زیارت شود.

ضمناً توجه داشته باشید که فاطمه زهراء علیها السلام نزد خدا و رسولش محبوبه ترین زنان عالم است و اگر حاجتی از او بخواهید بخصوص در امور معنوی و تشرّف به خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه زودتر به اجابت می رسد.

و بهتر این است که آن حضرت با این الفاظ زیارت شود:

### زیارت حضرت زهرا علیها السلام (زیارت اول)

السّلام علیک یا بنتَ رسولِ الله السّلام علیک یا بنتَ نَبیِّ الله  
السّلام علیک یا بنتَ حَبیبِ الله السّلام علیک یا بنتَ خَلیلِ الله السّلام  
علیک یا بنتَ صَفیِّ الله السّلام علیک یا بنتَ أَمینِ الله السّلام علیک یا



بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ  
مَلَائِكَتِهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَةَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ  
الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي  
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ  
أَيُّهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ  
أَيُّهَا الْحُورِيَّةُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ  
أَيُّهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ السَّلَامِ  
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُتَهَوَّرَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ  
وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ أَشْهَدُ  
أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنَّ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ  
آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ وَصَلَكَ فَقَدْ وَصَلَ  
رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ كَمَا قَالَ عَلَيْهِ  
أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَ صَلَوَاتِهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَ رُسُلُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ  
رَضِيَتْ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مُوَالٍ  
لِمَنْ وَآلِيَتْ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتِ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتِ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتِ وَ كَفِي

بِاللّهِ شَهِيداً وَ حَسِيباً وَ جَازِياً وَ مُثِيباً<sup>(۱)</sup> پس صلوات می فرستی بر  
حضرت رسول ﷺ و ائمه عليهم السلام.

### زیارت حضرت زهرا علیها السلام (زیارت دوم)

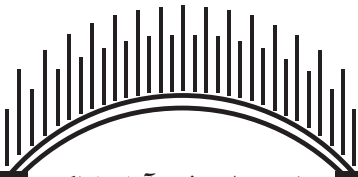
السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَةَ الْحُجَجِ  
عَلَى النَّاسِ أَجْمَعِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّهَا پس  
بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أُمَّتِكَ وَ ابْنَةِ نَبِيِّكَ وَ زَوْجَةِ وَصِيِّ نَبِيِّكَ صَلَاةً  
تُرْفِعُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَ أَهْلِ الْأَرْضِينَ.  
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ  
أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَاءِكَ الَّتِي أَنْتَجَبْتَهَا وَ فَضَّلْتَهَا وَ اخْتَرْتَهَا عَلَى نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِنْ ظَلَمَها وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّها وَ كُنِ الشَّائِرَ  
اللَّهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِها اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أُمَّةِ الْهُدَى وَ حَلِيلَةَ صَاحِبِ  
اللَّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمَّها خَدِيجَةَ  
الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيها مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَ تُقْرِئُ بِهَا  
أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِها وَ أَبْلِغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.<sup>(۲)</sup>

### سوّم: «قبرستان بقیع»

در قبرستان بقیع قبر چهار امام به ترتیب زیر باید زیارت گردد:

۱- بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۱۹۵.

۲- زاد المعاد، صفحه ۲۸۱.



از طرف قبله؛

اول قبر مطهر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام است.

دوم قبر مقدس امام سجّاد زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام است.

سوم قبر مطهر حضرت امام باقر محمد بن علی علیه السلام است.

چهارم مرقد پاک حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در آنجا

زیارت می شود.

و ضمناً در همان محوطه، قبر جناب عباس عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

قرار گرفته است و نیز در اینجا قبری است که بعضی معتقدند آن مرقد

مطهر حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. ولی به احتمال قوی تر آنجا قبر

مقدس حضرت فاطمه بنت اسد مادر محترمه حضرت علی بن

ابیطالب علیه السلام می باشد.

و البته اگر ائمه اطهار در بقیع با زیارت جامعه کبیره و یا زیارت امین

الله و یا زیارت جامعه ائمه المؤمنین زیارت شوند بهتر است.

ولی زیارت مخصوص ائمه بقیع علیهم السلام به این نحو خوانده می شود:

### «اذن دخول قبرستان بقیع»

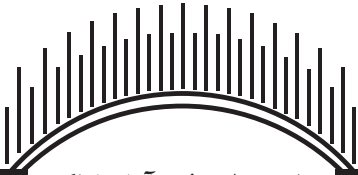
اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ وَ قَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ صَلَّى  
 اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَكَ وَ  
 خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ  
 كَلَامِي وَ يَرُدُّونَ سَلَامِي وَ أَنْكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ  
 فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خُلَفَائِكَ الْأَئِمَّةَ الْمَفْرُوضِينَ عَلَيَّ  
 طَاعَتَهُمُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ  
 مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ الْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا  
 أَذْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا حُجَّجَ اللَّهِ أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقْرَبِينَ  
 الْمُقِيمِينَ عِنْدَ هَذِهِ الْقُبُورِ فَأَذْنُوا لِي يَا مَوَالِي فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتُمْ  
 لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكُمْ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَانْتُمْ أَهْلٌ لِذَلِكَ. (۱)

پس وارد می شوی و می گوئی:

بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
 عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ تُبَّ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ  
 يَا مَوَالِي يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَ ابْنُ امْتِكُمْ، الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ، وَ  
 الْمُضْعَفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَ الْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ،  
 قَاصِدًا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ بِكُمْ. أَدْخُلُ يَا



مَوَالِي أَدْخُلُ يَا أَمْنَاءَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، أَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ  
الْمُحَدِّقِينَ بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ. (۱)

و بعد از خشوع و خضوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم  
دار و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا، وَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ،  
الَّذِي مَنْ بَطَوْلُهُ، وَ سَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَتِي بِإِحْسَانِهِ، وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ  
زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ. (۲)

پس نزدیک قبور مقدسه ایشان برو و پشت به قبله و رو به قبر ایشان  
کن و بگو:

### زیارت ائمه بقیع (زیارت اول)

السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَى السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَ التَّقْوَى السَّلَامَ  
عَلَيْكُمْ الْحُجَجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامَ عَلَيْكُمْ الْقَوَّامُونَ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ  
السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ يَا آلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَ آلهِ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ  
صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسِيءَ إِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأُمَّةَ

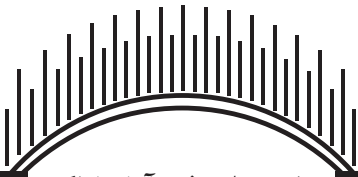
۱- بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۸۴.

۲- بحار الانوار، جلد ۹۷، صفحه ۲۱۱.

الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَ أَنْ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ - وَ أَنْ قَوْلَكُمْ  
 الصِّدْقُ وَ أَنْكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَ أَنْكُمْ دَعَائِمُ  
 الدِّينِ وَ أَرْكَانُ الْأَرْضِ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ فِي أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ  
 وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنِسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَ لَمْ تَشْرِكْ  
 فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ - طِبْتُمْ وَ طَابَتْ مَنبِتِكُمْ مَنْ بِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانُ الدِّينِ  
 فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَ يَذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صَلَوَاتِنَا  
 عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا - إِذَا اخْتَارَكُمْ اللَّهُ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا  
 مَنْ بِهِ عَلَيْنَا مِنْ وَلَائِكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسَمَّيْنَ لِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا  
 إِيَّاكُمْ وَ هَذَا مَقَامٌ مَنْ أَسْرَفَ وَ أَخْطَأَ وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَى  
 بِمَقَامِهِ الْإِخْلَاصَ وَ أَنْ يُسْتَنْقَذَ بِكُمْ مُسْتَنْقَذُ الْهَلْكِ مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا لِي  
 شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ  
 هُزُؤًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا. (١)

در اینجا سر بالا کن و بگو:

يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ - وَ لَكَ  
 الْمَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي أُمَّتِي وَ بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذْ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ  
 جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَحَقُّوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَيَّ سِوَاهُ فَكَانَتْ الْمِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ  
 مَعَ أَقْوَامٍ خَصَّصْتَهُمْ بِمَا خَصَّصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامٍ



مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ وَ لَا تُخَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُ فِي مَقَامِي  
 هَذَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ  
 مُحَمَّدٍ. (۱)

پس دعا کن از برای هر چه خواهی و نماز زیارت آن چهار امام  
 مظلوم علیهم السلام را که هر کدام دو رکعت است بعد از زیارت در منزل خود یا  
 مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله بخوان چون در قبرستان بقیع نماز خواندن میسر  
 نیست.

### زیارت ائمه بقیع (زیارت دوم)

زیارت دوم امام حسن علیه السلام و سایر امامان علیهم السلام پشت به قبله روبروی  
 قبر می ایستی و می گوئی:

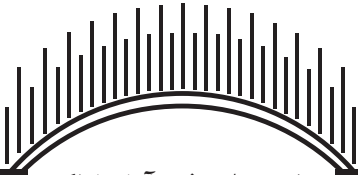
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ  
 الْمُؤْمِنِينَ وَ ابْنَ أَوَّلِ الْمُسْلِمِينَ وَ كَيْفَ لَنَا تَكُونُ كَذَلِكَ وَ أَنْتَ سَلِيلُ  
 الْهُدَى وَ حَلِيفُ التَّقَى وَ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ غَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ وَ  
 رُبِّيتَ فِي حَجْرِ الْإِسْلَامِ وَ رَضَعْتَ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ فَطَبْتَ حَيًّا وَ طَبْتَ مَيِّتًا  
 غَيْرَ أَنَّ الْأَنْفُسَ غَيْرَ طَيِّبَةٍ بِفِرَاقِكَ وَ لَا شَاكَةَ فِي حَيَاتِكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ يَا  
 أَبَا مُحَمَّدٍ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ وَ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ وَ إِمَامَ



الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثَرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامَ عَلَى أَبِي  
جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ الْبَاقِرِ عِلْمِ الْأَوْلِيَّينَ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثَرَ عِلْمِ  
النَّبِيِّينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ السَّلَامَ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ  
الصَّادِقِ الْأَمِينِ وَ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَ وَاثَرَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ  
بَرَكَاتِهِ. (١)

زیارت امام حسن عليه السلام مستقلاً:

السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ نَبِيِّ اللَّهِ  
السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ  
السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ السَّلَامَ  
عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ  
السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا صِرَاطَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا  
نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الزَّكِيُّ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبِرُّ  
التَّقِيُّ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّنْزِيلِ  
السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ بِالتَّوْوِيلِ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِيَ الْمَهْدِي  
السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاهِرُ الْخَفِيُّ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ الزَّكِيُّ السَّلَامَ  
عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الشَّهِيدُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ



رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. (۱)

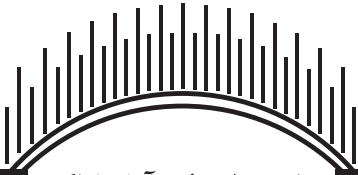
«زیارت امام زین العابدین علیه السلام»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ  
الْعَارِفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ السَّابِقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ  
الْوَصِيِّينَ السَّلَامُ يَا خازِنَ وَصَايَا الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ  
الْمُسْتَوْحِشِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ الْمُجْتَهِدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ  
الْمُرْتَضِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَخْرَ الْمُتَعَبِّدِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ  
الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْعِلْمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكِينَةَ الْجِلْمِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِصَاصِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْخَلَاصِ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّدَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَدْرَ الدُّجَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا الْأَوَّاهِ  
الْحَلِيمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَأْسَ الْبُكَائِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ  
الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ  
ابْنَ حُجَجِهِ وَ ابْنَ أَمِينِهِ وَ أَبُو أَمْنَائِهِ وَ أَنَّكَ نَاصِحَتَ فِي عِبَادَةِ رَبِّكَ وَ  
سَارَعْتَ فِي مَرْضَاتِهِ وَ خَبَيْتَ أَعْدَائَهُ وَ سَرَرْتَ أَوْلِيَاءَهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ  
عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ وَ اتَّقَيْتَهُ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ أَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ فَعَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَرَحْمَةً  
اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

«زيارت امام باقر عليه السلام»

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاحِصُ عَنْ  
دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبَيَّنُّ لِحُكْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ  
بِقِسْطِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّاعِي  
إِلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الذَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَبْلُ  
الْمُتَيْنُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النُّورُ السَّاطِعُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْأَمْعُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْبَلْبَجُ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْأَسْرَجُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّجْمُ الْأَزْهَرُ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْهَرُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنَزَّهُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنَ الزَّلَّاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي  
الْحَسَبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي النَّسَبِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ  
الْمَشِيدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ  
أَنَّكَ قَدْ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ صَدْعًا وَبَقَرْتَ الْعِلْمَ بَقْرًا وَنَشَرْتَهُ نَشْرًا لَا  
تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ مُكَاتِمًا وَقَضَيْتَ مَا كَانَ  
عَلَيْكَ وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ وِلَايَةِ غَيْرِ اللَّهِ إِلَى وِلَايَةِ اللَّهِ وَآمَرْتَ  
بِطَاعَةِ اللَّهِ وَنَهَيْتَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ حَتَّى قَبَضَكَ اللَّهُ إِلَى رِضْوَانِهِ وَذَهَبَ



بِكِ إِلَى دَارِ كِرَامَتِهِ وَ إِلَى مَسَاكِنِ أَصْفِيَاءِهِ وَ مُجَاوِرَةِ أَوْلِيَائِهِ السَّلَامِ  
عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

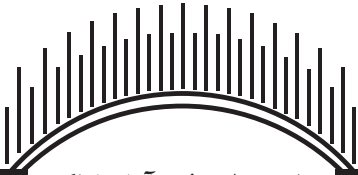
« زیارت امام صادق علیه السلام »

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ النَّاطِقُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاتِحِ الرَّاتِقِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّنَامِ الْأَعْظَمُ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الظُّلُمَاتِ  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُعْضَلَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا مَعْدَنَ الْبَرَكَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحُجَجِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا صَاحِبَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا نَاشِرَ حُكْمِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاصِلَ الْخِطَابَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ  
يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمِيدَ الصَّادِقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
لِسَانَ النَّاطِقِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلْفَ الْخَائِفِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَعِيمَ  
الصَّادِقِينَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
كَهْفَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْمُضِلِّينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكْنَ  
الطَّائِعِينَ أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ عَلِمَ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةَ الْوُثْقَى وَ شَمْسُ  
الضُّحَى وَ بَحْرَ النَّدى وَ كَهْفُ الْوَرَى وَ الْمَثَلُ الْأَعْلَى صَلَّى اللَّهُ عَلَى  
رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ وَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلِيَّابِعَبَّاسَ عَمَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

«صلوات بر امام حسن و امام حسين عليهما السلام»

و صلوات بفرست بر امام حسن و امام حسين عليهما السلام باين كيفيت:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَ وَلِيِّكَ وَ ابْنِي  
رَسُولِكَ وَ سِبْطِي الرَّحْمَةَ وَ سَيْدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ  
عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلَادِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ سَيِّدِ  
النَّبِيِّينَ وَ وَصِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ  
عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَمِينُ اللَّهِ وَ  
ابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ مَظْلُومًا وَ مَضَيْتَ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الزَّكِيُّ  
الْهَادِي الْمَهْدِي اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ عَنِّي فِي هَذِهِ  
السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ  
الشَّهِيدِ قَتِيلِ الْكُفْرَةِ وَ طَرِيحِ الْفَجْرَةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامِ  
عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ مُوقِنًا  
أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَ ابْنُ أَمِينِهِ قُتِلْتَ مَظْلُومًا وَ مَضَيْتَ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ  
تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَأْرِكَ وَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَ التَّأْيِيدِ فِي هَلَاكِ  
عَدُوِّكَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَ  
لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً خَذَلَتْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَبْثَّتْ عَلَيْكَ وَ أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى



مِمَّنْ أَكْذَبَكَ وَ اسْتَخَفَّ بِحَقِّكَ وَ اسْتَحَلَّ دَمَكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا أَبَا  
عَبْدِ اللَّهِ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ خَاذِلَكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَمِعَ وَ اعْيَتَكَ  
فَلَمْ يَجِبْكَ وَ لَمْ يَنْصُرْكَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَبَى نِسَاءَكَ أَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُمْ  
بَرِيءٌ وَ مِمَّنْ وَالَاهُمْ وَ مَالَاهُمْ وَ أَعَانَهُمْ عَلَيْهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ الْأَيْمَةَ مِنْ  
وَأُذِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَ بَابُ الْهُدَى وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَ الْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ  
الدُّنْيَا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِمَنْزِلَتِكُمْ مُوقِنٌ وَ لَكُمْ تَابِعٌ بِذَاتِ نَفْسِي  
وَ شَرَائِعِ دِينِي وَ خَوَاتِيمِ عَمَلِي وَ مُنْقَلَبِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي. (١)

### «صلوات بر امام زين العابدين عليه السلام»

و صلوات بر امام زين العابدين عليه السلام بفرست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ  
لِنَفْسِكَ وَ جَعَلْتَ مِنْهُ أُمَّةَ الْهُدَى الَّذِينَ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ الَّذِي  
اخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ اصْطَفَيْتَهُ وَ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مَهْدِيًا  
اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَةِ أَنْبِيَائِكَ حَتَّى يَبْلُغَ بِهِ  
مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ إِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (٢)

١- بحار الانوار، جلد ٩١، صفحه ٧٤.

٢- بحار الانوار، جلد ٩١، صفحه ٧٥.

«صلوات بر امام باقر علیه السلام»

بعد صلوات بفرست بر امام محمد باقر علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ وَ إِمَامِ الْهُدَى وَ قَائِدِ أَهْلِ  
التَّقْوَى وَ الْمُتَنَجِّبِ مِنْ عِبَادِكَ اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَ مَنَارًا  
لِلْبِلَادِ وَ مُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِكَ وَ مُتَرَجِمًا لَوْحِيكَ وَ أَمْرًا بِطَاعَتِهِ وَ  
حَذْرًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ فَصَلِّ عَلَيْهِ يَا رَبِّ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ ذُرِّيَّةِ  
أَنْبِيَائِكَ وَ أَصْفِيَاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَمَنَائِكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ. (۱)

«صلوات بر امام صادق علیه السلام»

و صلوات بفرست بر امام صادق علیه السلام:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ خَازِنِ الْعِلْمِ الدَّاعِي إِلَيْكَ  
بِالْحَقِّ النُّورِ الْمُبِينِ اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهُ مَعْدِنَ كَلَامِكَ وَ وَحْيِكَ وَ خَازِنَ  
عِلْمِكَ وَ لِسَانَ تَوْحِيدِكَ وَ وَلِيَّ أَمْرِكَ وَ مُسْتَحْفِظَ دِينِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِ  
أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ وَ حُجَجِكَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (۲)

و شیخ طوسی و سید بن طاووس گفته‌اند چون خواهی ایشان را

۱- بحار الانوار، جلد ۹۱، صفحه ۷۵.

۲- بحار الانوار، جلد ۹۱، صفحه ۷۵.

وداع کنی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الْهُدَىٰ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَسْتَوِدِعُكُمْ اللَّهُ وَ  
أَقْرَأُ عَلَيْكُمْ السَّلَامَ آمَنًا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّكُمْ عَلَيْهِ  
فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. (۱)

### چهارم: «زیارت حضرت ابراهیم و حضرت عباس علیهما السلام»

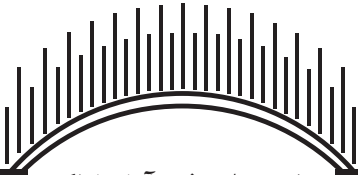
قبر مقدّس حضرت ابراهیم فرزند محترم حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در قبرستان بقیع است و در دستور زیارت آن حضرت گفته اند که حوائجتان را از آن بزرگوار بخواهید. و با این عبارات آن حضرت را زیارت کنید:

### «زیارت حضرت ابراهیم فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ  
السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ  
اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ  
سَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى السُّعْدَاءِ وَ



الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ أَيُّهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكَايَةُ السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْبَشِيرِ  
 النَّذِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السَّرَّاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُؤِيدِ  
 بِالْقُرْآنِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَ الْجَانِّ السَّلَامَ عَلَيْكَ  
 يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ الْعَلَمَةِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ شَفِيعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
 السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
 بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْعَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ  
 أَحْكَامَهُ أَوْ يَكْلِفَكَ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ فَتَنْقَلِكَ إِلَيْهِ طَيِّباً زَاكِياً مَرْضِياً طَاهِراً  
 مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّساً مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ بَوَآكِ جَنَّةِ الْمَأْوَى وَ رَفَعَكَ إِلَى  
 الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَاةً يَقْرَأُ بِهَا عَيْنَ رَسُولِهِ وَ يَبْلُغُهُ أَكْبَرَ  
 مَأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَ أَزْكَاهَا وَ أَنْمَى بَرَكَاتِكَ وَ أَوْفَاهَا  
 عَلَى رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى  
 مَا نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَا خَلَفَ مِنْ عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ  
 يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَفِيكَ وَ إِبْرَاهِيمَ نَجْلِ  
 نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكوراً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفوراً وَ حَيَاتِي بِهِمْ



سَعِيدَةً وَ عَافِيَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَةً وَ أَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَةً  
وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَ شُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَ أَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ  
وَ نَفِّسْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضَيِّقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَ اْمْنَحْنِي ثَوَابَكَ وَ  
أَسْكِنِّي جَنَاتِكَ وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ أَشْرِكْ فِي صَالِحِ دُعَائِي  
وَ الْوَالِدِي وَ الْوَالِدِي وَ جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ  
إِنَّكَ وَ لِي الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. (١)

«زيارت عباس بن عبدالمطلب عموى پيغمبر اکرم ﷺ»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَبَّاسُ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
عَمَّ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ  
الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنَ الرِّسَالَةِ رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْكُمْ وَ أَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوَاكُمْ وَ مَسْكَنَكُمْ وَ مَحَلَّكُمْ  
وَ مَا وَ يَكُمُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

### پنجم: «زیارت حضرت ام البنین علیها السلام»

نقل شده که در قبرستان بقیع بیشتر از ده هزار از اصحاب و تابعین مدفون اند و نیز قبر حضرت ام البنین زوجه حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و مادر حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام در آن جا است.

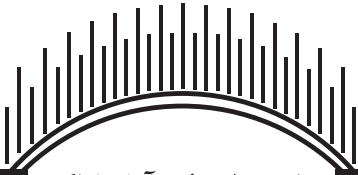
و آن خاتون و سیده دو جهان با این عبارات زیارت می شود:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ وَاوَّلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ  
 امیرالمؤمنین السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّهُمُ الْبَنِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّهُمُ الْعَبَّاسِ ابْنِ  
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ وَجَعَلَ الْجَنَّةَ  
 مَنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ وَرَحْمَةً لِّلَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

### ششم: «زیارت حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام»

قبر مقدس فاطمه بنت اسد مادر بزرگوار علی بن ابیطالب علیه السلام در قبرستان بقیع است و احتمال دارد کنار قبور ائمه اطهار علیهم السلام باشد و هم ممکن است کنار قبر حضرت حلیمه سعدیه دفن شده باشد. بهر حال در قبرستان بقیع آن حضرت با این عبارات زیارت می شود:

السَّلَامُ عَلَی نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ سَيِّدِ  
 الْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَی مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا



النَّبِيَّ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامَ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ،  
السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّدِيقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ،  
السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ  
النَّبِيِّينَ.

السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،  
السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لَوْلَى اللَّهِ الْأَمِينِ، السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ عَلَى  
رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ عَلَى وُلْدِكَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ  
بَرَكَاتُهُ.

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ وَ أَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ  
اللَّهِ، وَ بَالَعْتِ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ، عَارِفَةً بِنُبُوتِهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ، كَافِلَةً  
بِتَرَبُّيْتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَى نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَى خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً رِضَاهُ، مُؤَثِّرَةً  
رِضَاهُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى الْإِيْمَانِ وَ التَّمَسُّكِ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً  
مَرْضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً، فَرَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَ أَرْضَاكَ، وَ جَعَلَ  
الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَأْوَاكَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى  
مَحَبَّتِهَا، وَ لَا تَحْرِمْنِي شَفَاعَتَهَا وَ شَفَاعَةَ الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، وَ ارْزُقْنِي  
مُرَافَقَتَهَا، وَ احْشُرْنِي مَعَهَا وَ مَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ.



اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا  
مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهَا، وَادْخُلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا،  
بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

اللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ وَ مَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ وَ حَسَنَةً وَ قِنَا  
بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ. (۱)

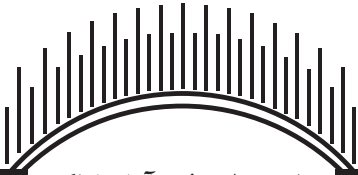
و نماز زیارت آن مخدّره را هم در جای مناسب رجاء بخوان.

### هفتم: «زیارت دختران پیامبر اکرم ﷺ»

در قبرستان بقیع قبور دختران پیغمبر اکرم ﷺ یعنی حضرت زینب و  
ام کلثوم و رقیه سلام الله علیهم واقع شده است و با این عبارات آنها  
زیارت می شوند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ جَمِيعِ  
الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ  
رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ سَيِّدِ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى



السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ فِي السَّمَاءِ وَ فَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ  
الْوَرَى السَّلَامُ عَلَى ذُرِّيَةِ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ مِنْ نَسْلِ إِسْمَاعِيلَ وَ سُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ  
الْخَلِيلِ السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ النَّبِيِّ الرَّسُولِ السَّلَامُ عَلَى أَخَوَاتِ فَاطِمَةَ  
الزُّهْرَاءِ الْبُتُولِ السَّلَامُ عَلَى ذُرِّيَةِ الطَّيِّبَةِ الطَّاهِرَةِ وَ الْعِتْرَةِ الزَّكَاةِ الزَّاهِرَةِ  
بَنَاتِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرَةِ رُسُلِ اللَّهِ أَجْمَعِينَ  
السَّلَامُ عَلَى الذُّرِّيَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّكَاةِ وَ الْعِتْرَةِ الْمُصْطَفَوِيَّةِ السَّلَامُ عَلَى  
زَيْنَبَ وَ أُمِّ كَلْثُومَ وَ رُقِيَّةَ السَّلَامِ عَلَى الشَّرِيفَاتِ الْأَحْسَابِ وَ الطَّاهِرَاتِ  
الْأَنْسَابِ السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ الْأَبَاءِ وَ الْأَعَاظِمِ وَ سُلَالَةِ الْأَجْدَادِ الْأَكْرَامِ  
الْأَفَاخِمِ عَبْدِ الْمُطَلِّبِ وَ عَبْدِ مَنَافٍ وَ هَاشِمٍ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

### هشتم: «زيارت عمه‌های پیامبر اکرم ﷺ»

در قبرستان بقیع قبور حضرت عاتکه و صفیه عمه‌های پیغمبر  
اکرم ﷺ است.

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي رَسُولُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي نَبِيُّ اللَّهِ  
السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي حَبِيبُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي الْمُصْطَفَى  
رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلِكُمَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

### نهم: «زیارت برادران امیر المؤمنین علیهم السلام»

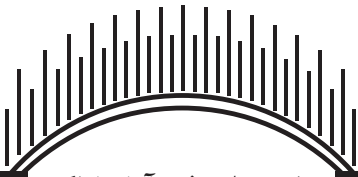
در قبرستان بقیع قبور حضرت عقیل برادر مولای متقیان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام و عبدالله بن جعفر طیار که کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند واقع است.

و در زیارت آنها این عبارات را می‌خوانیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَقِيلُ بْنُ أَبِيطَالِبٍ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَمِ  
رَسُولُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَمِ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَمِ  
حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَنَ عَمِ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَخَا عَلِيٍّ  
الْمُرْتَضَى السَّلَامُ عَلَيَّ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ وَالْعَلَى مَنْ  
حَوْلَكُمْ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ  
الرِّضَا وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَحَلَّكُمْ وَمَأْوَاكُمْ السَّلَامُ  
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

### دهم: «زیارت شهدای حرّه و شهدای أحد»

در کنار قبرستان بقیع قبور شهداء حره و مجروحین از شهداء احد که در مدینه از دنیا رفته‌اند، واقع است. آنها را با این عبارات زیارت می‌کنیم:



السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شُهَدَاءَ يَا سُعْدَاءَ يَا نُجَبَاءَ يَا نُقَبَاءَ يَا أَهْلَ الصِّدْقِ وَ  
 الْوَفَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ  
 بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شُهَدَاءَ كَافَّةً عَامَّةً وَ رَحْمَةً  
 اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

### یازدهم: «زیارت مادر رضائی پیامبر اکرم ﷺ»

در انتهای قبرستان بقیع قبر جناب حلیمه سعدیه مادر رضاعی رسول  
 اکرم ﷺ واقع است که با این عبارات آن حضرت زیارت می شود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ صَفِيٍّ اللَّهُ السَّلَامُ  
 عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ  
 مُرْضِعَةَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةِ فَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى  
 عَنْكَ وَ أَرْضَاكِ وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَ مَاوَاكِ وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

### دوازدهم: «زیارت حضرت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام»

قبر مقدس حضرت اسماعیل بن امام جعفر صادق علیه السلام که در کنار  
 بقیع قرار گرفته و فعلا آن را خراب کرده اند و ما روح مقدسش را در بقیع  
 با این عبارات زیارت می کنیم:



السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُؤْتَمَنِي الرِّضَا  
السَّلَامُ عَلَى السَّيِّدِينَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ  
الْعَالَمِينَ السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمِّ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ  
الْفَاخِرَةِ بُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَةِ شُفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ وَأَوْلِيَائِي عِنْدَ عَوْدِ  
الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّاخِرَةِ أُمَّةِ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا  
الشَّخْصُ الشَّرِيفُ الطَّاهِرُ الْكَرِيمُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ  
وَمُصْطَفَاهُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبَاهُ وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ  
نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ وَنَحْنُ لِدَلِيلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفِي نَصْرِهِمْ  
مُجْتَهِدُونَ. (۱)

### سیزدهم: «زیارت اصحاب و تابعین و سایر مؤمنین»

چون در قبرستان بقیع متجاوز از ده هزار از اصحاب و تابعین و شاید بیشتر از این از مؤمنین و اولیاء خدا دفن‌اند، دستور داده شده و از علی بن ابیطالب علیه السلام نقل شده که اگر کسی آنها را در قبرستان بقیع با این عبارات زیارت کند، خدا برای او ثواب عبادت پنجاه سال را می‌نویسد و گناهان او و والدینش را محو می‌کند و آن زیارت این است:

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ نَا إِلَهٍ إِلَّا  
اللَّهُ بِحَقِّ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ مِنْ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ يَا  
نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ اغْفِرْ لِمَنْ قَالَ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَ احْشُرْنَا فِي  
زُمْرَةِ مَنْ قَالَ نَا إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَ لِي اللَّهُ. (۱)

## قسمت دوم: «سائر اماکن مقدسه مکه و مدینه»

### اول: «مسجد قبا»

یکی از مراکز بسیار پراهمیت مدینه طیبه، مسجد قبا است.

زیرا اولین مسجدی که در موقع ورود رسول خدا ﷺ به مدینه طیبه

بنا شد، همین مسجد است.

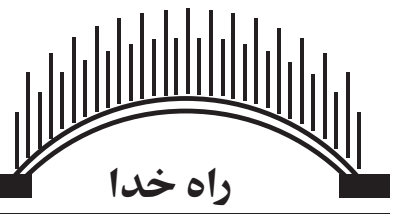
و نقل شده که در ساختمان و بنای این مسجد رسول اکرم ﷺ با

دست مبارکش شرکت می فرموده است.

و در حدیث آمده که ثواب نماز در این مسجد، معادل با ثواب عمره

است.

۱- بحار الانوار، جلد ۹۹، صفحه ۳۰۱.



### دوم: «مسجد فضیح یا ردّ الشمس»

یکی از مکان‌های مقدّس مدینه طیبه، مسجد فضیح (یا مسجد ردّ شمس) است.

معمولاً به سوی این مسجد از خیابان باب العوالی که در جنوب بقیع قرار گرفته می‌روند. انتهای این خیابان دو خیابان است یکی به طرف غرب و مسجد قبا می‌رود و دیگری به طرف شرق که منتهی به مسجد فضیح می‌شود.

در این مسجد به تصدیق شیعه و سنی برای علی بن ابیطالب علیه السلام به معجزه رسول اکرم صلی الله علیه و آله خورشید برگشت. در آنجا دو رکعت نماز تحیت خوانده می‌شود.

### سوم: «مشر به ام ابراهیم»

در وسط خیابانی که به طرف مسجد فضیح می‌رود، قبرستان محصور است که در وسط آن خانه ماریه قبطیه که معروف به (مشر به ام ابراهیم) است، می‌باشد.

### چهارم: «مساجد سبعة»

در شمال غربی مدینه طیبه چند مسجد (معروف به مساجد سبعة) به

شرح زیر است:

اول: مسجد قبلتین که در این مسجد دستور خواندن نماز به طرف کعبه مقدسه از طرف پروردگار به رسول اکرم ﷺ صادر گردیده است.

دوم: مسجد فتح که به شکرانه فتح جنگ اُحد ساخته شده است.

سوم: مسجد علی بن ابیطالب علیه السلام که آن حضرت در آنجا نماز خوانده‌اند.

چهارم: مسجد فاطمه زهراء علیها السلام که ظاهراً آن حضرت در این مکان مقدّس نماز خوانده‌اند.

پنجم: مسجد سلمان که مستحب است در هر یک از این مساجد دو رکعت نماز تحیت خوانده شود.

#### پنجم: «مسجد غمامه»

مسجد غمامه که در شهر مدینه معروف است. در این مکان ابر بر سر پیغمبر اکرم ﷺ سایه انداخته، و مستحب است که در آن دو رکعت نماز تحیت خوانده شود.

#### ششم: «مسجد علی بن ابیطالب علیه السلام»

مسجد علی بن ابیطالب علیه السلام که در نزدیک مسجد غمامه است.

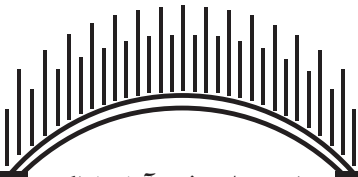
هفتم: «مسجد اجابت»

مسجد اجابت که در شمال قبرستان بقیع به فاصله پانصد متر قرار گرفته است. در این مکان مقدّس آیه مباحله و آیه تطهیر نازل شده و مستحب است که دو رکعت نماز تحیت در آنجا نیز خوانده شود.

هشتم: «مرقد مطهر حضرت عبدالله پدر پیامبر اکرم ﷺ»

مرقد مطهر حضرت عبدالله پدر بزرگوار حضرت رسول اکرم ﷺ که قبل از ولادت آن حضرت در راه برگشتن از شام، در مدینه از دنیا رفت و او را در بازاری که تقریباً مقابل باب السلام از مسجد النبی است دفن کردند و فعلاً آن را خراب کرده‌اند و اثری از آن باقی نیست. و خوب است که زائرین در زیر همان سایبان‌ها آن حضرت را با این عبارات زیارت کنند.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَليَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ  
 يَا نُورِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسْتَوْدَعِ نُورِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا  
 وَالِدَ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ أَنْتَهَى إِلَيْهِ الْأَوْدِيْعَةُ وَالْأَمَانَةُ  
 الْمَنْبِيْعَةُ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ أُوْدِعَ اللَّهُ فِي صُلْبِهِ الطَّيِّبَ وَالطَّاهِرَ الْمَكِينِ  
 نُورَ رَسُولِ اللَّهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ



الْمُرْسَلِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ حَفِظْتَ الْوَصِيَّةَ وَ أَدَيْتَ الْأَمَانَةَ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ  
فِي رَسُولِهِ وَ كُنْتَ فِي دِينِكَ عَلَى يَقِينٍ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ اتَّبَعْتَ دِينَ اللَّهِ  
عَلَى مِنْهَاجِ جَدِّكَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ فِي حَيَاتِكَ وَ بَعْدَ وَفَاتِكَ عَلَى  
مَرْضَاتِ اللَّهِ فِي رَسُولِهِ وَ أَقْرَرْتَ وَ صَدَّقْتَ بِنُبُوءَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ سَلَّمَ  
وَ وِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ  
فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَ مَيِّتًا وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ.

### نهم: «قبور شهدای احد»

قبور شهداء احد در خارج شهر مدینه جنب کوه احد معروف است.  
در این قبرستان قبر مطهر حضرت حمزه سید الشهداء عم بزرگوار  
حضرت خاتم الانبیاء ﷺ و قبر جناب مصعب بن عمر است.

### «زیارت حضرت حمزه علیه السلام در احد»

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ الشُّهَدَاءِ،  
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَ أَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ  
عِزًّا وَ جَلًّا، وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَ نَصَحْتَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،  
وَ كُنْتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا.

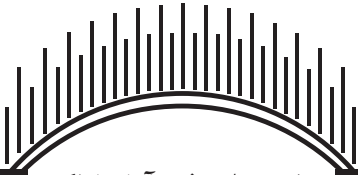
بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي أَتَيْتُكَ مُتَّقِرَبًا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بَزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي، مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي الَّتِي اخْتَطَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءً رَحْمَةَ رَبِّي. أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى مَوَالِي، وَ أَتَقَرَّبُ بِنَبِيِّهِ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ لِي بِكَ حَوَائِجِي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ أَوْقَرْتُ ظَهْرِي ذُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْخَطَ رَبِّي، وَ لَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، وَ كُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَ حَاجَتِي. فَقَدْ سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَ أَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَ سَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَ صَرَخْتُ إِلَيْكَ مُنْفَرِدًا، أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَنِي اللَّهُ بِصِلَتِهِ، وَ حَنَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَ دَلَّنِي عَلَى فَضْلِهِ، وَ هَدَانِي لِحُبِّهِ، وَ رَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَ أَلْهَمَنِي طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَ لَا يَخِيبُ مَنْ أَتَاهُمْ، وَ لَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوَاهُمْ، وَ لَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاهُمْ.

پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت به جامی آوری و بعد

از فراغ خود را به قبر می چسبانی و می گوئی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِلُزُومِي لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لِتُجِيرَنِي مِنْ نَقِمَتِكَ وَ سَخَطِكَ وَ مَقْتِكَ، فِي يَوْمٍ تَكْثُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَ تَشْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَمَتْ، وَ تُجَادِلُ كُلُّ نَفْسٍ عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمَنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيَّ وَ



لَا حُزْنَ، وَإِنْ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَلَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ،  
وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي. فَقَدْ لَصِقتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ  
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ وَرَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي،  
وَ بَرَأْفَتِكَ عَلَيَّ جِنَايَةَ نَفْسِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي وَ  
لَكِنْ أَخَافُ سُوءَ الْحِسَابِ، فَاَنْظُرِ الْيَوْمَ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيكَ عَلَيْهِمَا  
السَّلَامُ، فَبِهِمَا فُكِنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ  
ابْتِهَالِي، وَلَا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي. يَا غِيَاثَ كُلِّ  
مَكْرُوبٍ وَ مَحْزُونٍ، يَا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ، الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى  
الْهَلَاكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا  
أَبَدًا، وَ ارْحَمْ تَضَرُّعِي وَ عَبْرَتِي وَ انْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَ تَحَرَّيْتُ  
الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَرُدَّ أَمْلِي.

اللَّهُمَّ إِنَّ تُعَاقِبْ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَ جَزَاؤُهُ فِعْلُهُ، فَلَا أُخَيِّبَنَّ  
الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي، وَلَا يَخَيِّبَنَّ شُخُوصِي وَ وَفَادَتِي، فَقَدْ  
أَنْفَدْتُ نَفَقَتِي، وَ أَتَعَبْتُ بَدَنِي، وَ قَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَ خَلَفْتُ الْأَهْلَ وَ الْمَالَ  
وَ مَا خَوَّلْتَنِي، وَ آثَرْتُ مَا عِنْدَكَ عَلَيَّ نَفْسِي، وَ لُدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيكَ صَلِي  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ  
بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمٌ. (١)

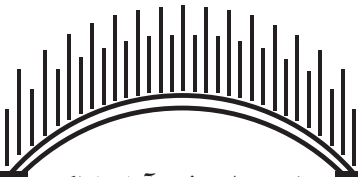


«زيارت قبور شهداء أحد»

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْإِيمَانِ وَ التَّوْحِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامِ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ. أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَ اضْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَ ذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَ عَنِ نَبِيِّهِ، وَ جُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قُتِلْتُمْ عَلَى مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ، فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَ عَنِ الْإِسْلَامِ وَ أَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَ عَرَفْنَا وَجُوهَهُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ، مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيقًا.

أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ، وَ أَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَ أَنَّكُمْ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ.

أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا، وَ لِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَ بِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ



مُتَقَرِّبًا، وَ بِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَ مَرَضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ  
سَلَامُ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ عَلَيَّ مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ غَضَبُهُ وَ  
سَخَطُهُ.

اللَّهُمَّ انْفَعِنِي بِزِيَارَتِهِمْ، وَ ثَبِّتْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ، وَ تَوَفَّنِي عَلَى مَا  
تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَ اجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ  
لَنَا فَرَطٌ وَ نَحْنُ لَكُمْ لَاحِقُونَ. (۱)

#### دهم: «محل دفن دندان‌های پیامبر اکرم ﷺ»

قدری بالاتر از قبرستان أحد به طرف کوه احد محل دفن ثنایای  
پیغمبر است.

یعنی در این مکان وقتی در جنگ احد، دندان‌های پیغمبر اکرم ﷺ را  
شکستند، در این محل دفن نموده‌اند.

#### یازدهم: «قبر جناب عبیده بن حارث بن عبدالمطلب ؑ»

قبر جناب عبیده بن حارث بن عبدالمطلب ؑ که در جنگ بدر  
کبری زخمی شده و پیغمبر اکرم ﷺ دستور فرموده او را به طرف مدینه



ببرند، ولی در قریه (روحا) وفات کرد و همانجا مدفون گردید.

پیغمبر اکرم در جنگ احزاب وقتی که حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام

با عمرو بن عبدود روبرو شده بود، عرض کرد:

پروردگارا من سه نفر داشتم عبیده بن حارث را در جنگ بدر و

حمزه را در جنگ احد از من گرفتی و تنها علی برای من باقی مانده

است، او را نگهدار.

قبر مقدس عبیده بن حارث در قبرستانی است که پس از آن که صد

و هفده کیلومتر از مدینه به طرف مکه رهسپار شدید، طرف راست دو

تپه دیده می شود از وسط آن دو تپه جاده ای است به فاصله سیصد متر

دست راست، قبرستان متروکی قبر این بزرگوار بیابان را منور کرده است.

### دوازدهم: «قبر حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه»

قبر مقدس حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه معروف به (جندب) که در کنار

قریه سبز و خرمی بنام واسطه (ربذه سابق) قرار گرفته است. این قریه در

حدود صد و سی کیلومتر از مدینه به طرف مکه، در جهت چپ جاده

واقع شده و سزاوار است که حجاج محترم قبر این یگانه مرد مبارز و

مجاهد عالم اسلام را در این قبرستان زیارت کنند و از او حاجت

بنخواهند.

### سیزدهم: «قبور شهدای بدر»

قبور شهداء بدر که در صد و پنجاه کیلومتری مدینه به طرف مکه واقع شده است. این قبرستان کنار شهر بدریه مشخص است که سزاوار است زائرین محترم بیت الله الحرام این شهداء را که آیه شریف: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» در شأنشان نازل شده، زیارت کنند. و بهتر این است که آنها را با زیارتی که برای شهداء حره نقل کردیم زیارت کنند.

### چهاردهم: «قبر حضرت حوا عَلَيْهَا السَّلَام»

قبر جده ما حضرت حوا عَلَيْهَا السَّلَام، ام البشر که در وسط شهر جده در میان قبرستانی است.

جده را به همین مناسبت به این نام موسوم کرده‌اند.

### پانزدهم: «قبر حضرت عبد الله ابن عباس»

قبر مقدّس حضرت عبدالله بن عباس، یار باوفای علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام و مفسر کبیر قرآن که در شهر طائف در داخل مسجدی بنام جامع ابن عباس واقع می‌باشد.



### شانزدهم: «قبور شهدای فح»

شهدای فح که در وادی فح در راه جده به مکه قبل از مسجد تنعیم واقع شده است.

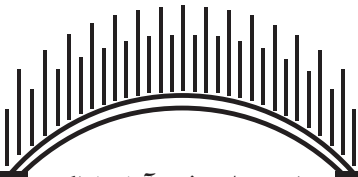
امام جواد علیه السلام فرمود: پس از واقعه کربلا حادثه‌ای بزرگتر از جریان فح برای ما اهل بیت عصمت علیهم السلام نبوده است.

در این جنگ جناب حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی ابن ابیطالب با یارانش که با لشکر عباسیان درگیر شده بودند، به شهادت رسیدند. که البته سزاوار است زائرین بیت الله الحرام این شهداء راه اسلام را با همان زیارت نامه‌ای که برای شهداء حره نقل کردیم، زیارت کنند.

### هفدهم: «قبرستان ابوطالب علیه السلام»

قبرستان ابوطالب یا مقبرة الحجون که در شهر مکه کنار محله حجون واقع است. در این قبرستان حضرت ابوطالب مدفون است و چه بهتر که آن حضرت با این عبارات زیارت شود:

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدُ الْبَطْحَاءِ وَ ابْنِ رَئِيسِهَا السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَارِثَ الْكُعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَافِظَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ



الْأَيْمَّةُ الْهُدَى كَفَاكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ شَرَفًا وَ حَسَبًا وَ نَسَبًا وَ حَسْبُكَ بِمَا  
 أَعْطَاكَ اللَّهُ عِزًّا وَ حَسَبًا السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا شَرَفَ الْوُجُودِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا  
 وَلِيَّ الْمَعْبُودِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا حَارِسَ النَّبِيِّ الْمَوْعُودِ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا مَنْ  
 رُزِقَ وَلَدًا هُوَ خَيْرٌ مَوْلُودِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ خُصَّصَ بِالْوَلَدِ الزَّكِيِّ وَ  
 الطَّاهِرِ مُطَهَّرِ الْعَلِيِّ عَلَى اشْتَقَ مِنَ الْعَلِيِّ هَنِئًا لَكَ ثُمَّ هَنِئًا مِنْ وَلَدِهِ هُوَ  
 الْمُرْتَضَى مِنْ رَسُولٍ وَ أَخُ الرَّسُولِ وَ زَوْجُ الْبَتُولِ وَ سَيْفُ اللَّهِ الْمَسْلُوقِ  
 هَنِئًا لَكَ مِنْ وَلَدِهِ هُوَ شَرِيكَ التُّبُّوَّةِ، وَ الْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ وَ كَاشِفِ  
 الْعُمَّةِ وَ إِمَامِ الْأُمَّةِ وَ أَبُو الْأَيْمَّةِ هَنِئًا لَكَ مِنْ وَلَدِهِ هُوَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ وَ  
 نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَى الْفُجَّارِ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ  
 بَرَكَاتُهُ.

### هجدهم: «قبر حضرت خديجه عليها السلام»

حضرت خديجه كبرى عليها السلام أم المؤمنين كه آن حضرت اول قبرستان  
 ابوطالب دفن است و با این عبارات زیارت می شود:

السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا  
 زَوْجَةَ نَبِيِّ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ السَّلَامَ  
 عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْأَيْمَّةِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامَ عَلَيْكَ

يا أمُّ الْمُؤْمِنَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ الْمُخْلِصَاتِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا  
 سَيِّدَةَ الْحَرَمِ وَ مَلَائِكَةَ الْبَطْحَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَتْ بِرَسُولِ  
 اللَّهِ مِنَ النِّسَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ وَفَّتِ بِالْعُبُودِيَّةِ حَقَّ الْوَفَاءِ وَ أَسْلَمَتْ  
 نَفْسَهَا وَ أَنْفَقَتْ مَالَهَا لِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا قَرِينَةَ حَبِيبِ إِلَهٍ  
 السَّمَاءِ الْمُزَوَّجَةِ بِخُلَاصَةِ الْأَصْفِيَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ  
 السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا حَافِظَةَ دِينِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَةَ رَسُولِ اللَّهِ  
 السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَوَلَّى دَفْنَهُ رَسُولِ اللَّهِ وَ اسْتَوْدَعَهَا إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ  
 أَشْهَدُ أَنَّكَ حَبِيبَةُ اللَّهِ وَ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَكَ فِي مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ فِي  
 قَصْرِ مِنَ الْيَاقُوتِ وَ الْعِيقَانِ فِي أَعْلَى مَنَازِلِ الْجَنَانِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ  
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

نوزدهم: «قبر حضرت قاسم پسر پیغمبر اکرم ﷺ»

قبر مطهر حضرت قاسم پسر پیغمبر اکرم ﷺ که نزدیک قبر حضرت  
 خدیجه است و با این عبارات زیارت می شود:

السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ  
 اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُصْطَفَى السَّلَامِ  
 عَلَيْكَ وَ عَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى  
 عَنْكُمْ وَ أَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا وَ جَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَ مَاوَاكُم السَّلَامِ  
 عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

### بیستم: «قبر حضرت آمنه مادر پیغمبر اکرم ﷺ»

قبر مطهر حضرت آمنه مادر پیغمبر اکرم ﷺ که احتمال دارد در این قبرستان دفن شده باشد و احتمال دارد که در قریه ابواء بین مکه و مدینه مدفون باشد. بهر حال بهتر این است که در همین جا با این عبارات زیارت شود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكَايَةُ  
 الْمُفْتَخَرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ شَرَفَهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
 خَيْرَ خَلْفِ أَكْرَمِ سَلَفِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا نُورُ سَيِّدِ  
 الْأَنْبِيَاءِ فَأَضَاءَتْ بِضَوْئِهِ الْأَرْضَ وَالسَّمَاءَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَ لَهَا  
 الْمَلَائِكَةُ الْأَصْفِيَاءُ وَضُرِبَ حُجْبُ الْجَنَّةِ كَمَا ضُرِبَ لِمَرْيَمَ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ وَأَشْرَبْتُهَا مِنْ أَشْرَبَةِ الْجَنَّةِ فِي  
 كَأْسٍ مِنَ الْبَلُّورِ وَبَشَّرْتُهَا بِوِلَادَةِ مُحَمَّدٍ خَيْرٍ مِنْ مَضَى وَخَيْرٍ مِنْ يَأْتِي فِي  
 الدُّهُورِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ حَبِيبِ اللَّهِ  
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْمُفْتَخِرَاتِ أَيْنَ وَ أَنَّى مِثْلَكَ فِي وَالِدَاتٍ وَقَدْ  
 حَمَلْتَ بِسَيِّدِ الْكَائِنَاتِ وَجِئْتَ بِأَشْرَفِ الْمَوْجُودَاتِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ  
 الْأَنْوَارِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْأَخْيَارِ وَعَلَى الْخَلْفِ الْأَطْهَارِ مِنْ بَعْدِكَ وَ  
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.



بیست و یکم: «قبر حضرت عبدمناف جد رسول اکرم ﷺ»

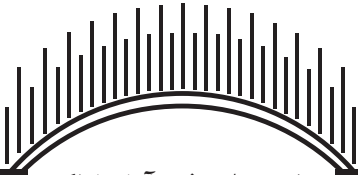
حضرت عبدمناف جد رسول اکرم ﷺ که در قبرستان ابیطالب دفن است و با این عبارات زیارت می شود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِيُّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَكْرَمَهُ اللَّهُ  
بِالتَّبَجِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ الْمُؤْتَمَنُ الْمُثْمِرُ مِنْ شَجَرَةِ إِبْرَاهِيمَ  
الْخَلِيلِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ سُلَالَةٍ وَ سَلِيلِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَعْرَاقِ  
الثَّرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَنْبِيَاءِ  
الْأَصْفِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَوْلِيَاءِ الْأَوْصِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ  
الْحَرَمِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ صَفَا وَ مَرْوَةَ وَ زَمْرَمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا  
وَارِثَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ بَيْتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا عِلْمَ الْأَشْرَافِ يَا عَالِيَابِ كَمَالِ الْأَوْصَافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ  
قُرَيْشِ الْمَعْرُوفِ بَعْدِ مَنْافِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَى آبَائِكَ الْقَادِمِينَ وَ  
الْلَّاحِقِينَ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي الْعَالَمِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

بیست و دوم: «قبر حضرت عبدالمطلب جد رسول اکرم ﷺ»

حضرت عبدالمطلب جد رسول اکرم ﷺ که در قبرستان ابیطالب دفن است و بهتر این است که آن بزرگوار با این عبارات زیارت بشود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْكُعْبَةِ وَ الْبَطْحَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ



الْمَهَابَةِ وَ الْبَهَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْكَرَمِ وَ أَصْلَ السَّخَاءِ السَّلَامِ  
عَلَيْكَ يَا أَوَّلُ مَنْ قَالَ بِالْبَدَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ يَحْشُرُ فِي سِيَمَاءِ  
الْأَنْبِيَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَعْرُوفاً فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا  
مَنْ نَادَاهُ هَاتِفَ الْغَيْبِ بِأَكْرَمِ النِّدَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ  
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الذَّبِيحِ إِسْمَاعِيلِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ  
بِدُعَائِهِ أَصْحَابَ الْفِيلِ وَ جَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْراً  
أَبَابِيلَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَضَرَّعَ فِي حَاجَاتِهِ إِلَى اللَّهِ وَ تَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ  
بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَجَابَهُ اللَّهُ وَ سَمِعَ نِدَاءَهُ فِي كُلِّ بَابٍ  
وَ نُودِيَ فِي الْكُعْبَةِ وَ بُشِّرَ بِدُعَائِهِ مُسْتَجَابَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَكْرَمَهُ  
اللَّهُ الْجَلِيلِ وَ سَجَدَ لِإِكْرَامِهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا رَى كُلِّ عَلِيلٍ وَ عَزَّةَ كُلِّ ذَلِيلٍ  
وَ هَدَى مَنْ لَيْسَ لَهُ دَلِيلُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَاقِيَ الْغَيْثِ وَ غَيْثُ الْوَرَى  
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا السَّادَةِ الْعَشْرَةِ وَابْنَ أَعْرَاقِ الثَّرَى السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ  
الذَّبِيحِ وَ أَبَا الذَّبِيحِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الشَّرَفِ الصَّرِيحِ وَ الْفَخْرِ الصَّحِيحِ  
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْكُعْبَةِ وَ الْحَرَمِ وَ سَاقِيَ الْحَجِيحِ وَ حَافِرُ زَمَزَمَ  
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَ خَيْرُ أَهْلِ  
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ طَافَ حَوْلَ الْكُعْبَةِ وَ جَعَلَ  
سَبْعَةَ أَشْوَاطِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ صُلْبِهِ النَّجْبَاءَ وَ الْأَسْبَاطَ  
السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ مُعْجَبَاتِ الْأُمُورِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَأَى فِي



الْمَنَامِ وَ سَلْسَلَةِ النُّورِ وَ شَرِبِ فِي الْيَقِظَةِ الْمَاءَ الطَّهُّورَ وَ عِلِمَ أَنَّهُ مِنْ  
 الْجَنَّةِ ذَاتَ السُّرُورِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَكَّةَ وَ مِنَى وَ زَمَزَمَ وَ صَفَا  
 السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا شَيْبَةَ الْحَمْدِ وَ أَمِيرَ الْبَطْحَاءِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْحَرَمِ  
 وَ ابْنَ هَاشِمِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَشْهُورِ بِالْعِظَائِمِ السَّلَامِ عَلَيْكَ وَ عَلَى  
 آبَائِكَ وَ أَجْدَادِكَ وَ أَبْنَائِكَ وَ أَوْلَادِكَ جَمِيعاً وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

### بیست و سوم: «مسجد جن»

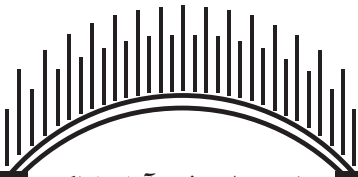
مسجد جن، که در آن جا طبق احادیث وارده، طائفه جن با رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردند و مستحب است دو رکعت نماز تحیت در آن جا  
 خوانده شود.

این مسجد قبل از قبرستان ابوطالب، در خیابان ابوسفیان می باشد.

### بیست و چهارم: «خانه و زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله»

خانه و زادگاه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فعلاً به صورت کتابخانه  
 در آمده و در خیابان بالای کوه صفا و کنار سوق اللیل قرار دارد.  
 در آن جا این دعا خوانده می شود:

اللَّهُمَّ بِجَاهِ نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى وَ رَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَ أَمِينِكَ عَلَى



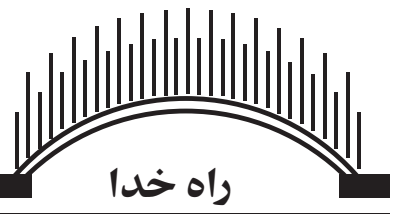
وَ حَى السَّمَاءَ طَهَّرَ قُلُوبَنَا مِنْ كُلِّ وَصْفٍ يَبَاعِدُنَا عَنْ مُشَاهَدَتِكَ وَ  
 مَحَبَّتِكَ، وَ أَمْتَنَا اللَّهُمَّ عَلَى السُّنَّةِ وَ الْجَمَاعَةِ عَلَى مُوَالَاةِ أَوْلِيَائِكَ وَ  
 مُعَادَاةِ أَعْدَائِكَ وَ الشَّوْقِ إِلَى لِقَائِكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي  
 أَوْدَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصاً  
 مُخْلِصاً وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

و نیز می خوانی در محلّ ولادت حضرت زهرا علیها السلام این دعا را:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْبُضْعَةِ الزَّهْرَاءِ وَ أَوْلَادِهَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ  
 عَلَيْهِمَا السَّلَامَ يَسِّرْ أُمُورَنَا وَ اشْرَحْ صُدُورَنَا وَ اخْتِمِ بِالصَّالِحَاتِ أَعْمَالَنَا  
 اللَّهُمَّ إِنِّي أَوْدَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ  
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

**بیست و پنجم: «زادگاه حضرت علی علیه السلام»**

شعب علی بن ابیطالب و خیابان حسین بن علی و خانه ابیطالب که  
 محل رشد ظاهری علی بن ابیطالب علیه السلام بوده است این اماکن مقدسه کنار  
 محل تولد حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شهر مکه واقع شده است.



### بیست و ششم: «مسجد اختفاء»

مسجد اختفاء که در سوق اللیل جنب زادگاه رسول اکرم ﷺ در مکه معظمه می باشد در این مکان مقدّس پیغمبر اکرم ﷺ به خاطر تعقیب کفار و مشرکین مخفی شده است.

### بیست و هفتم: «مسجد خیف»

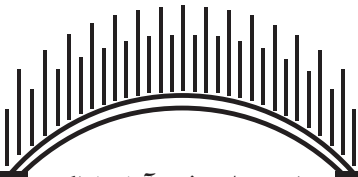
مسجد خیف در منی که در فضیلت آن احادیث زیادی وارد شده و بعضی در آن مسجد خدمت حضرت بقیة الله علیه السلام رسیده اند.

### بیست و هشتم: «مسجد نحر»

مسجد نحر در منی که بین جمره اول و دوم واقع شده و رسول اکرم ﷺ قربانی خود را در کنار این مسجد نحر فرمودند و نیز در این مسجد آن حضرت نماز خوانده اند.

### بیست و نهم: «مسجد کوثر»

مسجد کوثر در منی جنب جمره اول است. می گویند: سوره مبارکه کوثر در این مسجد نازل شده است.



### سی ام: «غار حرا»

یکی از مکان‌های بسیار مقدس و متبرک شهر مکه غار حرا در جبل نور است، که در شمال مکه به فاصله دو کیلومتر از شهر مکه در طرف چپ جاده‌ای که به طرف منی می‌رود، واقع شده است.

در این غار سالها رسول اکرم ﷺ عبادت کرده و آغاز وحی و بعثت خاتم الانبیاء ﷺ از این غار بوده است.

### سی و یکم: «غار ثور»

غار ثور مخفیگاه حضرت خاتم الانبیاء ﷺ هنگام هجرت از مکه به مدینه و نزول آیه شریفه «ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ» تا آخر آیه که در جنوب مکه به مسافت سی کیلومتری قرار گرفته است.

و مستحب است این دعاء در آن جا خوانده شود:

اللَّهُمَّ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَأَمِينِهِ وَصَدِيقِهِ يَسِّرْ أُمُورَنَا وَاشْرَحْ صُدُورَنَا وَنُورِ قُلُوبَنَا وَاخْتِمِ الْخَيْرَ أُمُورِنَا اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي فَاقْبَلْ مَعْدِرَتِي، وَتَعْلَمِ حَاجَتِي وَتَعْلَمِ مَا فِي نَفْسِي فَاعْفُرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ إِنِّي أودَعْتُ فِي هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصاً مُخْلِصاً وَأَنْتَ أَسْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

سی و دوم: «کوه ابوقیس»

کوه ابوقیس که مسجد بلال و محل شق القمر و چند تن از انبیاء در آن کوه دفن اند.

این کوه مسلط بر کوه صفا و نزدیکترین کوهها به خانه خدا است و مستحب است در محل شق القمر این دعاء خوانده شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى النَّبِيِّ هَلَّلَ وَكَبَّرَ وَحَجَّ وَاعْتَمَرَ وَانْشَقَّ الْقَمَرَ وَبَدَّيْنِ  
اللَّهُ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوَدِّعْتُ فِي  
هَذَا الْمَحَلِّ الشَّرِيفِ مِنْ يَوْمِنَا هَذَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ خَالِصاً مُخْلِصاً وَ أَنِّي  
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

بخش سوّم:

«مسائل عمره و احكام حج»



### «عمره‌ی مفرده»

یکی از واجبات مسلمی که در شرع مقدّس اسلام همیشه واجب بوده و مورد اتفاق جمیع علماء و مراجع تقلید است عمره‌ی مفرده است. ولی متأسّفانه بخاطر آنکه بعضی از علماء و مراجع بزرگ آن را در رساله‌ی خود ننوشته‌اند و مورد توجه خاصّ و عام بوده‌اند این فریضه‌ی الهی و این واجب اسلامی فراموش گردیده است و بعد از آن بزرگواران سائر مراجع تقلید که در اثر گرفتاریهای زیاد علمی و سیاسی نتوانسته‌اند رساله‌ی مستقلّی بنویسند و همان رساله‌ی توضیح المسائل را تصحیح یا حاشیه زده‌اند همچنن مسأله‌ی عمره را زیاد برده و به کلّی در این کتاب شریف نامی از آن نبرده‌اند.

درست است که در کتاب مناسک؛ همه‌ی علماء وجوب این فریضه‌ی الهی را متذکر شده‌اند ولی همه می‌دانیم که مناسک حج را غالباً کسانی که می‌خواهند به حج بروند می‌خوانند ولی دیگران که استطاعت حج را ندارند به آن کتاب نگاه نمی‌کنند و به همین جهت چه بسا هزاران مسلمانی که استطاعت عمره‌ی مفرده را داشته‌اند ولی در اثر ندانستن مسئله؛ این واجب الهی را ترک نموده‌اند.

و عجیب‌تر آنکه جز جمعی از علماء، سائر مردم از این واجب الهی

که خدای تعالی در قرآن وجوب آن را عین وجوب حج قرار داده اطلاعی ندارند و از این بالاتر جمعی از مردم که موفق به عمره‌ی مفرده می‌گردند دیده شده که آن را به عنوان یک عبادت واجب تصوّر نمی‌کنند و با آنکه دفعه‌ی اوّل آنهاست به قصد یک عمل مستحب آن را انجام می‌دهند.

در کتاب «عروة الوثقی» که مورد توجّه همه‌ی مراجع تقلید است بدون آنکه کسی در این مسئله حاشیه‌ای داشته باشد می‌فرماید:

«عمره مانند حج به واجب اصلی و واجب عرضی و مستحب تقسیم می‌گردد. لذا عمره در شرع مقدّس اسلام بر هر مکلفی با شرائطی که بعداً گفته می‌شود در مدّت عمر یک مرتبه واجب است و این وجوب از نظر کتاب و حدیث و اجماع ثابت شده است.

در حدیث صحیح از «زراره» نقل شده که «امام باقر» علیه السلام فرمودند: عمره بر همه‌ی خلائق واجب است آن چنان که حج واجب است زیرا خدای تعالی می‌فرماید: «و اتّموا الحج و العمرة لله» (یعنی انجام بدهید حج و عمره را برای خدا).

و در روایت صحیح‌ه‌ای از «امام صادق» علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی فوق نقل شده که فرمود: حج و عمره هر دو، مستقلاً واجب‌اند و وجوب عمره فوری است و لازم نیست کسی که بر او عمره واجب می‌شود حج



هم واجب شده باشد، بلکه اگر بر کسی عمره واجب شده باشد فوراً باید به عمره برود اگر چه مستطیع حج نشده باشد».

در اینجا بعضی از علمای گذشته گفته‌اند که چون هیچگاه استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست و کسانی که از بلاد دور برای حج می‌آیند حتماً عمره‌ی تمتع را انجام می‌دهند؛ پس وجوب عمره‌ی مفرده مخصوص کسانی است که نزدیک‌اند و حج افراد می‌کنند ولی متوجه کسانی که حج تمتع می‌کنند نمی‌شود.

ما در جواب می‌گوئیم بر فرض که در گذشته بخاطر نبودن وسائل نقلیه این چنین بوده ولی امروز که به مراتب عمره‌ی مفرده آسان‌تر و امکان استطاعتش بیشتر است و ممکن است کسانی برای عمره استطاعت جانی و مالی داشته باشند که به هیچ وجه استطاعت حج را ندارند آیا باز هم می‌توان گفت که وجوب عمره‌ی مفرده مخصوص کسانی که در مکه و یا نزدیک به مکه هستند می‌باشد.

ما در این مقدمه برای آنکه کسی نتواند منکر اطلاق احادیث وجوب عمره‌ی مفرده را برای همه‌ی کسانی که مکلف‌اند در هر کجای عالم که هستند بشوند بعضی از روایات وجوب آن را ذکر می‌کنیم تا مسئله روشن گردد.

۱ - خدای تعالی در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۹۳ می‌فرماید: «و اتمّوا به معنی «افعلوه». «الحج و العمرة لله» «امام صادق» علیه السلام در روایت صحیح‌های فرمود: حج و عمره هر دو واجب‌اند (هما مفروضان).  
و معنای «و اتمّوا الحج و العمرة لله» یعنی حج و عمره را برای خدا انجام دهید.

۲ - عیاشی عن زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال: «ان العمرة واجبة بمنزلة الحج لان الله يقول: و اتموا الحج و العمرة لله هی واجبة مثل الحج فمن تمتع اجزئه و العمرة فی اشهر الحج متعة».

یعنی زراره از «امام باقر» علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: عمره واجب است به منزله‌ی حج، چون خدای تعالی می‌فرماید: انجام دهید حج و عمره را برای خدا، عمره واجب است مثل حج ولی کسی که عمره‌ی تمتّع کند دیگر عمره‌ی مفرده به گردش نیست و بطور کلی عمره در ماه‌های حج، عمره‌ی تمتّع است.

۳ - و فی روایة صحیحة عن معاویة بن عمار دهنی عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «العمرة واجبة علی الخلق بمنزلة الحج من استطاع لان الله عزّ وجلّ يقول: و اتمّوا الحجّ و العمرة لله و انما نزلت العمرة بالمدينة و افضل العمرة عمرة رجب».

یعنی در احادیث متعدّدی از معاویة ابن عمار دهنی نقل شده که

«امام صادق» (علیه السلام) فرمود: عمره مثل حج بر همه‌ی مردمی که مستطیع باشند واجب است زیرا خدای تعالی می‌فرماید: انجام بدهید حج و عمره را برای خدا و دستور عمره در مدینه نازل شد و بهترین عمره، عمره‌ی ماه رجب است.

۴ - عن ابی عبدالله (علیه السلام) : «انه سئل عن قول الله و لله على الناس حج البيت (الآیه) یعنی به الحج دون العمره قال لا ولكن یعنی به الحج و العمره جميعا لانهما مفروضان».

بحارالانوار، جلد ۹۶، صفحه‌ی ۲۴، این حدیث به اسناد مختلف نقل شده است.

از «امام صادق» (علیه السلام) سؤال شد که: آیا کلام خدا که می‌فرماید: برای خدا بر عهده‌ی مردم است که حج خانه را بکنند منظور حج بدون عمره است؟ فرمود: منظور هر دوی آنها است زیرا هر دو واجب‌اند.

و تعداد زیادی از این قبیل احادیث در باب وجوب عمره نقل شده که اهلش کاملاً از آن استفاده اطلاق نموده‌اند.

لذا علماء اسلام می‌گویند:

بر هر مکلفی که واجد شرائط باشد حج و عمره به دلیل قرآن و احادیث وارده از نبی اکرم و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) واجب است.

حج و عمره از ارکان دین‌اند و از ضروریات دین بشمار می‌روند.

ترک حج یا عمره از گناهان کبیره است. خداوند متعال در قرآن مجید فرموده:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».

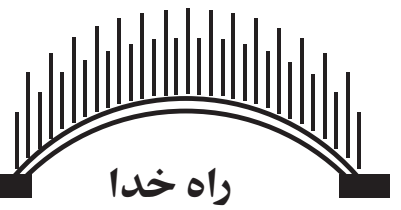
یعنی برای خدا بر عهده‌ی مردم است که حج خانه‌ی خدا بکنند اگر استطاعت رفتن به آن خانه را داشته باشند.

«امام صادق» (علیه السلام) فرمود: منظور خدای تعالی در این آیه هم حج و هم عمره است زیرا هر دوی آنها مستقلاً واجب‌اند.

شیخ کلینی (رحمته الله) از «حضرت صادق» (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر کس از دنیا برود و حج بجا نیاورد، بدون اینکه او را حاجتی ضروری باشد یا آن که به جهت بیمار شدن از آن باز ماند یا آنکه پادشاهی از رفتن او جلوگیری نماید چنین کس در حال مردن به دین یهودی یا نصرانی از دنیا خواهد رفت.

این آیه و این روایت در اهمیت حج و عمره و وجوب آنها کافی است و روایات بسیاری در این دو قسمت وارد شده که این مختصر، گنجایش ذکر آنها را ندارد.

**مسئله:** حج و عمره در تمام عمر یک مرتبه بر هر مکلفی که مستطیع باشد واجب است و وجوب آن فوری است.



**مسئله:** وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است؛ یعنی واجب است در سال اوّل استطاعت آن را بجا آورد و تأخیر آن جایز نیست و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام دهد.

**مسئله:** اگر درک حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدّماتی مثل سفر و تهیهی اسباب آن باشد، تحصیل آن واجب است، بطوری که در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد تکلیف حج بر او قرار می‌گیرد و باید در هر صورت بعداً به حج برود، اگر چه استطاعتش از بین رفته باشد.

**مسئله:** وجوب عمره بر کسی که مستطیع باشد فوری است و باید در اوّلین فرصت بعد از استطاعت به عمره برود و اگر تأخیر بیاندازد معصیت کرده است.

## «شرائط وجوب حج و یا عمره»

با چند شرط، حج و یا عمره واجب می‌شود و بدون آنها عمره یا حج واجب نیستند.

### ۱ و ۲ بلوغ و عقل.

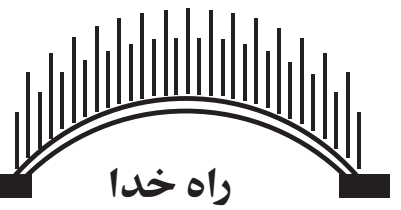
پس بر کودک و دیوانه حج و یا عمره واجب نیست.

**مسئله:** اگر غیر بالغ حج یا عمره بجا آورد صحیح است ولی بجای حج و یا عمره‌ی واجب او محسوب نمی‌شود.

**مسئله:** اگر کودک ممیز برای حج، مُحرم شود و در وقت درک مشعرالحرام بالغ باشد، کفایت از حجّ واجب او می‌کند و همچنین اگر مجنون قبل از درک مشعر عاقل شود.

**مسئله:** مستحب است صاحب اختیار «ولی» طفل (غیر ممیز) طفل را مُحرم کند و به او لباس احرام بپوشاند، و این گونه نیت کند که «این طفل را مُحرم می‌کنم برای حج» یا «این طفل را معتمر می‌کنم به عمره‌ی تمتّع یا عمره‌ی مفرده» و اگر می‌شود، لَبّیک گفتن را به او تلقین کند که با او بگوید والّا خودش به عوض او بگوید.





**مسئله:** بعید نیست که ولی طفل، در این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار او است اگر چه ولی شرعی او نباشد.

**مسئله:** بعد از آنکه طفل مُحرم شد یا او را مُحرم کردند باید ولی طفل، او را از محرّمات احرام، مانع شود و اگر ممیز نیست خود او، او را از محرّمات حفظ نمایند.

**مسئله:** بعد از اینکه طفل مُحرم شد اگر محرّمات احرام را بجا آورد یا ولی طفل، او را از آنها باز نداشت کفّاره بر ولی طفل است.

**مسئله:** گوسفند قربانی برای حج بر عهده‌ی ولی طفل است.

### ۳ - استطاعت

یکی دیگر از شرایط وجوب حج یا عمره استطاعت از جهت مال و صحّت بدن و توانائی و باز بودن راه و وسعت وقت است.

**مسئله:** استطاعت از جهت مال یعنی داشتن پول کافی که بتواند وسائل مسافرت را تهیه کند یا چیزی بفروشد و بوسیله‌ی پول آن، وسائل سفر را بوجود آورد. و باید که مخارج برگشتن را هم داشته باشد، در صورتی که می‌خواهد برگردد و امور دیگری در استطاعت معتبر است که در مسائل آینده بیان خواهد شد.

**مسئله:** شرط دیگر در وجوب حج یا عمره، این است که علاوه بر مخارج رفتن و برگشتن ضروریات زندگی و آنچه را در معیشت به آن نیازمند است، مثلاً خانه‌ی مسکونی و اثاث خانه و وسیله‌ی سواری و غیره در حدّی که مناسب با شأن او باشد داشته باشد و اگر عین آنها را ندارد، پول یا چیزی که بتواند آنها را بعد از مراجعت از حج یا عمره تهیه کند، داشته باشد.

**مسئله:** کسی که نیاز به ازدواج دارد و اگر آن را ترک کند به حرام می‌افتد در صورتی مستطیع می‌شود که علاوه بر مخارج حج، مصارف ازدواج را هم داشته باشد.

**مسئله:** کسی که از دیگری طلبی دارد و بقیه‌ی شرائط استطاعت را هم دارد، اگر وقت طلب او رسیده و می‌تواند بدون زحمت آن را بگیرد واجب است آن را مطالبه کند و بگیرد و به حج یا عمره برود، مگر مدیون نتواند بپردازد که در این صورت مطالبه جایز نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود.

**مسئله:** کسی که مخارج حج را دارد و بدهی هم دارد اگر بدهی او مدّت داشته باشد و مطمئن باشد که در وقت ادای بدهی، می‌تواند آن را بپردازد واجب است به حج یا عمره برود و همچنین است اگر طلبکار راضی به تأخیر اداء بدهی باشد و بدهکار مطمئن باشد که در وقت مطالبه

می تواند بدهی را اداء نماید واجب است به حج یا عمره برود.

**مسئله:** کسی که خمس یا زکات بدهکار است در صورتی مستطیع می شود که خمس و یا زکات خود را بدهد و بعد پول لازم را برای حج داشته باشد.

**مسئله:** کسی که از جهت مالی مستطیع است و از جهت صحّت بدن یا باز بودن راه مستطیع نیست می تواند در مال خود تصرف کند ولی اگر از آن جهات هم استطاعت دارد و فقط وسائل رفتن را تهیه نکرده یا وقت حج نرسیده نمی تواند خود را از استطاعت خارج کند و اگر کرد حج و یا عمره بر او واجب است و باید به هر نحوی که ممکن است به حج یا عمره برود.

**مسئله:** شخص مستطیع اگر پول ندارد لکن ملک یا چیز دیگری دارد باید بفروشد و به حج برود، اگر چه بواسطه‌ی مشتری نداشتن به کمتر از قیمت معمولی بفروشد مگر آنکه فروش به این نحو، موجب ناراحتی و ورشکستگی او شود.

**مسئله:** اگر شخصی خودش از جهت مالی استطاعت ندارد ولی اگر کسی به او بگوید که حج یا عمره برو، مخارج تو و عائله‌ات بر عهده‌ی من است، با اطمینان به وفای به عهد او حج یا عمره واجب می شود، مگر آنکه قبول رفتن به این حج یا عمره موجب اخلال در امور زندگی او

بشود که در این صورت واجب نیست.

**مسئله:** اگر مالی که برای حج کفایت می‌کند برای اینکه حج یا عمره بجا آورد به او ببخشند باید قبول کند و حج و عمره بجا آورد زیرا به مجرد بخشیدن او مستطیع می‌شود و حتی اگر مخیر است بین اینکه حج یا عمره بجا آورد یا نه، باز هم حج و یا عمره به او واجب می‌شود.

**مسئله:** کسی که در راه حج یا عمره برای خدمت، اجیر شود به اجرتی که با آن مستطیع می‌شود، حج و عمره بر او واجب می‌شود، اگر چه بر او واجب نیست که اجیر شود ولی بعد از آنکه اجیر شد مستطیع می‌شود و باید حج یا عمره را بجا آورد.

**مسئله:** اگر با وجود شرائط استطاعت. حج یا عمره را ترک کند این واجب بر عهده‌ی او باقی می‌ماند اگر چه فقیر شود و بعداً باید به هر نحوی که ممکن است برود.

**مسئله:** کسی که خودش مستطیع است نمی‌تواند از طرف دیگری برای حج یا عمره نایب شود و اگر حج یا عمره بجا آورد باطل است.

**مسئله:** کسی که حج و یا عمره بر او واجب شده و بجا نیاورده وقتی فوت شد باید از مالی که از او باقی مانده برای او حج و یا عمره بدهند و حج میقاتی یا عمره کفایت می‌کند و تا حج و یا عمره‌ی او راندهند، ورثه نمی‌توانند در مال او تصرف نمایند و لازم است در همان سال فوت،

حج یا عمره برای او اداء نمایند و تأخیر آن جایز نیست.

**مسئله:** زنی که مهریه‌اش برای مخارج حج و یا عمره کفایت می‌کند و آن را از شوهر خود طلبکار است اگر شوهرش نمی‌تواند آن را بدهد، زن حق مطالبه‌ی آن را ندارد و مستطیع نیست و اگر تمکن دارد و مطالبه‌ی آن برای زن مفسده‌ای ندارد، لازم است زن مهریه را مطالبه کند و به حج و یا عمره برود.

**مسئله:** اگر کسی وجوه شرعیه مثل سهم امام و سهم سادات به گردش هست اگر آن را اداء نکند نمی‌تواند به مکه رود و اگر به مکه برود کفایت از حج و یا عمره‌ی واجب او نمی‌کند.

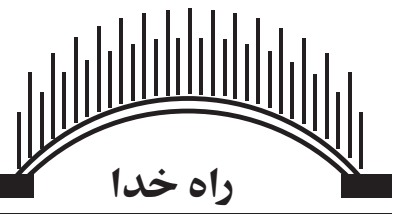
**مسئله:** در استطاعت فرقی نمی‌کند بین اینکه در ماههای حج، یعنی شوال و ذیقعد و ذیحجه مال پیدا کند یا قبل از آن، که در این صورت باید استطاعت را حفظ کند تا به حج برود.

**مسئله:** خدمه‌ی کاروانها که وارد جدّه می‌شوند اگر سائر شرائط استطاعت را داشته باشند مستطیع هستند و باید حج و یا عمره را بجا آورند و کفایت از حج و یا عمره‌ی واجب آنان می‌کند.

**مسئله:** برای کسانی که از مکه دور هستند ممکن است گاهی از جهت مالی یا بدنی برای حج استطاعت نداشته باشند ولی برای عمره استطاعت داشته باشند مثلاً بخاطر آنکه موسم حج در تابستان است و

نمی‌توانند گرما را تحمل کنند و یا مراسم عرفات و مشعر و منی آنها را از پا درمی‌آورد و از نظر بدنی طاقت انجام آن اعمال را ندارند ولی عمره را می‌توانند انجام دهند در این صورت عمره واجب می‌شود و حج بر آنها واجب نیست و یا به خاطر آنکه مخارج حج به قدری است که انسان استطاعت آن را ندارد ولی مخارج عمره کمتر است و انسان می‌تواند آن را بپردازد که باز در این صورت هم عمره واجب می‌شود ولی حج واجب نمی‌شود.

اما اگر بر کسی حج واجب شد و از بلاد دور بود چون عمره را هم در ضمن حج انجام می‌دهد دیگر عمره‌ی مفرده بر او واجب نمی‌شود ولی کسانی که نزدیک هستند مثلاً ساکن مکه هستند چون حج افراد انجام می‌دهند عمره‌ی مفرده هم بر آنها واجب است که باید در وقت دیگری آن را انجام داده باشند یا انجام دهند.



## «نیابت در حج»

**مسئله:** در نایب چند چیز شرط است:

- ۱- بلوغ.
- ۲- عقل.
- ۳- ایمان.
- ۴- وثوق و اطمینان به انجام دادن اعمال به نحو صحیح.
- ۵- معرفت نایب به افعال و احکام حج.
- ۶- خود نایب حجّ واجب در آن سال به گردش نباشد.
- ۷- عذری برای بعضی از اعمال حج نداشته باشد.

**مسئله:** در حج و یا عمره‌ی واجب شرط است کسی که از طرف او انسان نیابت می‌کند از دنیا رفته باشد یا اگر زنده است مریضی باشد که امید خوب شدن او نباشد یا از جهت پیری نتواند به حج یا عمره برود و حج یا عمره بر او واجب شده باشد.

**مسئله:** نایب باید در عمل قصد نیابت نماید و منوب عنه را ولو  
اجمالاً در نیت تعیین کند و شرط نیست اسم او را ذکر کند.

**مسئله:** نایب در طواف نساء باید قصد و نیت مافی الذمه را بنماید.

**مسئله:** اگر نایب طواف نساء را صحیحاً انجام ندهد زن بر نایب  
حلال نمی‌شود.

**مسئله:** نیابت در بعضی از اعمال حج یا عمره از طرف افراد معذور  
و یا غیر معذور جائز است که در محل خود مواردش ذکر خواهد شد.

**مسئله:** بعد از آنکه نایب عملی را بجا آورد، آن عمل از او ساقط  
می‌شود و لازم نیست دیگر خودش آن عمل را انجام دهد اگر چه بعداً  
عذرش هم برطرف شده باشد و اما اگر قبل از اتمام عمل عذرش  
برطرف شد، چه قبل از احرام باشد یا بعد از آن، باید خودش هم آن عمل  
را انجام دهد.



## «اقسام حج»

**مسئله:** حج سه قسم است: «حج تمتع» و «حج قران» و «حج افراد». «حج تمتع» وظیفه‌ی کسانی است که نود و شش کیلومتر (حداقل) از مکه دور باشند.

«حج قران» وظیفه‌ی کسانی است که این اندازه از مکه دور نباشند. «حج افراد» وظیفه‌ی کسانی است که یا نزدیک باشند و یا عذری داشته باشند که نتوانند اعمال عمره‌ی تمتع را انجام دهند. مثلاً زن حائض یا کسی که بواسطه‌ی تنگی وقت نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را بجا آورد، باید قصد حج افراد کند و به همان احرام عمره‌ی تمتع که عدول به حج افراد کرده به عرفات رود و مثل سائر حججاق و قوف کند، بعد از آن برود به مشعر و قوف کند و بعد برود به منی و اعمال منی را بجا آورد، مگر قربانی را که در این صورت برای او واجب نیست، بعد برود به مکه و بقیه‌ی اعمال را انجام دهد. بنابراین صورت حج افراد عین صورت

حجّ تمتّع است با یک فرق که در حجّ تمتّع، باید قربانی ذبح کند و در حجّ افراد واجب نیست این عمل را انجام دهد و بعد عمره‌ی مفرده را انجام دهد یعنی از مکه خارج شود و به «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «مسجد تنعیم» که از همه نزدیکتر به مکه است، برود و در آنجا مُحرم شود و بیاید به مکه و طواف کند و نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه بکند و تقصیر کند و طواف نساء بجا آورد و نماز طواف بخواند.

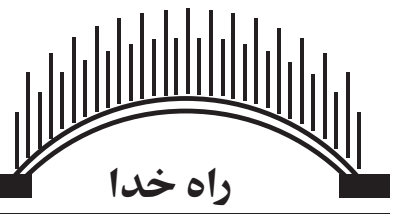
**مسئله:** عمره‌ی مفرده با عمره‌ی تمتّع که شرحش خواهد آمد فرقی

ندارند مگر در سه چیز:

**اول:** آنکه در عمره‌ی تمتّع باید تقصیر کند و سر تراشیدن جایز نیست ولی در عمره‌ی مفرده مخیر است بین آنکه سرش را بتراشد و یا تقصیر کند.

**دوم:** آنکه عمره‌ی تمتّع، طواف نساء ندارد ولی عمره‌ی مفرده طواف نساء دارد.

**سوم:** آنکه میقات عمره‌ی تمتّع یکی از میقاتهای پنجگانه‌ای است که در آینده گفته می‌شود ولی میقات عمره‌ی مفرده هم ممکن است از میقاتهای پنجگانه بخصوص برای کسانی که از راه دور می‌آیند باشد و هم ممکن است از مسجد حدیبیه برای کسانی که اهل مکه و یا از عمره‌ی تمتّع معذور بوده‌اند باشد.



**مسئله:** اگر کسی عمره‌ی تمتّع را بجا بیاورد او را کفایت می‌کند از عمره‌ی مفرده.

### «صورت اجمالی اعمال عمره»

انسان وقتی در ماههای حج برای اعمال حج به مکه می‌رود اوّل باید به نیت عمره‌ی تمتّع به یکی از میقاتها برود و از آنجا این چند عمل را انجام دهد:

اوّل: احرام.

دوّم: طواف کعبه.

سوّم: نماز طواف.

چهارم: سعی بین صفا و مروه.

پنجم: تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن و در عمره‌ی مفرده می‌تواند سر را بتراشد.

ششم: در عمره‌ی مفرده طواف نساء.

هفتم: نماز طواف نساء.

(که در عمره‌ی تمتّع عمل ششم و هفتم انجام نمی‌شود.)

و حجّ تمتّع مرکب از سیزده عمل است:

اول: احرام بستن در مکه.

دوم: وقوف در عرفات.

سوم: وقوف در مشعر الحرام.

چهارم: انداختن سنگریزه به جمره‌ی عقبه در منی.

پنجم: قربانی در منی.

ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.

هفتم: طواف زیارت در مکه.

هشتم: دو رکعت نماز طواف.

نهم: سعی بین صفا و مروه.

دهم: طواف نساء.

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء.

دوازدهم: ماندن به منی، شب یازدهم و شب دوازدهم و برای بعضی

از اشخاص شب سیزدهم.

سیزدهم: در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات و اشخاصی که شب

سیزدهم در منی بمانند روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

آنچه ذکر شد صورت اجمالی این دو عمل است و تفصیل آنها بعداً

ذکر می‌شود.



**مسئله:** لازم نیست مکلف این اعمال را قبل از ورود به عمره و حج بداند ولو اجمالاً و کافی است که نیت کند عمره را، یعنی عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده و همین طور حج را به نحوی که بر او واجب است و کیفیت و تفصیل هر یک را از رساله در وقت اعمال یاد بگیرد و عمل کند، ولی یاد گرفتن اجمالی آن بهتر و موافق با احتیاط است.

**مسئله:** فاصله‌ی بین دو عمره نباید کمتر از ده روز باشد و اگر کسی خواست با کمتر از این فاصله عمره‌ای انجام دهد باید به قصد رجاء انجام دهد.

### «معرفی میقاتها و احکام آن»

محلّ احرام بستن برای عمره‌ی تمتّع و عمره‌ی مفرده را «میقات» می‌نامند و این میقاتها به اختلاف راههائی که حجّاج از آنها به طرف مکه می‌روند مختلف‌اند:

**اول:** مسجد شجره است و آن میقات کسانی است که از مدینه‌ی منوره به مکه می‌روند.

**مسئله:** احتیاط واجب است که در داخل مسجد شجره انسان مُحرّم شود.

**مسئله:** شخص جنب و حائض می‌توانند در حال عبور از مسجد

شجره مُحَرَّم شوند و نباید در مسجد توقّف کنند.

**دوم:** «وادی عقیق» است و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می روند.

**سوم:** «قرن المنازل» است و آن میقات کسانی است که از راه طائف به مکه می روند.

**چهارم:** «یللم» است که اسم کوهی است و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه می روند.

**پنجم:** «جحفه» است و آن میقات کسانی است که از راه شام به مکه می روند.

**مسئله:** اگر از راهی برود که به هیچ یک از میقاتها عبورش نیفتد، باید از محاذات میقات احرام ببندد.

**مسئله:** کسانی که با هواپیما به حج می روند و می خواهند بعد از حج به مدینه مشرف شوند باید بروند به میقات مثل «جحفه» و از آنجا محرم شوند و اگر نتوانستند به «جحفه» یا به میقات دیگر بروند با نذر از جدّه محرم شوند.

**مسئله:** جایز نیست احرام بستن پیش از رسیدن به میقات و اگر احرام ببندد باطل است ولی اگر نذر کند که از محلی که قبل از میقات است احرام ببندد جائز است و باید از همان جا محرم شود. مثلاً اگر نذر



کند که از «قم» محرم شود، واجب است به آن عمل کند و بهتر است که به میقات یا محاذات میقات که رسید احرام را تجدید نماید.

**مسئله:** کسی که در غیر ماههای حج به مکه رفته و عمره‌ی مفرده بجا آورده و در مکه مانده تا ماههای حج، برای احرام عمره‌ی تمتع باید به یکی از میقاتها برود و نمی‌تواند از «تنعیم» محرم شود.

## «احکام احرام»

احرام به معنی حرام کردن چیزهائی است بر خود، که بعداً توضیح داده می‌شود.

ولی یک سالک الی الله باید در وقت بستن احرام خود را برای تزکیه‌ی نفس آماده کند و لباس تقوای تمیزی که از هرگونه کثافات صفات رذیله پاک باشد بر تن کند زیرا ممکن است در این اماکن مقدّسه به محضر مقدّس «حضرت بقیة الله» روحی فداه مشرّف گردد و اگر لباس تقوی و پاکی بر تن نداشته باشد، خودش از آن مصاحبت خجالت می‌کشد لذا باید یک حاجی و یا یک معتمر بیشتر از هر چیز به تهذیب نفس اهمیت بدهد و اخلاقاً تمام کارهای خلاف تزکیه‌ی نفس را ترک کند و به واجبات شرعی زیر عمل نماید.

اول: «نیت» یعنی انسان در حالی که می‌خواهد مُحرم شود به احرام عمره، نیت کند عمره‌ی تمتّع را و اگر عمره‌ی مفرده است عمره‌ی مفرده را نیت کند و لازم نیست قصد کند ترک محرّماتی را که بر مُحرم پس از احرام، حرام می‌شود.



دوم: «تلبیه» یعنی لبیک گفتن و صورت آن بنا بر اصح اقوال آن است که بگوید:

«لَبَّيْكَ، اَللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، اِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَ الْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید:

«لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ دَاعِيَاً اِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ غَفَّارَ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ اَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَبْدِيءِ وَالْمَعَادِ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَ يَفْتَقِرُ اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ مَرْهُوباً وَ مَرْغُوباً اِلَيْكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ اِلَهَ الْحَقِّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ ذَا النِّعْمَاءِ وَ الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيْلِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ كَشَّافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ يَا كَرِيْمُ لَبَّيْكَ».

**مسئله:** سالک الی الله وقتی تلبیه می گوید باید بداند که به دعوت الهی پاسخ می گوید و در هر لبیک یک مرتبه به محبوب، جواب مثبت می دهد و به سوی او می رود و مراحل کمالات را طی می کند و اگر در ضمن راه تا به مقصد مناجات مریدین و یا مناجات محبین امام سجاد علیه السلام را بخواند حال خوشی پیدا می کند و در راه به یاد امام زمانش باشد و بداند که چون او اذن الله است لبیکها را دریافت می کند و واسطه می شود که خدای تعالی او را بپذیرد.

**مسئله:** واجب است صحیح گفتن قدر واجب از «لَبَّيْكَ» را که گذشت، همان طور که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

**مسئله:** آنچه واجب است در لبّیک بیش از یک مرتبه نیست، ولی مستحب است آن را تکرار کند و برای هفتاد مرتبه گفتن تلبیه ثواب زیادی در روایات ذکر شده است و لازم نیست آنچه را در حال احرام بستن گفته است تکرار کند، بلکه کافی است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» و یا «لَبَّيْكَ» را فقط تکرار کند.

**مسئله:** کسی که برای عمره‌ی تمتّع مُحْرَم شده در وقتی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود باید لبّیک گفتن را ترک کند و دیگر لبّیک نگوید و احتیاط واجب برای کسی که احرام حج بسته، آن است که لبّیک را تا ظهر روز عرفه بیشتر نگوید.

**سوّم:** پوشیدن دو جامه‌ی احرام برای مردان که یکی «لنگ» است که باید به کمر ببندند و دیگری «رداء» که باید آن را به دوش بیندازند و این دو جامه نباید دوخته و یا گره زده باشند.

**مسئله:** احتیاط واجب آن است که این دو جامه را قبل از نیت احرام و لبّیک گفتن بپوشد و اگر بعد از گفتن لبّیک پوشید احتیاط آن است که لبّیک را دوباره بگوید.

**مسئله:** شرط است در این دو جامه که نماز در آنها صحیح باشد،

پس کفایت نمی‌کند جامه‌ی حریر و غیر مأكول و جامه‌ای که نجس باشد به نجاستی که در نماز از آن عفو نشده باشد.

**مسئله:** دو جامه‌ای که ذکر شد که باید مُحرم پوشد، مخصوص به مرد است، ولی زن می‌تواند در لباس خودش به هر نحو که هست مُحرم شود چه دوخته باشد یا نباشد ولی حریر محض نباشد.

**مسئله:** اگر در بین اعمال این دو جامه نجس شود باید تطهیر و یا تبدیل گردد.

**مسئله:** اگر لباس احرام را عمداً نپوشد یا لباس دوخته در حالی که می‌خواهد مُحرم شود بپوشد معصیت کرده است، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و احرامش صحیح است و اگر از روی عذر باشد معصیت هم نکرده است.

**مسئله:** شرط نیست در احرام بستن پاک بودن از حدث اصغر و اکبر، پس جایز است در حال جنابت و حیض و نفاس مُحرم شود، بلکه غسل احرام برای حائض و نفساء مستحب است.

## «مستحبات احرام»

- ۱- آنکه قبلاً بدن خود را پاکیزه نموده و ناخن و شارب خود را بگیرد و موی زیر بغل و سایر موهای زائد بدن را بگیرد.
- ۲- کسی که قصد حج دارد از اوّل ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره می مفرده است پیش از یک ماه موی سر و ریش را کوتاه نکند.
- ۳- آنکه پیش از احرام در میقات غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است و این غسل بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب یافت نشود جائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد مستحب است غسل را اعاده بنماید و بعد از غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر مَحرم حرام است، باز هم مستحب است غسل را اعاده کند و اگر مکلف در روز غسل نمود از غسل تا آخر شب آینده کفایت می کند و همچنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حدث اصغر محدث شد غسل را اعاده نماید.
- ۴- آنکه دو جامه ی احرام از پنبه باشد.

۵- آنکه احرام را بعد از نماز واجب یا دو رکعت نماز مستحبی ببندد و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد و برای تعجیل در فرج «حضرت بقیة الله» روحی فداه دعا کند آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ أَمْرَكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوْقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَ لَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكَ فِي يَسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَ فِدِكَ الَّذِي رَضِيتَ وَ ارْتَضِيتَ وَ سَمَّيْتَ وَ كَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حُجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَإِنْ عَرَّضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةَ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَ بَشْرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النَّسَاءِ وَ الثِّيَابِ وَ الطَّيِّبِ أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ».

۶- وقتی دو جامه‌ی احرام را می‌پوشد بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي وَ أُوْدِي فِيهِ فَرَضِي وَ

أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي وَ أَنْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي  
وَ أَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي وَ قَبَلَنِي وَ لَمْ يَقْطَعْ بِي وَ وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ  
حِصْنِي وَ كَهْفِي وَ حِرْزِي وَ ظَهْرِي وَ مَلَاذِي وَ رَجَائِي وَ مَنْجَايَ وَ ذُخْرِي  
وَ عُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَ رَخَائِي».

۷- آنکه لبیک گفتن‌ها را در حال احرام تکرار کند خصوصاً در این

موارد:

وقت برخاستن از خواب.

بعد از هر نماز واجب و مستحب.

هنگام بالا رفتن از تلّ و بلندی یا سرازیر شدن از آن.

وقت سوار شدن یا پیاده شدن.

آخر شب.

اوقات سحر.

زن حائض و نفساء و جنب نیز این تلبیه‌ها را بگویند.

و لبیک گفتن در عمره می‌تواند استمرار داشته باشد تا آنکه خانه‌های

مکه را ببیند و اما تلبیه‌ی حج تا ظهر روز عرفه است.

## «مکروهات احرام»

مکروهات احرام چند چیز است:

- ۱- احرام در جامه‌ی سیاه و افضل این است که در جامه‌ی سفید باشد.
- ۲- خوابیدن مُحرم بر رختخواب و بالش زرد رنگ زیر سر گذاشتن.
- ۳- احرام بستن در جامه‌ی چرکین و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید.
- ۴- احرام بستن در جامه‌ی راه راه.
- ۵- استعمال حنا و رنگ قبل از احرام در صورتی که اثر آن تا وقت احرام باقی بماند.
- ۶- لبیک گفتن مُحرم در جواب کسی که او را صدا می‌زند.

## «آنچه بر مُحرم حرام می‌شود»

اوّل شکار صحرائی که وحشی باشد.

**مسئله:** خوردن گوشت شکار بر مُحرم حرام است چه خودش

شکار کرده باشد یا دیگری.

**مسئله:** هر نوع کمک به شکارچی بخصوص نشان دادن شکار را به او حرام است.

**مسئله:** ذبح حیوان، ولی خوردن گوشت حیوانات اهلی مثل مرغ خانگی و گاو و گوسفند و شتر مانعی ندارد.

**مسئله:** پرندگان، جزء شکار صحرائی می‌باشند و ملخ نیز در حکم شکار صحرائی است.

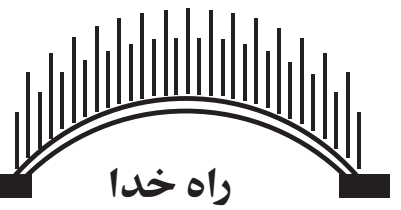
**مسئله:** احتیاط واجب آن است که زنبور را نکشد اگر قصد اذیت او را نداشته باشد.

دوّم جماع کردن و بوسیدن و با دست بازی کردن و نگاه به شهوت کردن، بلکه هر نحو لذّت و تمتّعی بردن از زن برای مُحرم حرام است.

**مسئله:** اگر زنی را از روی شهوت ببوسد کفّاره‌ی آن یک شتر است و اگر بدون شهوت ببوسد کفّاره‌ی آن یک گوسفند است و احتیاط مستحب آن است که یک شتر کفّاره بدهد.

**مسئله:** اگر مُحرم با زن به شهوت با دست بازی کند ولی انزالش نشود باید یک گوسفند کفّاره بدهد و اگر انزالش شود باید یک شتر کفّاره بدهد.





**مسئله:** هر یک از این اعمال که موجب کفّاره می‌شود اگر با جهل به مسئله یا از روی غفلت یا از روی نسیان انجام دهد به عمره و حجّ او ضرر نمی‌رساند و کفّاره هم بر مُحرّم واجب نیست.

**مسئله:** اگر مردی با زن خود که مُحرّم است از روی اجبار جماع کند بر زن چیزی نیست و مرد باید علاوه بر کفّاره‌ی خود کفّاره‌ی زن را هم بدهد و اگر زن از روی رضایت جماع کند کفّاره بر خود او است و مرد فقط باید کفّاره‌ی خودش را بدهد.

سوّم عقد کردن زن از برای خود یا غیر، چه آن غیر، احرام بسته باشد یا نبسته باشد.

**مسئله:** جایز نیست مُحرّم شاهد برای عقد دیگری بشود اگر چه آن عقد برای غیر مُحرّم باشد.

**مسئله:** اگر انسان زنی را در حال احرام برای خود عقد کند با علم به مسئله، آن زن بر او حرام دائمی می‌شود. ولی با جهل به مسئله فقط در صورت دخول حرام دائمی می‌شود و طبیعی است که آن عقد باطل است.

چهارم استمناء یعنی به هر وسیله‌ای انسان از خود منی خارج کند یک شتر باید کفّاره بدهد.

پنجم استعمال عطریات است از قبیل مشک و زعفران و کافور و

عود و عنبر، بلکه مطلق عطر هر قسم که باشد.

**مسئله:** مالیدن عطر بر بدن و لباس جائز نیست و همین طور پوشیدن لباسی که بوی عطر می دهد اگر چه قبلاً به آن عطر مالیده شده باشد.

**مسئله:** خوردن چیزی که در آن چیزی است که بوی خوش می دهد مثل زعفران جائز نیست.

**مسئله:** اگر لباس یا غذایی که بوی خوش می دهد اضطراراً بخواهد بپوشد یا بخورد باید دماغ خود را بگیرد که بوی خوش را استشمام نکند.

**مسئله:** اقوی حرمت گرفتن بینی است از بوی بد، لکن فرار کردن از بوی بد اشکال ندارد.

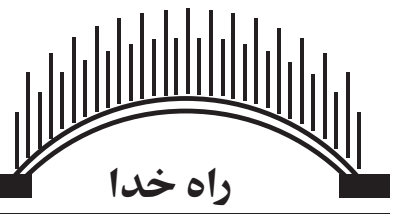
**مسئله:** کفّاره‌ی استعمال بوی خوش، یک گوسفند است.

ششم پوشیدن چیز دوخته مثل پیراهن و زیر جامه و قبا و امثال آنها.

**مسئله:** احوط اجتناب از مطلق دوخته است هر چند کم باشد، مثل کمر بند دوخته و شب کلاه.

**مسئله:** همیانی را که در آن پول می گذارند و به کمر می بندند اشکال ندارد که دوخته باشد.

**مسئله:** اگر به لباس دوخته احتیاج پیدا کرد جائز است بپوشد، ولی



کفّاره باید بدهد.

**مسئله:** جائز است که لباس احرام را با سوزن یا چیز دیگر بعضی را به بعضی وصل کند.

**مسئله:** لباس دوخته برای زنها جائز است و کفّاره ندارد.

**مسئله:** کفّاره‌ی پوشیدن لباس دوخته برای مردان، یک گوسفند است.

هفتم سرمه کشیدن که برای زینت باشد، بر مُحرم حرام است.

**مسئله:** حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

**مسئله:** در سرمه کشیدن کفّاره نیست.

هشتم نگاه کردن در آینه، بر مُحرم حرام است.

**مسئله:** در این حکم فرقی بین زن و مرد نیست.

**مسئله:** نگاه کردن به اجسام صاف صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

**مسئله:** عینک زدن اگر زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر زینت محسوب شود جائز نیست.

**مسئله:** در نظر کردن به آینه کفّاره نیست لکن مستحب است که بعد

از نگاه کردن لبیک بگویند.

**مسئله:** اگر در اطاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لکن احتیاط آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

نهم پوشیدن کفش و چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می گیرد بر مُحرم حرام است.

**مسئله:** این حکم اختصاص به مردان دارد و برای زن مانعی ندارد.

**مسئله:** در پوشیدن آنچه روی پا را می گیرد کفاره نیست.

دهم فسوق است و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد. بلکه فحش دادن و فخر به دیگران کردن نیز جزء فسوق است و از برای فسوق کفاره نیست، فقط باید استغفار کند.

یازدهم جدال است و آن گفتن «لا والله» و «بلی والله» است که قسم در آن باشد.

**مسئله:** اگر در جدال راستگو باشد در کمتر از سه مرتبه قسم بخورد چیزی بر او نیست و فقط باید استغفار کند و در سه مرتبه باید کفاره بدهد و کفاره‌ی آن یک گوسفند است.

**مسئله:** اگر در جدال دروغگو باشد احتیاط واجب آن است که در



مرحله‌ی اوّل یک گوسفند کفّاره بدهد.

دوازدهم کشتن جانورانی که در بدن ممکن است باشند مثل شپش و کک و کنه.

**مسئله:** جائز نیست انداختن شپش و کک را از بدن.

**مسئله:** جائز نیست انتقال دادن آن را از مکانی که محفوظ است به جائی که از آن ساقط می‌شود.

سیزدهم انگشتر بدست کردن برای زینت و اگر برای استحباب باشد مانعی ندارد.

**مسئله:** اگر انگشتر بدست کند نه برای زینت و نه برای استحباب بلکه منظورش خاصیتی باشد، اشکال ندارد.

**مسئله:** اگر قبل از احرام «حنا» ببندد چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مانعی ندارد.

**مسئله:** انگشتر بدست کردن و حنا بستن کفّاره ندارد.

چهاردهم پوشیدن زیور است برای زن به جهت زینت.

**مسئله:** زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن آن قبل از احرام، لازم نیست برای احرام بیرون بیاورد.

**مسئله:** زیورهایی را که عادت داشته به پوشیدن، نباید آن را به مرد و

حتی به شوهر خود نشان دهد.

**مسئله:** پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم روغن مالیدن است به بدن.

**مسئله:** احوط بلکه اقوی حرام بودن مالیدن روغن است اگر چه بوی

خوش در آن نباشد.

**مسئله:** اگر از روی اضطرار و احتیاج روغن بمالد عیبی ندارد.

**مسئله:** اگر در روغن بوی خوش نباشد در مالیدن آن کفاره نیست.

**مسئله:** اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره‌ی آن یک گوسفند

است اگر چه از روی اضطرار باشد.

شانزدهم ازاله‌ی مو است از بدن خود یا غیر خود.

**مسئله:** در حرمت ازاله‌ی مو فرقی نیست میان کم و زیاد بلکه ازاله‌ی

یک مو نیز حرام است.

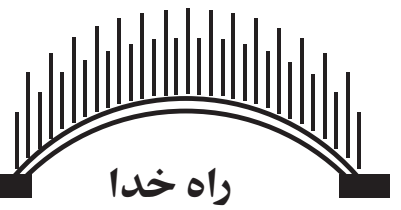
**مسئله:** کفاره‌ی سر تراشیدن اگر به جهت ضرورت باشد دوازده

«مد» طعام است که باید به شش مسکین بدهد، یا سه روز، روزه بگیرد، یا

یک گوسفند قربانی کند. و «مد» تقریباً (ده سیر) است.

**مسئله:** اگر از زیر بغل خود ازاله‌ی مو کند، باید یک گوسفند برای

کفاره ذبح نماید.



هفدهم پوشانیدن مرد سر خود را به هر چه که باشد.

**مسئله:** جائز است به بعضی از اجزاء بدن خود، سرش را بپوشاند، مثل آنکه دستها را روی سر بگذارد.

**مسئله:** جائز نیست سر را زیر آب و یا زیر مایع دیگر کند.

**مسئله:** پوشانیدن صورت برای مردان مانع ندارد و از سر محسوب نمی‌شود.

**مسئله:** گذاشتن سر روی بالش برای خوابیدن مانع ندارد.

**مسئله:** زیر دوش حمام رفتن برای مُحرم مانع ندارد، لکن زیر آبشاری که سر را فرو می‌گیرد جائز نیست.

**مسئله:** در وقت خوابیدن، مرد نباید سر خود را بپوشاند.

**مسئله:** اگر سر را بپوشاند، کفّاره‌ی آن یک گوسفند است.

هیجدهم پوشانیدن زن صورت خود را به نقاب و روبند و برقع است.

**مسئله:** پوشانیدن صورت به هر چیزی که باشد جائز نیست.

**مسئله:** بعضی از صورت در حکم تمام آن است و نباید آن را بپوشاند.

**مسئله:** اگر دستهای خود را روی صورت بگذارد مانع ندارد.

**مسئله:** اگر صورت خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد مانع ندارد.

**مسئله:** در نقاب انداختن و پوشانیدن صورت به هر نحو که باشد کفّاره لازم نیست.

نوزدهم قرار دادن مرد سایه‌ای بالای سر خود می‌باشد.

**مسئله:** سایه قرار دادن برای مردان در حال رفتن به سوی مکه جائز نیست ولی اگر طی منزل و راه را نمی‌کنند اشکال ندارد بنابراین نشستن در ماشین و یا چتر روی سر نگه داشتن در وقتی که به سوی مکه در عمره می‌رود و یا از مکه در اعمال حج به عرفات می‌رود حرام است و کفّاره دارد مگر در صورت اضطرار مثل آنکه ماشین سر باز در عمره یافت نشود و یا ضرر جانی داشته باشد.

**مسئله:** زیر سایه رفتن در وقت رفتن به مقصد برای عذری مثل شدت گرما یا شدت سرما یا بارندگی جائز است، لکن باید کفّاره بدهد.

**مسئله:** کفّاره‌ی سایه قرار دادن در حال رفتن به مقصد، یک گوسفند است چه با عذر باشد چه با اختیار.

**مسئله:** در احرام عمره و حج، هر چند بیش از یک مرتبه زیر سایه رفته باشد یک گوسفند کفّاره است.

**مسئله:** کسی که احرام بسته، می‌تواند در شب زیر سایه به طرف



مقصد برود.

بیستم بیرون آوردن خون از بدن خود حرام است ولو کم باشد.

**مسئله:** خون از بدن در آوردن کفّاره ندارد ولی حرام است.

بیست و یکم ناخن گرفتن است.

**مسئله:** جائز نیست قسمتی از ناخن را هم بگیرد مگر آنکه موجب

اذیت او شود، مثل آنکه بعضی از آن افتاده باشد و بعضی دیگر موجب آزار او گردد.

**مسئله:** اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد یک مد طعام باید کفّاره

بدهد و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده باید یک مد طعام بدهد و همچنین در ناخنهای پا است.

**مسئله:** اگر تمام ناخن دستها و پاها را در یک مجلس بگیرد یک

گوسفند کفّاره‌ی آن است.

**مسئله:** اگر ناخن دستها را تماماً بگیرد در یک مجلس یا چند مجلس

و در محلّ دیگر یا چند محلّ دیگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند کفّاره دارد.

**مسئله:** اگر تمام ناخن دستها را بگیرد و ناخن پاها را کمتر از ده

ناخن بگیرد یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخنهای پا

یک مد طعام باید بدهد و همچنین اگر ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دستها را کمتر از ده انگشت بگیرد.

بیست و دوّم کندن دندان است هر چند خون نیاید احتیاط آن است که یک گوسفند کفّاره بدهد.

بیست و سوّم کندن یا بریدن درخت یا گیاهی که در حرم روئیده باشد.

بیست و چهارم حمل کردن اسلحه مثل شمشیر و نیزه و تفنگ و هر چیزی که از آلات جنگ باشد مگر برای ضرورت.

## «مستحبات دخول به حرم»

۱ - مستحب است وقتی انسان به حرم می‌رسد، پیاده شده و برای دخول به حرم غسل نماید.

۲ - از برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا یا برهنه شده و کفش خود را در دست گرفته داخل حرم شود و این عمل، ثواب زیادی دارد.

۳ - در وقت وارد شدن در حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ  
يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ  
أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ فَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا  
لِنِدَائِكَ وَ مُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لَا مُرِكَ وَ كُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَ  
إِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ  
وَ الْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَ الْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي وَ التَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا  
بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنِي عَلَيَّ النَّارِ وَ آمِنِّي  
مِنْ عَذَابِكَ وَ عِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». این دعا هم برای  
حج و هم برای عمره‌ی مفرده خوانده می‌شود.

## «آداب دخول به مسجدالحرام»

مستحب است مکلف برای دخول به مسجدالحرام غسل نماید و همچنین مستحب است با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد شود و مستحب است بر درب مسجدالحرام ایستاده، بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ  
مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ  
السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

پس داخل مسجدالحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ  
تَوْبَتِي وَ أَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً  
لِلنَّاسِ وَ أَمْنَا مُبَارَكَا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدَ بَلَدُكَ وَ  
الْبَيْتَ بَيْتِكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُّ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لَا مِرْكَ رَاضِياً  
بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي

أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب می کند به سوی کعبه و می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ  
وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد بگوید:

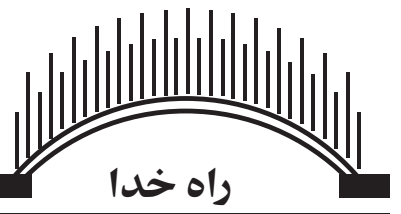
«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ  
بِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يَدْعِي مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ  
سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ  
اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَخْشَى وَ أَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ  
وَ لَهُ الْحَمْدُ يَحْيَى وَ يَمِيتُ وَ يَحْيَى وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ  
وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ  
عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ  
آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ  
كِتَابَكَ».

## «احکام طواف»

انسان مهذب اگر در طواف با چشم دل نگاه کند خود را در جائی که روزی «پیغمبر اکرم» ﷺ می رفته می بیند قدمها را در جائی که «فاطمه‌ی زهراء» و «ائمّه‌ی هدی» علیها السلام قدم گذاشته‌اند می‌گذارد. اگر کسی با چشم معرفت نگاه کند و به ملکوت کعبه متوجّه باشد به خوبی می‌یابد از آن روزی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیها السلام در آن متولّد شد روح و ملکوت کعبه امام علیها السلام است و امام هر زمانی در آن زمان ملکوت کعبه است و لذا طواف و قبله در حقیقت همان حول امام گردش کردن و او را در نماز بلکه در تمام عبادات مقدّم انداختن و به سوی او رفتن است، و لذا اگر کسی امام زمان خود را در عبادات منظور نکند و او را صراط مستقیم نداند و به او اقتداء نکند و موبمو دستورات او را عمل نکند حج و عمره و طواف و سائر عباداتش صحیح نیست و باطل است. بنابراین اوّل کاری که باید یک حاجی بکند اعمال حجّش را طبق دستور امام زمانش باید انجام دهد؛ روح و فکرش او را طواف کند و بدنش کعبه را طواف نماید و امروز فتاوای مراجع تقلید که جامع شرائط باشند همان پیروی از «امام زمان» علیها السلام است.



**مسئله:** کسی که به احرام عمره مُحرم گردید و وارد مسجدالحرام شد  
اوّل چیزی که از اعمال عمره بر او واجب است طواف به دور خانه‌ی  
کعبه است.

**مسئله:** طواف هفت مرتبه دور خانه‌ی کعبه گردیدن است، که هر  
دور آن را «شوط» می‌گویند، پس طواف عبارت از هفت شوط است.

**مسئله:** طواف از ارکان عمره است و کسی که آن را از روی عمد  
ترک کند عمره‌ی او باطل است چه عالم به مسئله باشد و یا نباشد.

### «واجبات طواف»

شرائط طواف پنج چیز است:

**اوّل:** نیت یعنی باید طواف را برای خدا بجا آورد و لازم نیست به  
زبان بیاورد.

**مسئله:** ریا در حین عمل طواف مبطل طواف است ولی بعد از عمل  
و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، باعث بطلان عمل نمی‌شود.

**دوم:** باید ظاهر از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و از  
حدث اصغر یعنی با وضو باشد.

**مسئله:** اگر در اثنای طواف حدثی از او سر بزند اگر پس از تمام شدن

دور چهارم است باید طواف را قطع کند و وضو بگیرد و از همان جا که طواف را قطع کرده بقیه را تمام کند. و اگر قبل از تمام شدن دور چهارم است واجب است که پس از وضو گرفتن طواف را اعاده کند.

**سوم:** باید بدن و لباس از نجاست پاک باشد.

**مسئله:** اگر در بین طواف بدن و یا لباس او نجس شود باید دست از طواف بردارد و جامه یا بدن خود را تطهیر کند و بقیه‌ی طواف را از همانجا تمام کند.

**چهارم:** ستر عورت است و باید ساتر مباح باشد و اگر غصبی باشد طواف صحیح نیست.

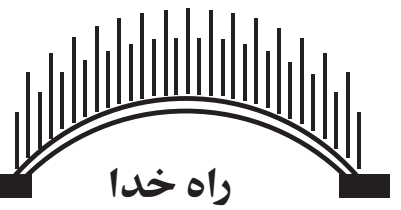
**مسئله:** احتیاط واجب آن است که مراعات موالات عرفیه را در طواف بکند، یعنی طواف را آن قدر طول ندهد که از صورت طواف‌کننده خارج شود.

**پنجم:** آنکه ابتداء طواف او از حجرالاسود باشد و ختم آن هم به حجرالاسود باشد.

**ششم:** آنکه خانه‌ی کعبه در طرف چپ طواف‌کننده باشد.

**مسئله:** لازم نیست شانه‌ی چپ حقیقتاً به طرف کعبه باشد بلکه همین مقدار که عرفاً بگویند خانه‌ی کعبه در طرف چپ قرار گرفته کافی است.





**مسئله:** اگر به واسطه‌ی کثرت جمعیت، انسان را بدون اختیار خود، ببرند کفایت نمی‌کند و باید آن دور را از سر بگیرد، اگر چه خانه هم طرف چپ او بوده باشد.

**مسئله:** در طواف کردن هر طور طواف کند مانعی ندارد یعنی می‌تواند آهسته و یا تند برود و حتی می‌تواند بدود و یا سوار بر چیزی طواف کند.

**هفتم:** باید حجر اسماعیل عليه السلام را در طواف قرار بدهد و از خارج حجر اسماعیل طواف کند.

**مسئله:** اگر دور حجر اسماعیل نگردید و از داخل آن طواف کرد طوافش باطل است و باید طواف را اعاده کند.

**هشتم:** باید طواف در دور خانه‌ی کعبه از دوازده متر تجاوز نکند یعنی طواف‌کننده بیشتر از دوازده متر نمی‌تواند از خانه‌ی کعبه دور شود مگر در حال اضطرار و فشار جمعیت که در این صورت مانعی ندارد.

**نهم:** نباید طواف‌کننده از روی برآمدگی اطراف خانه‌ی کعبه که وصل به کعبه است طواف کند.

**دهم:** آنکه هفت دفعه بدون کم و زیاد دور بزنند.

**مسئله:** واجب نیست در حال طواف روی طواف‌کننده به طرف جلو باشد بلکه جائز است به یمین و یسار نگاه کند و صفحه‌ی صورت را

برگرداند، بلکه به عقب نگاه کند و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را بیوسد و برگردد از همانجا اتمام کند.

**مسئله:** جائز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند یا دراز بکشد و بعد از همان جا اتمام کند، ولی نباید آنقدر طول دهد که موالات عرفیه بهم بخورد.

**مسئله:** اگر حاجی پول خمس نداده همراه داشته باشد طوافش باطل است.

## «آداب و مستحبات طواف»

در حال طواف مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظُلَلِ الْمَاءِ كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَقْبَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ إِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد بخصوص وقتی که به در

خانه‌ی کعبه می‌رسد. و بخواند این دعا را:

«سَأَلْتُكَ فَقِيرٌ مِسْكِينٌ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتِكَ وَ الْحَرَمُ حَرَمُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ

بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتَقْنِي وَ وَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ  
النَّارِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ».

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید رو به ناودان و سر را بلند کند و  
بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ  
وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادَّرْ أَعْيُنِي شَرًّا فَسَقَةَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ  
شَرًّا فَسَقَةَ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَ الْكِرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ  
لِي وَ تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَ الْمُنْعِمُ  
بِالْعَافِيَةِ وَ الْمَنَّانُ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا  
رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا  
الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ  
الرَّاحِمِينَ».

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:



«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجرالاسود برسد بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و در شوط هفتم وقتی که به مستجار رسید مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرَّوْحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ اغْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

و آنچه خواهد دعا کند و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجرالاسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي».

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه‌ی کعبه و

حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر، بگوید:

«أَمَانَتِي أَدِّيْتُهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

### «نماز طواف»

واجب است بعد از تمام شدن طواف دو رکعت نماز بخواند مثل نماز صبح.

**مسئله:** می تواند نماز طواف را با هر سوره‌ای که می خواهد بخواند مگر سوره‌های سجده و بهتر این است در رکعت اول بعد از «حمد» سوره‌ی «قل هو الله احد» را بخواند و در رکعت دوم سوره‌ی «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

**مسئله:** جائز است نماز طواف را بلند بخواند مثل نماز صبح یا آهسته مثل نماز ظهر.

**مسئله:** شک در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و باید اعاده کند.

**مسئله:** واجب است که این نماز، نزد مقام ابراهیم واقع شود. و احتیاط واجب آن است که پشت مقام بجا آورد. و بهتر آن است که هر چه ممکن باشد نزدیکتر بایستد، لکن نه بطوری که مزاحمت برای سایرین کند.



**مسئله:** جائز است نماز طواف مستحب را در هر جای مسجدالحرام که بخواهد بجا آورد.

**مسئله:** اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد در مقام ابراهیم بجا آورد.

**مسئله:** اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی صفا و مروه یادش بیاید از همان جا سعی را رها کند و برگردد و دو رکعت نماز را بخواند بعد از آن سعی را از همان جا تمام کند.

**مسئله:** شخصی که نماز را فراموش کرده و سایر اعمال را که بعد از نماز باید عمل کند عمل کرده اعاده‌ی آنها لازم نیست.

**مسئله:** اگر برگشتن به مسجدالحرام مشکل باشد از برای شخصی که نماز را فراموش کرده باید هر جا یادش آمد نماز را بجا آورد اگر چه در شهر دیگر باشد.

**مسئله:** اگر کسی نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد واجب است بر پسر بزرگ او که آن را قضا کند.

**مسئله:** جاهل به مسئله در همه‌ی مسائل مانند فراموش کننده است.

**مسئله:** اگر شخصی نتوانست قرائت یا ذکرهای واجب را یاد بگیرد باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش بجا آورد.

## «مستحبات نماز طواف»

در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره‌ی توحید و در رکعت دوم سوره‌ی کافرون را بخواند و پس از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند عالم فرج حضرت بقیه الله و حوائج خود را بخواهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يَحِبُّ وَ يَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي».

و در روایت دیگر است که بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَ طَاعَةَ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَحِبُّكَ وَ يَحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

و نیز در سجده بگوید:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعْبُدًا وَرِقًا لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا أَوَّلُ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيتِي بِيَدِكَ فَاعْفِرْ لِي»



إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفِرْ لِي فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

### «احکام سعی»

یک فرد مسلمان باید بداند که در سعی صفا و مروه چه می‌کند و برای چه خود را به زحمت انداخته است. حضرت هاجر وقتی اسماعیلش را تشنه دید بین این دو کوه سعی کرد که شاید آبی برای او به دست آورد. تو هم ای سالک الی الله باید خودت و اهلت را تشنه‌ی ولایت بدانی و برای بدست آوردن آب ولایت این سعی را بکنی که خدای تعالی فرموده: «و من الماء کلّ شیء حی» یعنی حیات مملکی هر چیز به آب است ولی حیات ملکوتی همه‌ی اشیاء به آب ولایت است. اگر ولایت نباشد روح انسان نمی‌تواند دارای حیات واقعی باشد پس سعی کن تا آنچنان که خدای تعالی به حضرت هاجر و فرزندش و بلکه به همه‌ی حجّاج آب زمزم عنایت کرد تو هم بتوانی برای خودت و لااقل فرزندانت آب ولایت و معرفت نسبت به امام زمانت پیدا کنی.

**مسئله:** واجب است بعد از بجا آوردن نماز طواف سعی بین صفا و مروه که دو کوه معروفند، بکند.

**مسئله:** مراد از سعی، آن است که از کوه صفا برود به مروه و از مروه

برگردد به صفا.

**مسئله:** واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد که به هر مرتبه «شوط» گویند، به این معنی که از صفا به مروه یک شوط است و از مروه به صفا نیز یک شوط می باشد.

**مسئله:** واجب است سعی را از صفا شروع کند و به مروه ختم نماید.

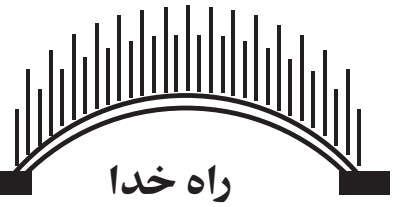
**مسئله:** در سعی بین صفا و مروه می تواند سواره و بر روی محمل و روی کالسکه چه در حال اختیار و چه با عذر سعی کند.

**مسئله:** طهارت از حدث و خبث در سعی واجب نیست.

**مسئله:** اگر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد از هر طبقه جائز است سعی کند.

**مسئله:** واجب است در وقت رفتن به طرف مروه متوجه به آنجا و وقت رفتن به صفا متوجه به آن باشد، پس اگر عقب عقب برود یا پهلو را به طرف صفا یا مروه کند و برود باطل است، لکن نگاه کردن به چپ و راست و بلکه به پشت سر اشکالی ندارد.

**مسئله:** جائز است به جهت استراحت و رفع خستگی، نشستن یا خوابیدن بر صفا یا مروه و همین طور جائز است نشستن یا خوابیدن بین آنها.



**مسئله:** سعی از عبادات است و باید آن را با نیت خالص برای فرمان  
خدای تعالی بجا بیاورد.

**مسئله:** سعی مثل طواف از ارکان است و ترک آن از روی عمد یا  
سهو حج و یا عمره را باطل می‌کند.

### «مستحبات سعی»

**مسئله:** مستحب است بعد از نماز طواف و قبل از سعی از آب زمزم  
بیشامد و به سر و پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ».

و در صفا قبل از شروع بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه.

و بعد سه مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ خَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يَحْيِي وَ

يَمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بعد سه مرتبه بگوید:  
«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ  
الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

و سه مرتبه نیز بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا  
إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

و باز سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».

و سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

سپس «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه.

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه.

«سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه بگوید.

سپس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ وَ حُدَّهُ أَنْجَزَ وَ عَدَّهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ غَلَبَ الْأَحْزَابَ

وَ حُدَّهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ

الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظِلَّنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

«أَسْتَوْدِعَ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَقَّفْنِي عَلَى مِلَّةِهِ وَ أَعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

سپس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ».

### «احکام تقصیر»

**مسئله:** واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر کند، یعنی قدری از ناخنها یا قدری از موی سر یا شارب یا ریش را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن نکند و از موی قدری بزند و تراشیدن سر در تقصیر حرام است.

**مسئله:** تقصیر نیز از عبادات است و باید با نیت پاک و قصد قربت انجام شود و اگر ریا کند موجب باطل شدن عمره اش می شود.

**مسئله:** بعد از آنکه انسان تقصیر کرد هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود مگر سر تراشیدن برای کسی که عمره ی تمتع انجام می دهد.

## «تبدیل حجّ تمتّع به افراد»

**مسئله:** اگر شخصی که احرام عمره بسته است بواسطه‌ی عذری نتوانست به موقع وارد مکه شود بطوری که اگر بخواهد عمره بجا بیاورد وقت وقوف به عرفات می‌گذرد یا خوف دارد که بگذرد، باید عدول کند به حجّ افراد و پس از بجا آوردن اعمال حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد.

**مسئله:** اگر زنی احرام ببندد وقتی به مکه وارد شد بواسطه‌ی حیض یا نفاس نتواند طواف بجا آورد و اگر بخواهد بماند تا پاک شود ترس آن را دارد که وقت وقوف به عرفات بگذرد باید حجّ افراد انجام دهد.

**مسئله:** اگر کسی بدون احرام وارد مکه شود و نبستن احرام بواسطه‌ی عذری بوده و وقت هم تنگ باشد باید در مکه احرام حجّ افراد ببندد و به دستور سابق عمل کند.

## «احکام احرام حج»

**مسئله:** واجب است بر مکلف که بعد از تمام شدن اعمال عمره‌ی تمتع برای حج تمتع احرام ببندد.

**مسئله:** نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد و ریا در آن موجب بطلان عمل می‌شود.

**مسئله:** کیفیت احرام بستن و لبیک گفتن همان نحوی است که در احرام عمره ذکر شد.

**مسئله:** تمام چیزهایی که در محرّمات احرام بیان شد در این احرام هم حرام است و آنچه کفّاره داشت در اینجا هم کفّاره دارد.

**مسئله:** وقت احرام موسّع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد می‌تواند احرام را تأخیر بیندازد و محلّ احرام حج، شهر مکه است.

## «مستحبات رفتن به عرفات»

اموری که در احرام عمره مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است و پس از اینکه شخص، احرام بست و از مکه بیرون آمد همین که به سرزمین ابطح برسد مستحب است به آواز بلند تلبیه بگوید و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود.

## «وقوف در عرفات»

**مسئله:** وقوف در عرفات واجب است و لازم است انسان از اوّل ظهر تا مغرب در عرفات بماند.

**مسئله:** مراد از «وقوف» بودن در آن مکان است چه سواره و چه پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن، به هر حال که باشد کافی است.

**مسئله:** اگر انسان در تمام وقت بیهوش یا خواب باشد، وقوف او باطل است.

**مسئله:** بودن در مجموع بعد از ظهر تا مغرب گرچه واجب است





چنانچه گذشت، لکن تمام آن رکن نیست که حج به ترک آن باطل شود، پس اگر مقدار کمی توقّف کند و برود. یا طرف عصر بیاید و توقّف کند حجّ او صحیح است اگر چه توقّف نکردن از روی عمد و علم باشد.

**مسئله:** آنچه در وقوف رکن است مسمّای وقوف است به این معنی که گفته شود قدری در عرفات بوده، هر چند خیلی کم باشد مثل یک دقیقه یا دو دقیقه، پس اگر هیچ به عرفات نرود رکن را ترک کرده.

**مسئله:** اگر از روی عمد و علم، وقوف در عرفات را بطور کلی ترک کند و حتی یک ساعت آن را در عرفات نباشد حجّش باطل است.

**مسئله:** اگر کسی عمداً قبل از غروب از عرفات بیرون رود و برنگردد کفّاره‌ی آن یک شتر است که باید در راه خدا قربانی کند.

### «مستحبات وقوف در عرفات»

- ۱- با طهارت بودن در حال وقوف.
- ۲- غسل نمودن و بهتر آن است که غسل را نزدیک ظهر بکند.
- ۳- آنچه موجب تفرّق حواس است از خود دور سازد تا آنکه قلب او متوجّه جناب اقدس الهی گردد و به مظهر اتمّ پروردگار یعنی حضرت

بقية الله ﷺ که به احتمال قوی آن ساعات در عرفات وقوف فرموده باشند توجه داشته باشد و آن حضرت را واسطه‌ی فیض بداند و در طلب آن حضرت حرکت کند شاید کمال حجّش با ملاقات آن حضرت حاصل گردد. و بلکه فکر کند درباره‌ی اهمیت حج و فلسفه‌ی آن و بداند که همه‌ی این اعمال برای وحدت مسلمانها و مشکلات را با یکدیگر در میان گذاشتن و بزرگترین مشکل مسلمین نداشتن رهبر و امام معصوم و عالم به جمیع امور می‌باشد و لذا برای حصول این موضوع بسیار دعا کند.

۴- و از جبل الرحمة بالا نرود زیرا بالا رفتن به کوه در زمان وقوف مکروه است.

۵- در اوّل وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۶- قلب خود را به حضرت حق جلّ و علا متوجّه ساخته و حمد الهی و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را بجا آورد، پس از آن صد مرتبه؛ «الله اکبر» و صد مرتبه؛ سوره‌ی «توحید» را بخواند و آنچه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه برد و مقید باشد بیش از هر چیز برای فرج حضرت ولی عصر ﷺ دعا کند زیرا آن افضل اعمال است.

۷- اگر بتواند قلب خود را متوجّه مصائب «اهل بیت عصمت و

طهارت» ﷺ نماید، بخصوص به مصائب مظلومترین آنها حضرت ابوالفضل العباس که در جریان «حاج محمد علی فشندی» حضرت «بقیة الله» روحی فداه فرمودند: چون در خیمه‌ی شما روز عرفه روضه‌ی عمویم ابوالفضل خوانده می‌شود من به خیمه‌ی شما می‌آیم.

### «احکام وقوف در مشعرالحرام»

**مسئله:** بعد از آنکه از وقوف به عرفات در مغرب شب دهم فراغت حاصل شد، باید به مشعرالحرام که محلّ معروفی است و حدود معینی دارد، برود.

**مسئله:** احتیاط واجب آن است که شب دهم تا طلوع صبح برای اطاعت خدا در مشعرالحرام بسر ببرد و چون صبح طلوع کرد نیت وقوف به مشعرالحرام کند تا طلوع آفتاب و چون این وقوف، عبادت خداوند است باید با نیت خالص دور از ریاء و خودنمائی باشد و الاّ حجّ او در صورت ریا کردن باطل خواهد شد.

**مسئله:** واجب است از طلوع صبح تا کمی قبل از طلوع آفتاب در مشعر بمانند، لکن تمام آن رکن نیست بلکه رکن وقوف کمی از بین الطلوعین است اگر چه به قدر یک دقیقه باشد، پس اگر کسی وقوف بین الطلوعین را یکسره ترک کند، حجّ او باطل خواهد شد.

**مسئله:** جائز است برای کسانی که عذری دارند قدری که شب در مشعر توقف کردند به منی بروند مثل زنها و بچه‌ها و بیماران و پیرمردان و اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی آنها لازم است همراه باشند و احتیاط واجب آن است که قبل از نصف شب حرکت نکنند، بنابراین برای این اشخاص وقوف بین الطلوعین لازم نیست.

**مسئله:** برای وقوف به مشعر سه وقت است:

یکی شب عید برای کسانی که عذری دارند.

دوم بین طلوع صبح و طلوع آفتاب.

سوم از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است.

### «مستحبات وقوف در مشعر الحرام»

بدانکه مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مشعر الحرام متوجه شده و استغفار نماید و امام زمان خود را فراموش نکند و تصور کند که آن حضرت هم در مشعر در آن شب در یک گوشه‌ای از این صحراء وقوف فرموده‌اند که اگر با این توجه او وقوف کند احتمال آنکه در آن شب مورد لطف آن حضرت واقع شود خواهد بود.

و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی را بجا آورد و به هر مقداری که میسر باشد از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد آنگاه دعا نماید و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فُكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ اذْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مَدْعُودٍ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

## «واجبات منی»

و آن سه امر است:

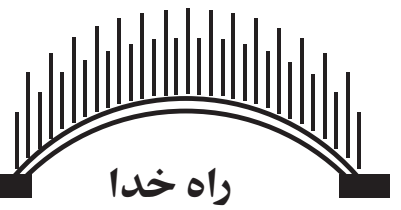
### اول: رمی جمره‌ی عقبه

رمی جمره‌ی عقبه یعنی ریگ انداختن به جمره که نام محلّی است در منی.

**مسئله:** شرط است در سنگی که می‌خواهد بیندازد به آن ریگ گفته شود و اگر آنقدر ریز باشد که ریگ به آن گفته نشود مثل «شن» و یا اگر خیلی بزرگ باشد مثل سنگ کافی نیست و اما اقسام سنگها حتی سنگ مرمر مانعی ندارد.

**مسئله:** شرط است که سنگها از حرم باشد و سنگ خارج حرم کافی نیست و در حرم از هر موضعی که مباح باشد می‌تواند بردارد مگر مسجدالحرام و مسجد خیف بلکه سایر مساجد بنا بر احوط و مستحب است از مشعر بردارد.

**مسئله:** شرط است که سنگها بکر باشند، یعنی آنها را کس دیگری به وجه صحیح در آن سال و سالهای قبل نینداخته باشد.



**مسئله:** شرط است که مباح باشد پس با سنگ غصبی یا آن چه که دیگری برای خودش حیازت کرده کافی نیست.

**مسئله:** وقت انداختن سنگ از طلوع آفتاب روز عید است تا غروب آن و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می تواند بجا آورد و اگر تا آن وقت متذکر نشد احتیاطاً در سال دیگر خودش یا نایش بیندازد.

**مسئله:** واجب است در انداختن سنگها چند امر:

اول: نیت، با قصد قربت باشد، ریا کردن و نمایش دادن، موجب بطلان می شود.

دوم: آنکه آنها را بیندازد، پس اگر برود نزدیک و با دست بگذارد به جمره، کافی نیست.

سوم: عدد سنگ ریزه ها باید هفت باشد.

چهارم: باید به تدریج یکی یکی عقب هم بیندازد و در این صورت اگر با هم به جمره بخورد مانع ندارد ولی اگر همه را یا چند عدد را با هم بیندازد کافی نیست اگر چه با هم به جمره نرسد و دنبال هم برسد.

**مسئله:** اگر شک کند که سنگ را دیگری استعمال کرده یا نه به شکش اعتنا نکند.

**مسئله:** اگر سنگی را که در حرم است احتمال بدهد از خارج

آورده‌اند اعتنا نکند.

**مسئله:** از بچه‌ها و مریضها و کسانی که نمی‌توانند بواسطه‌ی عذری مثل اغماء خودشان رمی کنند، کسی دیگر نیابت کند.

### «دوم از واجبات منی ذبح است»

**مسئله:** واجب است بر کسی که حجّ تمتّع بجای می‌آورد ذبح یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند و شتر افضل است و پس از آن گاو، بعد گوسفند.

**مسئله:** در هدی چند چیز معتبر است و باید مراعات شود:

**اول:** آنکه اگر شتر باشد سنّ آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در شش سال شده باشد و اگر گاو است کمتر از دو سال نباشد و داخل در سه سال شده باشد و همچنین در «بز» کمتر از سنّ گاو نباشد و در گوسفند کمتر از یک سال نباشد و داخل در سال دوم شده باشد.

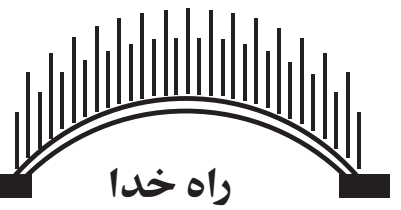
**دوم:** باید سالم باشد و حیوان مریض کافی نیست.

**سوم:** باید خیلی پیر نباشد.

**چهارم:** باید ناقص نباشد.

**پنجم:** باید خیلی لاغر نباشد.





**ششم:** باید «خصی» نباشد، یعنی باید خصیتین آن را بیرون نیاورده باشند.

**هفتم:** باید بیضه‌ی آن را نکوبیده باشند به احتیاط واجب.

**مسئله:** جائز است که ذبح را کسی دیگر به نیابت انجام دهد و نیت را نائب کند و احتیاطاً خود شخص هم نیت کند.

**مسئله:** اگر قادر نباشد بر ذبح باید سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج، روزه بگیرد.

**مسئله:** مراد از اینکه قادر بر ذبح نباشد آن است که نه قربانی را داشته باشد و نه پولش را.

**مسئله:** باید این سه روز دنبال هم باشند و بعد از دوازدهم ذیحجه الحرام باشد.

**مسئله:** این سه روز را در سفر می‌تواند روزه بگیرد و لازم نیست در مکه قصد اقامت کند و اگر برای ماندن سه روز در مکه مهلت ندارد بین راه می‌تواند روزه را بگیرد.

**مسئله:** اگر سه روز روزه را گرفت و بعد از آن متمکن شد از هدی لازم نیست ذبح کند لکن اگر قبل از تمام شدن سه روز متمکن شد باید ذبح کند.

**مسئله:** اگر این سه روز روزه را نگرفت تا ماه ذی‌الحجه تمام شد باید هدی را خودش یا نایش در منی ذبح کند و روزه فایده ندارد.

**مسئله:** باید این سه روز روزه را بعد از احرام به عمره بجا آورد و قبل از آن نمی‌تواند.

**مسئله:** هفت روز بقیه را باید بعد از مراجعت از سفر حج، روزه بگیرد.

**مسئله:** جائز نیست این هفت روز را در مکه یا در راه روزه بگیرد.

### «سوم از واجبات منی تقصیر است»

**مسئله:** هر مکلفی مختار است که بعد از ذبح کردن، یا سر تراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند مگر دو دسته:

**اول:** زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند.

**دوم:** کسی که سال اول حج او باشد، که باید سر تراشد.

**مسئله:** سر تراشیدن و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص از ریا و برای اطاعت خداوند باشد و بدون آن صحیح نیست و آنچه باید به آن حلال شود حلال نمی‌شود.

**مسئله:** محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن، منی است و جائز نیست



اختیاراً در غیر آنجا.

**مسئله:** احتیاط آن است که در روز عید باشد اگر چه بعید نیست جواز تأخیر تا آخر ایام تشریق.

**مسئله:** اگر کسی سر نتراشید و تقصیر نکرد در منی و از آنجا کوچ کرد باید مراجعت کند و عمل را انجام دهد و فرقی نیست در این حکم بین کسی که عمداً ترک کرده یا نسیاناً و سهواً یا بواسطه‌ی مسئله ندانستن.

**مسئله:** اگر برای این شخص ممکن نشود برگشتن به منی هر جا که هست سر بتراشد یا تقصیر کند و موی خود را بفرستد به منی در صورت امکان و مستحب است که مو را در منی دفن کند در محلّ خیمه‌ی خود.

**مسئله:** جائز نیست طواف حج بکند قبل از تقصیر یا سر تراشی.

**مسئله:** بعد از آنکه مُحرمی که وظیفه‌اش سر تراشیدن بود سر تراشید، یا تقصیر کردن بود تقصیر کرد حلال می‌شود بر او تمام چیزهایی که حرام شده بواسطه‌ی احرام حج، مگر زن و بوی خوش و صید.

**مسئله:** اگر قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، بنابر احتیاط نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند بلکه ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مترتبه بر آن را باید مراعات کند علی‌الاحوط.

واجب است بعد از تمام شدن اعمال منی که سه چیز بود مراجعت به مکه، برای اعمالی که در آنجا واجب است.

جائز است بلکه مستحب است روز عید که از اعمال منی فارغ شد به مکه بیاید برای بقیه‌ی اعمال حج و جائز است تأخیر بیندازد تا روز یازدهم و بلکه تا بعد از دوازدهم.

اعمالی که در مکه واجب است بجا بیآورد چند چیز است:

**اول:** طواف حج است که آن را طواف زیارت می‌گویند.

**دوم:** نماز طواف است.

**سوم:** سعی بین صفا و مروه است.

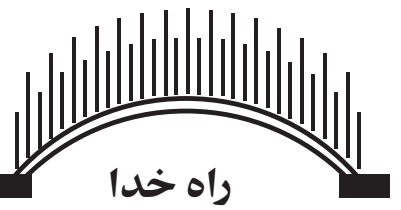
**چهارم:** طواف نساء است.

**پنجم:** نماز طواف نساء است.

و کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن به همان نحو است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت بدون هیچ تفاوت مگر در نیت که اینجا باید به نیت طواف حج و سعی آن و طواف نساء بجا آورد.

**مسئله:** جائز نیست طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز

آن را قبل از رفتن به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال



سه گانه‌ی منی بجا آورد در حال اختیار.

**مسئله:** چند طایفه‌اند که برای آنها جائز است طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آنکه مُحَرَّم به احرام حج شدند قبل از رفتن به عرفات بجا آورند و عمل آنها مجزی است:

**اوّل:** زنهایی که ترس آن دارند که در برگشتن حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند.

**دوّم:** پیرمردها یا پیرزنهایی که عاجز باشند از طواف در موقع مراجعت برای زیادی جمعیت یا عاجز از برگشتن به مکه باشند.

**سوّم:** اشخاص مریضی که بترسند در وقت ازدحام طواف کنند یا عاجز باشند از آن.

**چهارم:** کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی‌الحجّه به جهتی برای آنها ممکن نمی‌شود طواف و سعی کنند.

**مسئله:** اگر کسی طواف را چه طواف عمره یا طواف زیارت از روی جهل به مسئله بجا نیاورد و به محلّ خود برگردد باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی کند.

## « احکام بیتوته در منی »

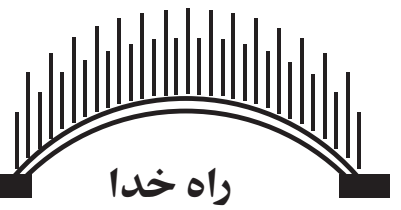
**مسئله:** واجب است بر حاجی ، که شب یازدهم ذی الحجّه و شب دوازدهم را در منی بیتوته کند، یعنی در آنجا بماند از غروب آفتاب تا نصف شب.

**مسئله:** چند دسته باید در شب سیزدهم نیز تا نصف شب بمانند:

**اول:** کسی که صید کرده است در احرام و احتیاط واجب آن است که اگر صید را گرفته باشد و نکشته باشد شب سیزدهم را بماند، لکن غیر از صید کردن چیزهای دیگر که از صید بر مُحرم حرام است مثل خوردن گوشت صید و نشان دادن صید به صیاد و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نیست بیتوته‌ی شب سیزدهم.

**دوم:** کسی که نزدیکی با زن کرده در احرام چه در قُبُل و چه در دُبُر و چه با زن خود یا اجنبیه. ولی غیر از جماع کارهای دیگر مثل بوسیدن و لمس و غیر آن را اگر اجتناب نکرده واجب نمی‌شود بیتوته‌ی شب سیزدهم.

**سوم:** کسی که در روز دوازدهم کوچ نکرد از منی و غروب شب سیزدهم را درک کرد.



**مسئله:** چند طایفه‌اند که واجب نیست در شبهای یازده و دوازده و سیزدهم در منی بمانند:

**اول:** بیماران و پرستاران آنها و دیگر کسانی که برای آنها مشقت داشته باشد مانند به هر عذری که باشد.

**دوم:** کسانی که ترس آن دارند که اگر شب را بمانند مال آنها در مکه از بین می‌رود به شرطی که مال مُعْتَدُّ به باشد.

**سوم:** شبانهائی که احتیاج دارد حیوانات آنها به چرانیدن در شب.

**چهارم:** کسانی که متکفل آب دادن به حجّاج هستند در مکه.

**پنجم:** کسانی که شب را در مکه بیدار باشند و به عبادت مشغول باشند تا صبح و کار دیگر جز آن نکنند مگر کارهای ضروری از قبیل خوردن و آشامیدن به قدر احتیاج و تجدید وضو.

**مسئله:** اگر حاجی صبح دوازدهم به مکه بیاید واجب نیست برای نَفَر، بعد از ظهر به منی برگردد گرچه رفتن او به مکه قبل از ظهر جایز نیست.

## «احکام رمی جمرات»

**مسئله:** شبهائی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز آنها رمی جمرات سه گانه کند، یعنی سنگ ریزه بزند به سه محل که یکی را جمره‌ی اولی و یکی را جمره‌ی وسطی و یکی را جمره‌ی عقبه گویند، ولی اگر عمداً همه‌ی آن را ترک کند به حج او ضرر نمی‌رساند و حج صحیح است اگر چه در صورت عمد معصیت کرده است.

**مسئله:** اشخاصی که باید شب سیزدهم را در منی بمانند واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

**مسئله:** عدد سنگ ریزه که باید به جمره بزند برای هر یک در هر روزی باید هفت عدد باشد و کیفیت انداختن و شرائط و واجبات آن به همان نحو است که سابقاً در جمره‌ی عقبی گفته شد.

**مسئله:** وقت انداختن سنگ از اوّل طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب آن روز را بیتوته کرده است و در شب جائز نیست بجا آورد.

**مسئله:** اگر کسی عذری داشته باشد از اینکه روز بجا آورد، مثل شبان و مریض و علیل و کسی که ترس داشته باشد از چیزی مثل تراحم



جمعیت، جائز است شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

**مسئله:** زنها و مراقبین آنها و افراد ضعیفی که مجازند بعد از نصف شب از مشعرالحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند می توانند شب رمی کنند بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

**مسئله:** در طبقه‌ی دوّم جمرات رمی جایز است و لازم نیست در طبقه‌ی اوّل رمی نمایند.

**مسئله:** کسانی که عذر دارند از اینکه روز عید رمی کنند می توانند شب قبل از آن یا شب بعد از آن رمی کنند و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند می توانند بعد از رمی به جای روز عید، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.

## فهرست

صفحه	موضوع
۵ .....	«مقدمه»
۵ .....	اوّل: مسائل اخلاقی و اجتماعی عمره و حج.
۵ .....	دوّم: معرفّی و آداب اماکن مقدّسه ی مکّه و مدینه.
۵ .....	سوّم: مسائل عمره و احکام حج.
۶ .....	«پیشگفتار»

## بخش اول:

### «مسائل اخلاقی و اجتماعی عمره و حج».

- قسمت اول: «احرام چیست؟» ..... ۱۱
- اوّل: لباس احرام ..... ۱۱
- «شرائط لباس احرام» ..... ۱۳
- دوّم: «نیت خود را خالص قرار دهد» ..... ۱۴
- سوّم: «گفتن لبیک است» ..... ۱۵
- «دعوت نامه الهی» ..... ۲۴
- «لباس تقوی چیست؟» ..... ۲۴
- «مثالی برای راه‌یابی» ..... ۲۸
- قسمت دوم: «آداب معاشرت در سفر» ..... ۳۱
- یکم: «انتخاب دوستان خوب» ..... ۳۲
- دوّم: «سوء ظن به همسفران نداشته باشید» ..... ۳۳

- سوم: «نام همسفران را به خاطر بسپارید» ..... ۳۵
- چهارم: «کمک کردن به همسفران» ..... ۳۵
- پنجم: «با همسفران لبانی متبسم داشته باشید» ..... ۳۶
- ششم: «با همسفران نیکو سخن بگوئید» ..... ۳۸
- هفتم: «در مقابل همسفران تواضع کنید» ..... ۳۹
- هشتم: «با همسفران وفای به عهد کنید» ..... ۳۹
- نهم: «با همسفران عدالت اجتماعی را رعایت کنید» ..... ۴۰
- دهم: «شرائط امر به معروف را رعایت کنید» ..... ۴۲
- یازدهم: «منت نگذارید» ..... ۴۳
- دوازدهم: «عفو و اغماض داشته باشید» ..... ۴۴
- سیزدهم: «جاه طلبی نکنید» ..... ۴۵
- چهاردهم: «در مسافرت سخی باشید» ..... ۴۶
- پانزدهم: «با خوبان همسفر شوید» ..... ۴۷
- شانزدهم: «با همسفران همدردی کنید» ..... ۴۸
- هفدهم: «دوستان همسفر را مسرور کنید» ..... ۵۰
- هجدهم: «نظافت را رعایت کنید» ..... ۵۰
- نوزدهم: «با همسفران در کارها مشورت کنید» ..... ۵۱
- بیستم: «مزاح در سفر مستحب است» ..... ۵۳

- بیست و یکم: «اصلاح ذات البین کنید» ..... ۵۴
- قسمت سوم: «چگونه با مردم دنیا برخورد کنیم؟» ..... ۵۵
- ۱ - «جا باز کنید و محبت نمایند» ..... ۵۵
- ۲ - «با عجله به نماز جماعت بروید» ..... ۵۶
- ۳ - «مهربانی و خوش خلقی کنید» ..... ۵۶
- ۴ - «سلام نماز را بلند بگوئید» ..... ۵۷
- ۵ - «اتهام به شرک» ..... ۵۸
- ۶ - «احترام مساجد» ..... ۵۸
- ۷ - «احترام به قرآن» ..... ۶۰
- قسمت چهارم: «معاشرت با وهابیهها» ..... ۶۱
- ۱ - «احترام به قبور پیشوایان» ..... ۶۲
- ۲ - «نماز در قبرستان» ..... ۶۳
- ۳ - «نماز بعد از عصر» ..... ۶۳
- ۴ - «ورود زنها به قبرستان» ..... ۶۴
- ۵ - «ریختن پول در ضریح» ..... ۶۴
- ۶ - «تبرک از غبار ضریح» ..... ۶۵
- قسمت پنجم: «بعد معنوی حج» ..... ۶۶

## بخش دوم:

### معرفی و آداب اماکن مقدّسه ی مکه و مدینه.

- قسمت اول: «مسجد النبی و قبرستان بقیع» ..... ۷۵
- اول: (آداب مسجد النبی) ..... ۷۵
- «اذن دخول حرم مطهر پیغمبر اکرم ﷺ» ..... ۷۷
- زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت اول) ..... ۷۸
- زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت دوّم) ..... ۸۱
- زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت سوّم) ..... ۸۳
- زیارت رسول اکرم ﷺ (زیارت چهارم) ..... ۸۴
- دوّم: (خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام) ..... ۸۸
- زیارت حضرت زهرا علیها السلام (زیارت اول) ..... ۸۸
- زیارت حضرت زهرا علیها السلام (زیارت دوم) ..... ۹۰

- ۹۰ ..... سوّم: «قبرستان بقیع»
- ۹۱ ..... «اذن دخول قبرستان بقیع»
- ۹۳ ..... زیارت ائمه بقیع (زیارت اول)
- ۹۵ ..... زیارت ائمه بقیع (زیارت دوم)
- ۹۷ ..... «زیارت امام زین العابدین علیه السلام»
- ۹۸ ..... «زیارت امام باقر علیه السلام»
- ۹۹ ..... «زیارت امام صادق علیه السلام»
- ۱۰۰ ..... «صلوات بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام»
- ۱۰۱ ..... «صلوات بر امام زین العابدین علیه السلام»
- ۱۰۲ ..... «صلوات بر امام باقر علیه السلام»
- ۱۰۲ ..... «صلوات بر امام صادق علیه السلام»
- ۱۰۳ .. چهارم: «زیارت حضرت ابراهیم و حضرت عباس علیهما السلام»
- ۱۰۳ ..... «زیارت حضرت ابراهیم فرزند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»
- ۱۰۵ ..... «زیارت عباس بن عبدالمطلب عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله»
- ۱۰۶ ..... پنجم: «زیارت حضرت ام البنین علیها السلام»
- ۱۰۶ ..... ششم: «زیارت حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام»
- ۱۰۸ ..... هفتم: «زیارت دختران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»
- ۱۰۹ ..... هشتم: «زیارت عمه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله»

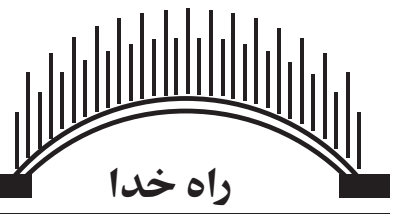
- نهم: «زیارت برادران امیر المؤمنین علیهم السلام» ..... ۱۱۰
- دهم: «زیارت شهدای حرّه و شهدای اُحد» ..... ۱۱۰
- یازدهم: «زیارت مادر رضائی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» ..... ۱۱۱
- دوازدهم: «زیارت حضرت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام» ..... ۱۱۱
- سیزدهم: «زیارت اصحاب و تابعین و سایر مؤمنین» ..... ۱۱۲
- قسمت دوم: «سائر اماکن مقدسه مکه و مدینه» ..... ۱۱۳
- اول: «مسجد قبا» ..... ۱۱۳
- دوم: «مسجد فُضیح یا ردّ الشمس» ..... ۱۱۴
- سوم: «مشربه ام ابراهیم» ..... ۱۱۴
- چهارم: «مساجد سبعه» ..... ۱۱۴
- پنجم: «مسجد غمامه» ..... ۱۱۵
- ششم: «مسجد علی بن ابیطالب علیه السلام» ..... ۱۱۵
- هفتم: «مسجد اجابت» ..... ۱۱۶
- هشتم: «مرقد مطهر حضرت عبدالله پدر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» ..... ۱۱۶
- نهم: «قبور شهدای اُحد» ..... ۱۱۷
- «زیارت حضرت حمزه علیه السلام در اُحد» ..... ۱۱۷
- «زیارت قبور شهداء اُحد» ..... ۱۲۰
- دهم: «محل دفن دندان‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله» ..... ۱۲۱





- ۱۲۱ یازدهم: «قبر جناب عبیده بن حارث بن عبدالمطلب علیه السلام» .
- ۱۲۲ دوازدهم: «قبر حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه» .
- ۱۲۳ سیزدهم: «قبر شهدای بدر» .
- ۱۲۳ چهاردهم: «قبر حضرت حوّا علیها السلام» .
- ۱۲۳ پانزدهم: «قبر حضرت عبد الله ابن عباس» .
- ۱۲۴ شانزدهم: «قبر شهدای فح» .
- ۱۲۴ هفدهم: «قبرستان ابوطالب» .
- ۱۲۵ هجدهم: «قبر حضرت خدیجه علیها السلام» .
- ۱۲۶ نوزدهم: «قبر حضرت قاسم پسر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله» .
- ۱۲۷ بیستم: «قبر حضرت آمنه مادر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله» .
- ۱۲۸ بیست و یکم: «قبر حضرت عبدمناف جدّ رسول اکرم صلی الله علیه و آله» .
- بیست و دوم: «قبر حضرت عبدالمطلب جدّ رسول اکرم صلی الله علیه و آله» .
- ۱۲۸ بیست و سوم: «مسجد جن» .
- ۱۳۰ بیست و چهارم: «خانه و زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله» .
- ۱۳۱ بیست و پنجم: «زادگاه حضرت علی علیه السلام» .
- ۱۳۲ بیست و ششم: «مسجد اختفاء» .
- ۱۳۲ بیست و هفتم: «مسجد خیف» .

- بیست و هشتم: «مسجد نحر» ..... ۱۳۲
- بیست و نهم: «مسجد کوثر» ..... ۱۳۲
- سی ام: «غار حرا» ..... ۱۳۳
- سی و یکم: «غار ثور» ..... ۱۳۳
- سی و دوم: «کوه ابوقیس» ..... ۱۳۴



### بخش سوم:

### «مسائل عمره و احکام حج».

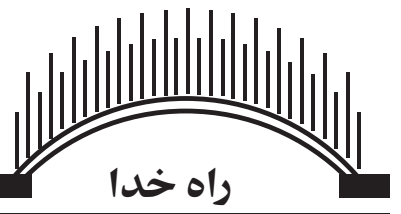
- «عمره ی مفرده» ..... ۱۳۶
- «شرائط و جوب حج و یا عمره» ..... ۱۴۳
- ۱ و ۲ بلوغ و عقل ..... ۱۴۳
- ۳ - استطاعت ..... ۱۴۴
- «نیابت در حج» ..... ۱۵۰
- ۱ - بلوغ ..... ۱۵۰
- ۲ - عقل ..... ۱۵۰
- ۳ - ایمان ..... ۱۵۰
- ۴ - وثوق و اطمینان به انجام دادن اعمال به نحو صحیح ..... ۱۵۰
- ۵ - معرفت نائب به افعال و احکام حج ..... ۱۵۰
- ۶ - خود نائب حجّ واجبی در آن سال به گردش

- ۱۵۰ ..... نباشد.
- ۱۵۰ - ۷ - عذری برای بعضی از اعمال حج نداشته باشد. ....
- ۱۵۲ ..... «اقسام حج».
- ۱۵۴ ..... «صورت اجمالی اعمال عمره».
- ۱۵۴ ..... اوّل: احرام.
- ۱۵۴ ..... دوّم: طواف کعبه.
- ۱۵۴ ..... سوّم: نماز طواف.
- ۱۵۴ ..... چهارم: سعی بین صفا و مروه.
- ۱۵۴ ..... پنجم: تقصیر.
- ۱۵۴ ..... ششم: در عمره‌ی مفرده طواف نساء.
- ۱۵۵ ..... هفتم: نماز طواف نساء.
- ۱۵۵ ..... اوّل: احرام بستن در مکه.
- ۱۵۵ ..... دوّم: وقوف در عرفات.
- ۱۵۵ ..... سوّم: وقوف در مشعر الحرام.
- ۱۵۵ ..... چهارم: انداختن سنگریزه به جمره‌ی عقبه در منی.
- ۱۵۵ ..... پنجم: قربانی در منی.
- ۱۵۵ ..... ششم: تراشیدن سر یا تقصیر کردن در منی.
- ۱۵۵ ..... هفتم: طواف زیارت در مکه.



- هشتم: دو رکعت نماز طواف. ۱۵۵ .....
- نهم: سعی بین صفا و مروه. ۱۵۵ .....
- دهم: طواف نساء. ۱۵۵ .....
- یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء. ۱۵۵ .....
- دوازدهم: ماندن به منی. ۱۵۵ .....
- سیزدهم: در روز یازدهم و دوازدهم رمی جمرات. ۱۵۵ .....
- «معرفی میقاتها و احکام آن». ۱۵۶ .....
- «احکام احرام». ۱۵۹ .....
- «مستحبات احرام». ۱۶۳ .....
- «مکروهات احرام». ۱۶۶ .....
- «آنچه بر مُحرم حرام می شود». ۱۶۷ .....
- «مستحبات دخول به حرم». ۱۷۸ .....
- «آداب دخول به مسجدالحرام». ۱۷۹ .....
- «احکام طواف». ۱۸۱ .....
- «واجبات طواف». ۱۸۲ .....
- «آداب و مستحبات طواف». ۱۸۶ .....
- «نماز طواف». ۱۸۹ .....
- «مستحبات نماز طواف». ۱۹۱ .....

- ۱۹۲ ..... «احکام سعی»
- ۱۹۴ ..... «مستحبات سعی»
- ۱۹۶ ..... «احکام تقصیر»
- ۱۹۷ ..... «تبدیل حج تمتع به افراد»
- ۱۹۸ ..... «احکام إحرام حج»
- ۱۹۹ ..... «مستحبات رفتن به عرفات»
- ۱۹۹ ..... «وقوف در عرفات»
- ۲۰۰ ..... «مستحبات وقوف در عرفات»
- ۲۰۲ ..... «احکام وقوف در مشعرالحرام»
- ۲۰۳ ..... «مستحبات وقوف در مشعرالحرام»
- ۲۰۵ ..... «واجبات منی»
- ۲۰۵ ..... اوّل: رمی جمره‌ی عقبه
- ۲۰۷ ..... «دوّم از واجبات منی ذبح است»
- ۲۰۷ ..... اوّل: آنکه اگر شتر باشد سنّ آن کمتر از پنج سال نباشد
- ۲۰۷ ..... دوّم: باید سالم باشد و حیوان مریض کافی نیست.
- ۲۰۷ ..... سوّم: باید خیلی پیر نباشد.
- ۲۰۷ ..... چهارم: باید ناقص نباشد.
- ۲۰۸ ..... پنجم: باید خیلی لاغر نباشد.



- ششم: باید «خصی» نباشد، ..... ۲۰۸
- هفتم: باید بیضه‌ی آن را نکوبیده باشند به احتیاط  
واجب. .... ۲۰۸
- «سوّم از واجبات منی تقصیر است»..... ۲۰۹
- اوّل: زنها که باید از مو یا ناخن خود قدری بگیرند. .... ۲۰۹
- دوّم: کسی که سال اوّل حجّ او باشد، که باید سر بتراشد. ۲۰۹
- «احکام بیتوته در منی»..... ۲۱۳
- «احکام رمی جمرات» ..... ۲۱۵



شابک: ۵-۰۲-۰۶۳۳۱-۹۶۴

ISBN: 964 - 6331 - 02 - 5